

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۰۰۰۰، ۰۰۰۰۰۰

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * حرف جدی در حاشیه تفریحات مقام معظم - مهدی سامع.....ص ۲
- * شلاق و حبس برای کارگران به استناد قانون - زینت میرهاشمی.....ص ۳
- * از تخریب سازنده به زمین سوخته - جعفر پویه.....ص ۵
- * جمهوری اسلامی: نظامی متجاوز به طبیعت و ثروت ملی - آناهیتا اردوان.....ص ۱۰
- * واژگان بی هویت و وارثان بی کرامت - امید برهانی.....ص ۱۳
- * گسترش فاشیسم مذهبی - شهره صابری.....ص ۱۶
- * چالشهای معلمان در شهریور ماه - فرنگیس بایقره.....ص ۱۷
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۳ - زینت میرهاشمی.....ص ۲۰
- * زنان در مسیر رهایی - آناهیتا اردوان.....ص ۲۹
- * اخبار کارورزان پرستاری و سلامت - امید برهانی.....ص ۳۳
- * رویدادهای هنری ماه.....ص ۳۶
- * "در ما نفس صبح بهاران جاریست" - م . وحیدی (م . صبح).....ص ۴۳
- * منع تعقیب در پرونده ۱۷ ژوئن، این پرونده ننگین نوسط قاضی ضد تروریسم بسته شد.....ص ۴۴
- * در گذشت ۲۱ امین مجاهد خلق در اثر محاصره ضد انسانی پزشکی در لیبرتی.....ص ۴۶
- * جنگ امیرها - هانا وتیگ - جانگل ولت - برگردان: بابک.....ص ۴۷
- * زنگ شروع جدال بر سر جانشینی خامنه ای به صدا در آمد - منصور امان.....ص ۴۹
- * تبریک به کارگران بافق، پیش به سوی همبستگی سراسری کارگران و تشکلهای مستقل آنان - لیلا جدیدی.....ص ۵۰
- * شهدای فدایی در مهر ماه.....ص ۵۱
- * انتشارات تصویری سازمان.....ص ۵۱

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

حرف جدی در حاشیه تفریحات مقام معظم

مهدی سامع

مقام معظم در هنگام مرخص شدن از بیمارستان ضمن اعلام بهبودی کامل و شرمندگی «از این همه محبتی» که امت همیشه در رکاب ولایت، «اظهار کردن و ابراز کردن»، خبر تفریح چند روزه خود که «عبارت بود از شنیدن صحبت‌های مقامات آمریکایی در زمینه مبارزه با داعش، که واقعاً مایه تفریح بود» را به اطلاع عموم رساند. در مورد آن «همه محبت» به جز دیدارهای دستچین شده حکومتیان که در مقیاس «این همه» نمی‌گنجید، همگان شاهد اظهار و ابراز انبوهی جوک بودند و بدین ترتیب مردم نیز با ساختن و یا خواندن جوکها پیرامون عمل جراحی آقا، شریک تفریح ولی فقیه نظام شدند.

عمل جراحی ولی فقیه همچنین موجب انتشار انبوهی تحلیل‌های سطحی در مورد این رویداد شد. بر پایه سربالی از این گونه تحلیلها گویا حرکت برای جانشینی خامنه ای و خلع ید از سپاه پاسداران آغاز شده و به زودی باید شاهد یک دگرگونی در ساخت و بافت حکومت باشیم.

از تفریح و حاشیه رویهای خامنه ای، جوک سازیهای مردم و تحلیل‌هایی که بیشتر به شوخی شبیه بود که بگذریم، در سخنان ولی فقیه نکته مهمی وجود داشت که باید آن را جدی گرفت. این نکته در حرفهای خامنه ای اساس سیاست راهبردی در عرصه جهانی است. این سیاست تاکنون برای ولایت خامنه ای کاربرد مطلوب داشته است. با اتکا بر این سیاست خامنه ای توانسته برای امنیت نظام بسیاری از تهدیدها را به فرصت تبدیل کند.

خامنه ای گفت: «آمریکا با این کار می‌خواهد بهانه ای پیدا بکند که هم چنان که در پاکستان با وجود دولت مستقر، با وجود ارتش قوی، ارتش پاکستان ارتش قوی است، بدون اجازه وارد پاکستان می‌شود، هر جا دلش می‌خواهد بمباران می‌کند، می‌خواهد در عراق و سوریه هم چنین کاری انجام بدهد، بدانند که اگر چنان چه چنین اقدامی بکنند، همان مشکلاتی بر سر راهشون به وجود خواهد آمد که تو این ده سال گذشته در قضیه عراق برایشون به وجود آمد.» (شبکه خبر، دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۳)

این حرف روشن و صریح است. هرکس هم که از واقعیت رویدادهای ده سال گذشته عراق خبر درستی نداشته باشد و تنها اخبار کُشت و کُشتارها، بمبهای کنار جاده ای، ترور نخبگان دمکرات و لائیک، دامن زدن به جنگ مذهبی و فرقه ای و... را شنیده باشد، نتیجه می‌گیرد که خامنه ای به آمریکا اطلاع می‌دهد که «همان مشکلاتی» را برینان ایجاد می‌کنیم که در «این ده سال گذشته در قضیه عراق» برایتان «به وجود» آوریم.

حمله تجاوزگرانه آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و اشغال این کشور، یک فرصت بزرگ برای ولایت خامنه ای بود و بسیاری به درستی آن را هدیه جرج بوش به رژیم ایران ارزیابی کردند. هدف اصلی عملیات تروریستی که از جانب سپاه قدس هدایت می‌شد، نشان دادن درماندگی آمریکا برای استقرار ثبات در عراق بود. خامنه ای مست از تحقق این سیاست، اکنون که به اجبار تن به حذف نوری المالکی داده، برگ برنده خود، یعنی تروریسم را، روی میز می‌گذارد. خامنه ای می‌داند که هیچ امکان دیگری برای حفظ هژمونی در حاکمیت عراق و جلوگیری از سقوط بشار اسد ندارد. انتشار عکسهای یادگاری پاسدار سلیمانی در عراق، برای نشان دادن وجود سپاه قدس در مبارزه علیه داعش نیست. لاف خامنه ای در مورد شکسته شدن «کَمَر داعش» به وسیله مردم [بخوانید سپاه قدس] را هم نباید جدی گرفت. این را هم باید به حساب تفریح مقام معظم گذاشت. حرف و عمل جدی ولی فقیه نشان دادن برگ برنده خود است. خامنه ای با دو دوره تخت وزیر مالکی، بهترین امکان برای کمک به دیکتاتوری بشار اسد را در اختیار داشت. اکنون که خامنه ای مجبور به قبول حذف مالکی شده، باید از هر امکانی برای حفظ «عمق استراتژیک» خود استفاده کند.

در شرایطی که ولایت خامنه ای با بحرانی عمیق و گسترده در داخل کشور درگیر است، تروریسم تنها حربه موثر و آزمایش شده و فرصت ساز برای خامنه ای است و اگر او از این حربه امروز استفاده نکند و یا نتواند استفاده کند، فردا خیلی دیر است.

شلاق و حبس برای کارگران به استناد قانون

زینت میرهاشمی

در ماهی که گذشت، علاوه بر حرکت‌های اعتراضی کارگران، شاهد چند رویداد مهم کارگری بودیم. دخالت نیروهای سرکوبگر رژیم با یورش به محل کارخانه و بازداشت و زندانی کردن فعالان کارگری، دشمنی رژیم با نیروی کار را برجسته کرد. رویکرد خشن دستگاه سرکوبی به عنوان یکی از موانع در برابر جنبش کارگری برای تحقق خواسته‌های این جنبش، به ویژه در برابر حرکت‌های اعتراضی کارگران معدن بافق خود را نشان داد.

سرکوبی و دستگیری کارگران معدن سنگ آهن بافق یک بار دیگر اوج بی رحمی دیکتاتوری ولایت فقیه را نشان داد. کارگران معدن بافق از اردیبهشت ماه سال جاری تا کنون در اشکال مختلف در رابطه با چگونگی خصوصی سازی و نادیده گرفتن حقوق کارگران در توزیع سهام این معدن دست به اعتراض زدند. خصوصی سازی در واحدهای تولیدی به معنای تهدید نیروی کار به بیکاری و فقر است. خصوصی سازی یا بهتر است بگوییم تبدیل شدن به شبه دولتی و یا سپردن مالکیت به ویژه خواران و خودیها تا کنون نقش مهمی در تعطیل سازی واحدهای تولیدی داشته است.

کارگران معدن ایران از جمله محرومترین بخش کارگران و مزدبگیران هستند. نگاهی به آمار حوادث کار، میزان بالای تلفات نیروی کار در معادن را برملا می کند. حوادثی که در معادن موجب مرگ و میر کارگران شده به دلیل عدم امنیت کار است. کشته شدن کارگران در معدن یال شمالی در سال ۹۱، در معدن ذغال سنگ چشمه بوندنه در سال ۹۲ و در معدن قلعه خرگوشی در سال ۹۳، نمونه هایی از بی ارزش دانستن نیروی کار در سخت ترین شرایط کاری است.

ماهیت سیاست‌های ضد کارگری رژیم را یکی از مجلس نشینان به خوبی بیان می کند. زارع زاده که خود را نماینده مردم محروم بافق قالب می کند به اصطلاح از در دلسوزی شمشیر و تازیانه ولایت فقیه علیه کارگران بافق را تیزتر می کند. زارع زاده می گوید: «رضایت مردم، رضایت حاکمیت است و در حالی که ۵۰ درصد از مردم این شهرستان کوچ کرده اند به نفع نظام و مردم است که ۱۵ درصد از ارزش افزوده معدن برای توسعه منطقه سرمایه گذاری شود.»

در حالی که کارگران به بازداشت تعدادی از نمایندگان خود اعتراض می کنند، این مجلس نشین می گوید: «در این میان بازیگرانی پیدا می شوند که از آب گل آلود ماهی بگیرند.» این حرف زارع زاده مقدمه ای برای پرونده سازی علیه نمایندگان کارگران است. استقرار ماموران سرکوبگر در محوطه معدن برای در هم شکستن همبستگی کارگران و شکار نمایندگان کارگران و دستگیری کارگران معدن بافق محکوم است.

زندان و شلاق برای کارگران

خبر تایید حکم ۵۰ ضربه شلاق و شش ماه حبس برای ۴ کارگر پتروشیمی رازی توسط بیدادگاه عمومی (جزایی) جمهوری اسلامی، موجب موجی از خشم و نفرت در ایران و جهان شد. در برابر اعتراض گسترده مدافعان حقوق بشر، پایوران رژیم گفتند که به دلیل متاهل بودن این کارگران، حکم فعلاً تعلیق خواهد شد. این حکم لغو نشده و کارگران محکوم شده همیشه زیر تهدید اجرای این حکم خواهند بود. حکم شلاق برای کارگران فعال در اعتراض‌های کارگری، موجب تقویت استفاده از این سلاح از طرف کارفرمایان شد. کارفرمای کارخانه کاشی گیلانا، در رویارویی با اعتراض ادامه دار کارگران این کارخانه که در پایان ماه شهریور ششمین روز خود را پشت سر گذاشت، یکی از کارگران را اخراج و از ۱۰ تن کارگران شرکت کننده در اعتراض به مراجع قضایی شکایت کرد. این کارگران بر اساس قوانین ضد کارگری که در آن حق اعتصاب، اعتراض و امنیت کار وجود ندارند، دستگیر می شوند.

عدم رعایت استانداردهای امنیتی برای نیروی کار

مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران، آمار تکان دهنده ای راجع به مرگ کارگران حین انجام کار در سال گذشته ارائه داد. بر اساس آمار ارائه شده، مرگ ناشی از کار در سال جاری نسبت به سال گذشته، ۴۹٫۶ درصد افزایش داشته است. مدیر

کل پزشکی قانونی تعداد مرگ را در ۴ ماه سال جاری، ۱۹۰ مورد ارائه داده در حالی که این آمار در ۴ ماه اول سال گذشته، ۱۲۷ کارگر بوده است.

بر اساس آمارهای ارائه شده در همین مورد، ۵ کارگر در روز و ۱۸۰۰ کارگر در سال گذشته حین انجام کار جان خود را از دست داده اند. بر اساس داده های پزشک قانونی، بخش زیادی از افزایش مرگ ناشی از حوادث کار در بخش صنعت ساختمان است. در حالی که کارگرانی که در این بخش کار می کنند همیشه با مشکل بیمه روبرو هستند. کارگران و مزدبگیران در بخش صنعت ساختمان، از جمله کسانی هستند که مورد تبعیض قرار گرفته و در چارچوبهای قانون کار نمی گنجد.

آمار ارائه شده از طرف معاون وزیر کار در مورد وضعیت بیمه کارگران و مرگ آنها در حوادث کار فاجعه بی ارزش دانستن جان نیروی کار در بی عدالتخانه دیکتاتوری ملایان را نشان می دهد.

شیوع بیماری ایدز در میان کودکان کار ۴۵ درصد است

بر کودکان کار در ایران تعیض چندگانه اعمال می شود. این کودکان به دلیل کمی سن بیشتر مورد استثمار قرار گرفته و هیچ قانونی هم از حق آنها دفاع نمی کند. از یک طرف از تحصیل و حقوق کودکی محرومند و از سویی دیگر از حقوق نیروی کار در چارچوبهای قانون رژیم محروم هستند. در ماه گذشته آماری از افزایش بیماری ایدز در میان کودکان کار در ایران منتشر شد که دردناک و تکان دهنده است.

بر اساس تحقیقی که در مورد بیماری ایدز در میان کودکان کار صورت گرفته، شیوع ایدز در میان کودکان از سن ۱۰ تا ۱۸ سال افزایش یافته است.

بر اساس گزارش سلامت نیوز ۲۸ شهریور، معاون بهداشتی وزیر بهداشت بیماری ایدز در میان کودکان کار را ۴,۵ درصد اعلام کرد، در حالی که شیوع این بیماری در جمعیت کل کشور یک دهم درصد است.

روز شنبه ۱۵ شهریور حسن روحانی در گردشهای استانی، ضمن دادن نمره قبولی به کارنامه یک ساله خود برای پایین آوردن نرخ تورم، مدعی بهبود وضعیت سلامت مردم شد. وضعیت سلامت و بهداشت نیروی کار پوچی ادعای روحانی را به چالش می کشد. به آمارهای بالا در مورد بهداشت و سلامت کودکان کار، آمار ۴ میلیون کودکی که به دلیل فقر از تحصیل محروم شده اند را هم باید اضافه کرد.

کُلاه گُشاد «سهام عدالت»

وعده های تو خالی احمدی نژاد، نورچشمی ولی فقیه یکی پس از دیگری توسط نورسیدگان به قدرت افشا می شود. احمدی نژاد با شعار بردن پول نفت به سفره مردم، پخش سهام شرکتهای دولتی با عنوان «سهام عدالت» و دادن وعده مسکن، دزدیهای کلان نورچشمیهای حکومت را پوشش داد. وعده هایی که به نام کاهش فقر داده شد، برای فقرا آبی گرم نکرد و به کام دزدان رفت.

سهام عدالت که بنا به گفته رئیس سازمان خصوصی سازی، بیشتر از ۴۴ هزار میلیارد تومان از سهام شرکتهای دولتی به آن اختصاص داده شده، «فاقد ارزش» است.

برگه هایی که به عنوان سهام در سال ۱۳۸۵، به مردم داده شده، جهت ثبت نام بوده و در زمان پخش، به دروغ به عنوان سهام به مردم داده شده است. بر اساس این گزارشها سودی که از این مبلغ در مدت ۸ سال، وارد خزانه شده، حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان است. این همان سودی است که قرار بود میلیاردها باشد و میان مردمی که برگه ها را دریافت کرده بودند تقسیم شود. برگه های سهام عدالت هم مانند یارانه ها روی دست دولت روحانی مانده است.

از تخریب سازنده به زمین سوخته

جعفر پویه

طرح خاورمیانه جدید سالهاست که مورد گفتگو و مناقشه قرار دارد. عده ای آنرا حاصل توهم توطیه می پندارند و جمعی هم آنرا سیاست جدید آمریکا برای منطقه با استناد به عملکردش در این محدوده جغرافیایی می دانند. استناد به گفته ای از کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه دولت بوش، تکیه کلامی است که بر آن تاکید می شود تا این نظریه مستدل تر به نظر آید. آیا به واقع کشتی بان را سیاستی دیگر آمده یا جریان چیز دیگری است؟

برای پرداختن به این موضوع، نقبی گذرا به گذشته و مرور اتفاقات پی در پی چند ساله شاید بتواند شتابک راهنمایی باشد برای تاباندن نور به زوایای پنهانی که کمتر به آن توجه می شود.

حل مساله هژمونی

زمانی که نظریه نظم نوین جهانی و جهانی شدن سرمایه بر هم منطبق شد، دو طرف ماجرا و کشاکش، دو سیاست عمده برای جهان پس از فروپاشی شوروی، یعنی نظام تک قطبی آمریکا و نظم چند قطبی اروپا در مقابل هم صف آرایی کردند. کشاکش سیاسی از یکطرف و مناقشات اقتصادی از طرف دیگر، مباحثاتی داغ را دامن زد و باعث رویش درگیریهای نیابتی در مناطق مختلف شد. در گرماگرم این مناقشات، "فوروم اجتماعی جهانی" در سیاتل فراروید و به سرعت کنفرانسهای آن همه گیر شد. نظریه پردازان منتقد نظم موجود، نوید بروز ابرقدرتی جدید از کف خیابانهای به شدت سیاسی شده و درگیر در بسیاری از کشورها را داده و آن را "ابرقدرت افکار عمومی" نام نهادند. سرازیر شدن سیل توده های شورشی به خیابانها و موضعگیری سفت و سخت در مقابل عملکرد دولتها و انتقاد با صدای بلند و جمعی علیه تهاجم به سطح معیشت خود، آن چیزی بود که توجه بسیاری را به خود جلب کرد. اما چرخش اجلاسهای این تشکل جهانی به گرد خویش و دسیسه های پیدا و پنهان از حرارت آن کاست و با خسته کردن مردم از پویش افتاد.

این تنها موفقیت نظم مسلط و سرکوبگر نبود. باید اتفاق جدیدی می افتاد و کاری می کردند وگرنه بار دیگر ممکن بود این سیل خروشان و ناراضی جاکن شود و بنیاد شان را از بیخ برکند. اینگونه شد که پس از حمله تروریستی القاعده به ساختمانهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک، فرصت لازم به دست آمد و بلافاصله جنگی سخت در افغانستان شروع شد. در آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی شرایط به شدت پلیسی شد و هر تحرکی بنام تروریسم سرکوب گردید. جو رعب و وحشت بر خیابانها حاکم شد و تظاهرات میلیونی علیه جنگ جای خود را به حضور پر رنگ پلیس و نیروهای امنیتی داد.

این فرصت تازه، موقعیت آمریکا در مقابل منتقدان سیاست یکجانبه گرایی اش را به موضع فرادست تبدیل کرد. این گونه شد که پس از افغانستان، عراق در تیررس قرار گرفت و آمریکا همه منتقدان خود را وادار به همراهی و نظم پذیری تحت اتوریته جنگی خویش کرد. حداقل منافع در سیاست بین الملل، هژمونی آمریکا و رهبری لشکرهای نظم داده شده بود تا اینگونه سیاستمداران مرعوب را به عقب نشینی وا دارد.

حاصل آنچه به دست آمد برای سیاست سازان و برنامه ریزان بلند مدت گام اولی بود که در راهی دراز برداشته می شد. در خاورمیانه فقط همین دو کشور در تیر رس قرار نگرفتند. کشورهای دیگری در این برنامه قرار دارند تا آنچه را کف بحرانهای سیاسی به خط می کند، در خدمت اهداف بلند مدت تر قرار دهد. تنها در اروپا فروپاشی یوگسلاوی و شیوه دستگیری میلوسویچ بیانگر عملکرد غلط اتحادیه و واگذاری میدان سیاست به آمریکا می تواند قلمداد شود.

بحران و پاسخ سرمایه داری به آن

آنچه همه این برنامه ریزها و بگیر و ببندها را توجیه می کند، بحران ادواری سرمایه است. هرچند با جهانی سازی، ثنوری نظم نوین هم گشایشی ایجاد نکرد و انتظار ظهور یک دوره رشد به یاس مبدل شد. فرو ریختن کعبه اقتصادی نو - لیبرالیسم و فروپاشی یکشنبه بازارهای بورس اقتصاد کازینویی نیز اثبات کرد که در این شبکه های عنکبوتی دلالی آنچه

تولید نمی شود، ارزش است. ضد ارزشهای تولید شده بحرانی سراسری را بر جهان تحمیل کرد و باعث فلاکت اقشار بسیار وسیعی از مردم جهان شد.

با توجه به چنین بحرانی که چارستون نظم موجود را می لرزاند چه باید کرد؟ یکی از پاسخهای جهان سرمایه داری، جنگ است. جنگ چه می تواند انجام دهد که آنقدر در این میانه مورد توجه قرار دارد؟ با این همه شعارهای حمایت از انسانها و سازمانهای عریض و طویل حتا حمایت از حقوق حیوانات، جهان چگونه می توان نظاره گر نابودی هزاران بلکه میلیونها انسان و خرابی و خانه خرابی آنها باشد تا مگر فرجه ای حاصل شود و امکان رشدی بروز کند؟ به زبان دیگر، منافع پنهان جنگ در افغانستان و عراق و شلتاق در یوگسلاوی و ... فقط پیگیری فرادستی و فرودستی در سیاست بین الملل نیست، بلکه در اصل تقسیم جهان است که بسیاری انتظارش را می کشیدند و برای منافع حاصل از آن کیسه دوخته بودند. با این حال این انتظار برآورده نشد، زیرا به جز بحران سیاسی، بحران اقتصادی ای که از شرق تا غرب عالم را درگیر کرد، بازارهای بورس را به زمین زد، مبادلات پولی را مختل و بانکها، یعنی شاهرگ حیاتی سیستم را ورشکسته کرد. ادعای بهبود سهم خواهی به کنار، در چنین وضعیتی تنها جلوگیری از سقوط کامل، موفقیتی عظیم به حساب می آید.

حجم بالای پول، یعنی نقدینگی یکی از دلایل این بحران است. دیگر دلیل، کالاهای تولید شده ای است که فروش نمی رود و در انبارها تلنبار شده است. هزینه بالای تولید با کارگرانی که به حقوق خود واقفند، نمی تواند پایین آید و به جز آن، فقر دایم التزاید نیز ترمز محکمی است که بازار را فشل می کند، چه می شود کرد به جز برافروختن آتش جنگی که بتواند بخشی از این پولها را بسوزاند، تولیدات زمین مانده را به مصرف برساند، امکانات و زیرساختهای مناطق مشخصی را نابود سازد تا فضایی آماده شود که تحت نام بازسازی و بهسازی، گردش سرمایه را ممکن سازد. به این عمل، اقتصاد دانان جنگ "تخریب سازنده" نام داده اند. با این حساب حجم این جنگ چه مقدار باید باشد که چاله های کنده شده را پر کرده و چرخ زنگ زده سیستم فرسوده را روغن کاری نماید؟

با توجه به آمارهای ارایه شده، تصور چنین امری محال به نظر می رسد، اما راه چاره دیگری نیز وجود ندارد. یا باید سیستم را تغییر داد و یا اینکه همین عجزه را بزک کرده و همچون نو عروس بار دیگر سالها به مردم غالب کرد.

تغییر سیاست

منطقه خاورمیانه با حجم بالای تولید انرژی فسیلی و ثروت اندوخته شده تاکنونی می تواند بخشی از این بار را به دوش گیرد. تجربه افغانستان و عراق نشان داد که شیوه گذشته و حضور نظامی ارتش کشورهای به ظاهر متمدن چندان کار ساز نیست. حجم بالای پولی که در این دو کشور مصرف شد، از تصور خارج است. چرایی آن را عبور از بحران اقتصاد مالی توضیح می دهد. اما منافع به دست آمده همانی نیست که انتظارش می رفت. پس باید راه دیگری در پیش گرفته می شد. بحرانهای سیاسی در این منطقه که سالهاست همچون دیگی که بر آتش فقر و بی حقوقی می جوشد، پر بیراه نبود. پس از یک دوره تلاطم و کشاکش، به ناگاه سیل جمعیت معترض به خیابانها سرازیر شد و "بهار عربی" شکوفه زد. مدیریت این بحران و سمت و سو دادن به آن به گونه ای که توده های معترض را نیز نا امید نکند، در دستور قرار گرفت.

تونس با دولتی نیمه اسلامی و نیم بند در حال حاضر ساکت است. در مصر توفنده که سالها الگوی دیگر کشورهای عربی و شمال آفریقا بود، بعد از یک دوره کشاکش سیاسی، در به همان پاشنه ای چرخید که می باید. در این وسط، قذافی، یاوه گوی حراف، جان بدر نبرد و لیبی تبدیل به کشوری شد که در آن سنگ روی سنگ بند نمی شود. سومالی بعد از یک دوره کشمکش و زدو خورد، یک مقطع آرامش را تجربه می کند. یمن درگیر بحرانی است که در فرصت مقتضی باید رفع و رجوع شود. سودان در بلاتکلیفی بسر می برد و سوریه در همسایگی اسرائیل تاکنون بی گزند بود، اما تکلیف این کشور باید یکسره شود و همچون لیبی، اسد دیگر تحمل نخواهد شد.

حضور اعتراضی توده های معترض در خیابانهای سوریه فرصت را به دست کسانی داد تا از آب گل آلود ماهی بگیرند. توده های چند هزار نفری در خیابانها برای دموکراسی و حقوق خود پا سفت کرده بودند. تشکلهای دموکراتیک و مردمی دست

بالا را داشتند و بعید نبود بتوانند کار اسد را یکسره کنند، اما به ناگاه سیل حمایت‌های تسلیحاتی با بوق و کرنای سیاسی راه افتاد. اسلحه‌های ارسالی به عقب مانده‌ترین و ضد مردمی‌ترین جریانهای سوریه رسید و در زمانی کوتاه آنها از کشته نیروهای دموکرات پشته ساختند و با بوق کرنای تبلیغاتی به گردن دولت اسد انداختند. روشن است که دولت اسد و حامی آن، رژیم ایران، مردم سوریه را قصابی کرده و می‌کنند، اما چشم بستن به فجایع این جریانها که در سوریه با کمک تسلیحاتی خارجی روز به روز قدرتمند تر شدند و دیگر نیروهای اجتماعی را از دم تراش کردند، برابر با ندیدن صحنه به طور کامل است. سیاست ایجاد و حمایت از گروههای ارتجاعی در گذشته در عراق هم به دست اجرا گذاشته شده بود. برای مثال جریان فاسد مقتدا صدر و لشگر تحت امر او را می‌توان نام برد که یکشنبه مثل قارچ از زمین رویید و جوخه‌های ترور را بنا به الگوی سرکوب در آمریکای لاتین و مرکزی سازمان داد. این جریان عراق را از نیروهای مترقی و دموکرات جارو کرد و پس از پایان کار ظاهری سیاسی به خود گرفت و به مواج‌پرداختی قانع شد.

اما در فاصله عبور از جنگ مستقیم به جنگ نیابتی و تغییر شیوه عمل آمریکا و اروپا در خاورمیانه، پرونده اتمی رژیم جمهوری اسلامی همچون طناب یک مسابقه در دست دو طرف ماجرا عمل کرد. زیاده‌خواهی و بحران آفرینی رژیم و هرزه‌دراییهای گماشته رهبر بر اریکه ریاست جمهوری یعنی احمدی نژاد، به صورت یکجانبه به نفع آمریکا عمل کرده است. پنج کشور به شش کشور تبدیل شده و رهبری آن به آمریکا واگذار گردید. کار این بحران تا آنجایی پیش رفت که اروپاییها در این مناقشه دنباله‌رو آمریکا شدند و خود آنها نیز پذیرفتند که رهبری این بحران را آمریکا در دست دارد و بدون توافق و اشاره آن امکان هیچگونه مصالحه‌ای نیست. آمریکا با حضور خود در این جمع، شرکتها و موسسات اروپایی را با جریمه‌های سنگین مالی روبرو کرد تا نشان دهد که تصمیم‌گیرنده کیست و آنکه دستور می‌دهد و دیگران باید گوش به فرمان باشند، کجاست. یکی از کارکردهای جریمه‌های مالی به دلیل زیر پا گذاشتن تحریمهای رژیم جمهوری اسلامی، اعمال اتوریته آمریکا در حیاتی‌ترین نقاط حساس اروپاست.

جمهوری اسلامی در خدمت آمریکا

به زبان دیگر، بحران آفرینی رژیم جمهوری اسلامی در سیاست بین‌الملل به نفع آمریکا است و او از این آب گل‌آلود به خوبی ماهی صید می‌کند و سیاست‌نظم چند قطبی اروپایی را فشل کرده است. از سوی دیگر، حضور و وجود رژیم جمهوری اسلامی در عراق و حتا دست بالا داشتن آن در سیاست و ارتش آن کشور و یاهو بافی و عربده جویی علی‌خامنه‌ای برای برپایی خلافت اسلامی و ادعای رهبری جهان اسلام، موضوع هلال شیعی را همچون کابوسی در منطقه پیش می‌کشد. شلتاق تروریستهای رژیم در کشورهای منطقه، دو پاره کردن جنبش فلسطین و ریش حماس با کمک نظامی و مالی رژیم و بحران آفرینی علیه منافع مردم فلسطین نیز بر هلال شیعی افزوده می‌شود. حزب الله لبنان در آن کشور دست بالا را می‌گیرد و همه اعضای این تشکل، مزدبگیر رژیمی هستند که همچون کابوس در منطقه عمل می‌کند. در سوریه که پل ارتباطی جمهوری اسلامی از عراق به لبنان است، اسد رفیق گرمابه و گلستان رژیم است.

با این حساب بار دیگر عملکرد رژیم منحوس جمهوری اسلامی در سیاست منطقه‌ای نیز آب به آسیاب آمریکا می‌ریزد و آمریکا از این بحرانها به خوبی به نفع خود استفاده می‌کند. کدام کشور منطقه است که از رژیم تروریست و بنیادگرای جمهوری اسلامی هراس نداشته باشد؟ در صورتی که آمریکا چتر حمایتی خود را از سر آنان بردارد، تکلیف آنها با چنین موجودیت آدمخواری چه خواهد بود؟ این موضوع به هیچ وجه توجیه‌گر ارتجاعی بودن رژیمهایی همچون عربستان یا کویت و بحرین نیست، بلکه توضیح موقعیت شکننده آنها و عملکرد بحران آفرین رژیم جمهوری اسلامی با سویه‌های متفاوت است.

حال به آنچه این روزها داعش یا "دولت اسلامی عراق و شام" خوانده می‌شود و همچون سیلی بنیان‌کن در عراق و سوریه عمل می‌کند و از کشته توده‌های مردم پشته می‌سازد، بهتر می‌شود نظر انداخت.

رژیم جمهوری اسلامی که از زبان رهبر آن گفته است که سوریه خط قرمز می باشد و به هیچ وجه حاضر به معامله بر سر آن نیست، خود در آن کشور با نیرویی که داعش خوانده می شود درگیر است. این درگیری چقدر واقعی و چقدر غیر واقعی است، از آن اطلاع دقیقی در دست نیست. نابودی نیروهای دموکرات و پیگیر سوریه به دست داعشیها بیش از همه به نفع رژیم اسد بوده است. چه اندازه رژیم ایران و دیگر کشورها در آن نفوذ دارند، نیز مشخص نیست. اما حدس و گمانهایی زده می شود که هنوز اساس و پایه مستدل و دقیق ندارد، اما بر پایه عملکرد و جهتگیریهای تهاجمی و دفاعی می شود فهمید که این حرفها پر بیراه هم نیست. به مجرد آنکه درگیریها در سوریه به حالت ایستایی رسید و بخش زیادی از وظیفه داعش به انجام رسید، به ناگاه این جریان به عراق سر ریز می شود. چرایی آن را بحران داخلی عراق، کشاکش بر سر ابقای نوری مالکی و یا جانشینی آن توضیح می دهد. به بن بست رسیدن این بحران و ناتوانی نیروهای عراقی در وادار کردن او به واگذاری پست نخست وزیری و امکان بروز یک اتفاق ناخواسته، راه را برای داعش باز کرد.

فرو نشاندن آتش با آتش؟

عجیب اینکه ارتش عراق که توسط آمریکا تعلیم دیده و تجهیز شده بود، دقیقی نیز در مقابل نیروهای داعش مقاومت نکرد. نوع عقب نشینی و یا فرار ارتش عراق قابل پرسش و حتما مشکوک است. ارتشی که به مدرن ترین اسلحه ها مجهز بود، حتا تیری هم خالی نکرد. نیروهای آن لباس از تن کنده و از منطقه درگیری فرار کردند. عقل سلیم می گوید که سوار ماشینهای ارتشی مدرن خود می شدند و منظم عقب نشینی می کردند، چرا آنها اسلحه و خودروهای نظامی خود را جا گذاشته، لباسهای نظامی را از تن در آوردند و پای پیاده فرار کردند؟ آیا چنین امری از سوی یک ارتش به ظاهر ملی عادی است؟ یعنی در میان این خیل نظامی یک یا چند فرمانده جدی که حس انجام وظیفه داشته باشد هم وجود نداشت، یا اینکه آنها با دستور به چنین امری اقدام کردند؟ منافع به دست آمده از این اتفاق می تواند پاسخ بعضی از پرسشها باشد. نیروهای داعش که غنایم تقدیمی ارتش عراق آنها را از گله های مسلح غارتگر به یک ارتش فاتح و مغرور غارتگر فرا رویاند، بعد از فتح چند شهر عراق و قتل عام مردم بیگناه که تصاویر آن به سراسر دنیا مخابره شد تا چشم مردم عالم به هدیه منزجر کننده تاریخ کنونی روشن شود، توقع می رفت که به سوی بغداد پیشروی کنند و با بدست آوردن پایتخت، دولت خود را اعلام کنند. اما داعش چنین کاری نکرد، در همان بیابانهای عراق، دولت اسلامی عراق و شام را اعلام نمود و رهبر آن ابوبکر بغدادی خود را خلیفه مسلمین خواند و فرمان حمله به کردها را صادر کرد.

بحران به وجود آمده توسط داعش در عراق به سود رژیم جمهوری اسلامی و هوادارانش در دولت عراق کارساز شد. عجیب اینکه ابوبکر بغدادی همان نظریه علی خامنه ای، یعنی خلافت اسلامی را اجرایی کرد و دولت خود ساخته اش را خلافت اسلامی نام نهاد. یعنی خلعت تمام تلاش خامنه ای در همه این سالها برای تبدیل رژیم ولایت فقیه به خلافت اسلامی و گسترش آن در منطقه یعنی از عراق تا فلسطین، در حال حاضر بر تن ابوبکر بغدادی است. عجیب تر اینکه یکسر این ماجرا نشان دهنده همبازی بودن آنان با هم و سر دیگر، حکایت رقبایی است که در یک اقلیم ننگجند.

عملکرد داعش در عراق و سوریه را می شود به شیوه عمل آتش نشانها در خاموش کردن آتش تشبیه کرد. در مواقعی بسیار بغرنج، آتش نشانهای با تجربه آتش را با آتش خاموش می کنند. یعنی آنها با محاصره آتش و سوزاندن مسیر پیشروی آن به صورت حساب شده، از گسترش آن جلوگیری می کنند. حال باید دید آیا عملکرد داعش فرو نشاندن بحران با برافروختن بحران به نفع جریانهای خاص هست و یا نیست؟

رژیم جمهوری اسلامی توقع دارد حضور و وجود داعش و شلتاق وحشی گرانه آن باعث شود تا او بتواند با آمریکا به توافق برسد و همه پروسه های سیاسی و گفتگوها و واسطه گریها را دور زده و به یکباره از وسط ماجرا سر بر آورد و دیگران را مات نماید. تا همین جا نیز او توانسته جامه رزم با داعش تن کند و با مقایسه خود با داعش، ادعاهایی گزاف نماید. رژیم ضد انسانی ای که نسبی گرایی در آدمکشی را توجیه گر وجود منحوسش قرار می دهد.

آنچه را که نمی شود نادیده گرفت و غیر قابل رد است، این واقعیت است که رشد و وجود چنین پدیده های منزجر کننده وحشی، جز حاصل سیاستهای مخرب و به شدت خطرناک قدرتهای بزرگ نیست که این منطقه را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده اند و می خواهند با آن مشکلات خود را حل کنند.

عجیب تر از همه اینکه بسیاری از اعضای وحشی و آدمکش داعش، تبعه کشورهای هستند که ادعای مبارزه با آن را دارند. وجود و حضور علنی آنها در تبلیغات و وحشت آفرینی شان چشم بسیاری را خیره کرده است و از آن عجیب تر اینکه هواداران و اعضا داعش در همین کشورها دست به راهپیمایی و تجمع زده و در مواردی با حمله به نیروها و افراد مخالف خود اقدام به زهر چشم گرفتن کرده اند. برپایی "پلیس شریعت"، تجمع در مقابل نهادهای دولتی با بیرق داعش و اقدامات مشابه روندی است که تازه شروع شده و باید منتظر مابقی ماجرا بود.

تشکیل اجلاسی بین المللی برای مبارزه با داعش در فرانسه نیز از آن اتفاقاتی است که همه را باید متعجب کند. یعنی یک جریان شبه نظامی و تروریست که بر بستر بحرانی عفونی شده روئیده است، با تبلیغات وسیع و وحشیگری آنچنان توانسته جلب توجه کند که مدعیان برای پاسخ به افکار عمومی اجلاس بین المللی تشکیل می دهند و جالب تر از همه فرانسه اقدام به دعوت رژیم جمهوری اسلامی برای شرکت در آن می کند. هم اینکه فرانسه ترورهای رژیم جمهوری اسلامی در خاک خود را فراموش کرده و به دنبال آن راه افتاده، نشان از فلاکت سیاست و سیاستمداران اروپایی دارد. باز این آمریکاست که با حضور رژیم مخالفت می کند و اروپاییهای گیج و منگ را یک قدم عقب تر نگه می دارد تا بازهم نشان دهد که کدخدای دهکده مجوز برای چنین امری را صادر نکرده است. هرچند در خفا و دور از چشم بقیه و سهم خواهی شان، زد و بند و رفت و آمد بسیار است.

در انتها

بحران جهانی سرمایه داری همچنان ادامه دارد، برای عبور از این بحران، منطقه خاورمیانه طعمه مناسبی است تا از آن به عنوان یک راه حل موقت استفاده شود. نیروهای درگیر این بحران که با پیش زمینه نوعی رقابت و کشاکش بر سر منافع سیاسی و اقتصادی در بیرون گود ایستاده اند، امیدوارند بتوانند به طور حساب شده طرح خود را پیش برند. اما آنچه در این میان بی ارزش است، جان و زندگی میلیونها مردمی است که در هیچ کجای محاسبات آنها جایی ندارند؛ مردمی که حتا به عنوان اعداد در این تخمینها برآورده نشده اند و همچون مهره های بی ارزش یک بازی بزرگ به راحتی فدا می گردند.

آیا چنین طرح غیر انسانی و به شدت منزجر کننده می تواند همچنان توجه افکار عمومی جهان را به توحش داعش معطوف کند و خود را ناجی کسانی جا بزند که هیزم زیر دیگ پخت و پز آنان شده اند؟

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

جمهوری اسلامی: نظامی متجاوز به طبیعت و ثروت ملی

آناهیتا اردوان

بحران زیست محیطی فراگیرنده در شکل کمبود آب، خشکسالی، نابودی تالابها و جنگلها، خشک شدن دریاچه های کشور (از جمله هامون، ارومیه، بختگان، مهارلو و جازموریان) تحت حاکمیت استبدادی، پدیده ای تصادفی نیست، بلکه با گذشت زمان و تداوم عملکرد و سیاستهای ضد زیست محیطی، خصوصی سازی و ضد ملی مرتجعان حاکم، به معضلی ژرف بدل گردیده است. رویکرد ویرانگرانه رژیم پیامدهای مخربی برای حیات تمامی موجودات زنده و مردم داشته و به ویژه گردانهای زحمتکش جامعه را با چالشی جدی روبرو ساخته است. رشد تزییدی بنیادهای انگلی سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی و شرکتهای وابسته به آن در قالب بنیادهای خیریه و مسکن سازی و جاده سازی، اجرای پروژه های غیرکارشناسانه سد سازی غیراستاندارد در پروسه رقابت و تاخت و تاز باندها و جناحهای وابسته به بیت رهبری برای تسلط و چپاول هر چه بیشتر ثروت ملی و اجرای سیاستهای خصوصی سازی پارکها و جنگلها، نقش عمده ای در ایجاد وضعیت ناگوار اکولوژیستی میهن مان دارد که مبین ذات ناسازگار و ناهمگون استبداد حاکم با طبیعت است. بنیاد منفور خاتم الانبیا به گفته یکی از مسوولانش به نام غفور حسین، تمامی فعالیتهای سد سازی در کشور را در دست دارد و افزون بر این، در بخشهای مترو سازی و نفت و گاز، پتروشیمی، آی تی، راه آهن، مترو، راه سازی و ... هم فعالیت دارد. (سایت قرارگاه خاتم الانبیا مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۱)

در حالی که کنترل و تسلط بنیادهای سوداگر مزبور بر اراضی طبیعی و اجرای پروژه های خائنانه یکی از دلایل خشک شدن دریاچه ها، تالابها و از بین رفتن جنگلهای کشور است، دولت روحانی کماکان بر همکاری بخش خصوصی به معنای واگذاری فعالیتهای زیست محیطی و اقتصادی در مناطق سبز به بنیادهای انگلی وابسته به استبداد حاکم تاکید دارد. وی در سفری به استان چهار محال و بختیاری پیرامون معضل آب در این استان به ویژه در بخشهای کشاورزی و صنعتی، اعلام کرد که نگاه دولت در توسعه گردشگری، زمینه سازی برای حضور بخش خصوصی است و از حضور سرمایه گذاران داخلی و خارجی در این زمینه استقبال می شود. به گفته مسوولان استان، دولت در تلاش است از توان مالی و اعتباری شرکتهای هلدینگ یا سرمایه گذاری نظیر شستا، بنیاد تعاون نیروهای مسلح، بنیاد مستضعفان و جانبازان، شرکت سرمایه گذاری غدیر و شرکتهای مشابه برای تکمیل طرحهای نیمه تمام عمرانی نظیر راه آهن، پروژه های گردشگری و راه سازی و سد سازی بهره گیرد. (انتخاب مورخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۳)

این بحران باوجود لاپوشانی و فریبکاری کارگزاران و آقازاده های وابسته به بیت رهبری، آنگونه تشدید شده است که صدای اعتراض برخی مسوولان را هم درآورده است. معاون سازمان محیط زیست رژیم در تاریخ ۲۸ شهریور، به گزارش "ایرنا" در همین رابطه اعتراف می کند: "متأسفانه طی دهه های اخیر، شاخص اقتصادی ایران بدون توجه به حفظ محیط زیست توسعه یافته و غفلت از این موضوع تخریب تالابها، دریاچه ها، سفره های زیر زمینی، آبها و جنگلها شده است." وی اضافه می کند که حفاظت از محیط زیست با دست خالی ممکن نیست. احمد علی کیخا، سهم سازمان محیط زیست از کل بودجه کشور را یازده صدم درصد و بسیار اندک اعلام کرد.

باوجود هشدارها و گردهماییهای فعالان محیط زیست، نه تنها هیچگونه راهکار علمی و عملی از سوی دولتهای رژیم از جمله دولت موسوم به "تدبیر و امید" ارایه داده نشده، بلکه اعتراضات مزبور با تهاجم بیرحمانه نیروی سرکوبی رژیم روبرو گشته است. یکی از آشکارترین نمونه ها تهاجم نیروهای انتظامی و لباس شخصیها به زنجیره انسانی بیش از پانصد نفر از فعالان محیط زیست اصفهان در محوطه خشک شده زاینده رود بود که به گزارش "هرانا"، ۴ خرداد ۱۳۹۳، با ضرب و شتم فعالان و بازداشت برخی حاضران به آن پایان داده شد.

بر اساس گزارش مزبور، پلیس در هنگام حمله به اجتماع کنندگان، آنها را "ضد انقلاب" و "منافق" خطاب می کرد. یکی از نیروهای انتظامی حاضر، مدعی سازماندهی این جمعیت برای ایجاد آشوب و ناامنی بوده و مدعی بود هدف این قشر سیاسی است نه حل مشکلات و ما باید با اجتماع بی مجوز برخورد کنیم.

تاکتیک اعمال زور و خشونت علیه فعالان محیط زیست بیانگر هراس رژیم پوسیده ای می باشد که قصد دارد از سیاسی شدن اعتراضات زیست محیطی و پیوند آن با دیگر اعتراضات مردمی و در نهایت رشد و گسترش جنبشی توانمند توده ای جلوگیری نماید.

نقصان آب و انرژی هسته ای و پروژه خائنانه خرید آب

مشکلات بیشمار و بغرنج زیست محیطی تحت حاکمیت رژیم ولایت فقیه که همه توان و همت خود را صرف رانت خواری و چپاول منابع طبیعی ارزنده و بدون شک بی همتای میهن مان می کند، بسیار وخیم ارزیابی می شود. "کمبود آب" یکی از مهم ترین بحرانهای زیست محیطی کنونی است که پیشاپیش زنگ خطر جیره بندی آب به صدا در آمده است. وخامت شرایط از زبان عیسی کلانتری، وزیر پیشین کشاورزی، به گزارش "فرارو" این چنین بیان می گردد که "اگر وضع به همین منوال پیش برود، ایران سی سال دیگر کشور ارواح می شود چون همه کشور تبدیل به کویر خواهد شد". وی سال پیش نیز عنوان کرده بود که با حفر بیش از ۶۵۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز، بیلان منفی برداشت آب که در ابتدای انقلاب زیر ۱۰۰ میلیون متر مکعب بوده، تا سال ۹۲، ۱۱۰ برابر شده و به ۱۱ میلیارد متر مکعب رسیده است. او هشدار داده بود که ۲۵ سال دیگر جنوب البرز و شرق زاگرس غیرقابل سکونت می شود. افزون بر اینها، به گزارش "راديو فردا"، اول مهر ۱۳۹۳، دو سال قبل، "ناسا" و "مرکز ملی تحقیقات جوی آمریکا" نیز در مطالعه ای نشان داده بودند که در خاورمیانه، از جمله ایران، یک دوره ۳۰ ساله خشکسالی در راه است. به گفته دکتر ناصر کرمی، اقلیم شناس، ظرف ۳۰ سال گذشته، هفتاد درصد از آبهای زیرزمینی که طی هزاران سال ذخیره شده، مورد مصرف قرار گرفته است که از حد مجاز ۲۰ درصد تجاوز می کند و برابر با ۸۰ درصد است که این میزان به معنای تعطیلی صنعت کشاورزی در ایران خواهد بود.

ایران جزو آن بخش عظیم کم آب جهان است که از صحرای آفریقا تا صحرای چین گسترده است. لذا، بهره گیری از فن آوری مدرن و نوین و دانش دوران جهت حفظ آب به مثابه پرارزش ترین منبع زمین و یکی از نخستین نیازهای انسان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مناسبات مبتنی بر تقسیم و توزیع نابرابر قدرت و ثروت به موازات استبداد بی بند و بار و نامحدود فردی در قالب نظامهای سلطنتی و ولایت فقیه، مانع عمده ای بر سر راه تحقق این مهم بوده و هست. سیاستهای مخرب خصوصی سازی و پروژه هایی که تنها در خدمت افزایش اندوخته های سران رژیم جهت گسترش و بسط مافیای انگلی قدرت و ثروت بدون توجه به زیانهای جبران ناپذیر اکولوژیکی از جمله "کمبود آب" قرار دارند، بیشمارند. ولیکن، نظر به سالها پافشاری و اصرار دستیابی به انرژی هسته ای رژیم به بهانه تولید برق بر پایه سیاستی مبنی بر مغلطه و شارلاتانیسم سیاسی، پرده برداری از خطرات زیست محیطی تولید برق از انرژی هسته ای به ویژه در نظر به مساله کمبود آب، ضروری است.

تمام مراحل پروسه بغرنج تولید برق از انرژی هسته ای برای محیط زیست خطرناک است. استخراج اورانیوم ناخالص از معدن، تصفیه، غنی سازی و تولید پلوتونیوم، ایزوتوپهای رادیو اکتیوی تولید می کند که منطقه اطراف را آلوده می سازد. آبهای زیرزمینی، هوا، زمین، گیاهان و همه تجهیزات و در نتیجه انسان و همه اکوسیستم به صورت مضر و ژرفی تحت تاثیر قرار می گیرند. به این چرخه، معضل زباله های هسته ای را هم باید افزود که به طرق متفاوتی تولید می شود. یک راکتور، سالانه بیست تا سی تن زباله هسته ای به جا می گذارد و هنوز هیچ راه مطمینی برای نگهداری این زباله ها که تا زمان محو طبیعی خود به صورت بسیار خطرناکی آلوده به رادیواکتیو است، وجود ندارد. افزون بر اینها، تولید برق از انرژی هسته ای به آب نیازمند دارد، به طوری که نیروگاههای هسته ای می بایست در آب غوطه ور باشند.

بر اساس تحقیقات علمی، مصرف آب برای یک نیروگاه هسته ای ۲۰ تا ۳۰ برابر بیشتر از نیروگاههای غیر هسته ای است. مصرف آب برای تولید برق با استفاده از منابع انرژی تجدید شدنی در مقایسه با مصرف آب برای تولید برق با استفاده از انرژی هسته ای و سوخت فسیلی اینگونه مقایسه شده است (۱):

. میزان مصرف آب برای تولید برق از طریق انرژی باد برابر با ۰,۰۱ لیتر در ساعت

. میزان مصرف آب برای تولید برق از طریق انرژی خورشیدی برابر با ۰,۲۶ لیتر در ساعت

. میزان مصرف آب برای تولید برق از طریق انرژی سوخت فسیلی برابر با ۴,۵ لیتر در ساعت

. میزان مصرف آب برای تولید برق از طریق انرژی هسته ای برابر با ۵,۵ لیتر در ساعت

سمتگیریهای دولت روحانی پیرامون مسایل زیست محیطی باوجود آنچه در بالا پیرامون خطرات زیست محیطی نیروگاههای اتمی و تولید برق از انرژی هسته ای عنوان شد، با دیگر دولتهای در نظام ولایت فقیه تفاوتی ندارد. پروژه ها و سیاستهای دولت به اصطلاح "تدبیر و امید" نه تنها مساله ای از بحران زیست محیطی و کمبود آب حل نمی کند، بلکه با پیشبرد سیاستهای خصوصی سازی سبب ساز تشدید بحران زیست محیطی ست که به طور مستقیم و غیر مستقیم حیات مردم، به ویژه طبقات و اقشار محروم جامعه را به خطر می اندازد. توجیحات سفسطه آمیز با موضوع زیادی جمعیت به مثابه معضل اصلی بحران کمبود آب و دیگر مشکلات زیست محیطی از سوی کارگزاران رژیم با توجه به توزیع نابرابر قدرت و ثروت کاملا استخوان پوک، مَهْمَل و گزاف است. کنترل و تعیین سیاستهای زیست محیطی جهت مقابله با زیانهای اکولوژیکی نه تنها از اراده و قدرت اقشار و طبقات فرودست خارج است، بلکه آنان از استفاده بهینه از منابع و ثروت ملی محرومند.

طرح خرید آب از تاجیکستان بهانه مقابله با چالش پیچیده کمبود آب، سیاستی خائنانه است که نه تنها گره ای از آن نمی گشاید، بلکه ثروت بیشتری به جیب بنیادهای انگلی و شرکتهای خصوصی سرازیر می سازد. دولتهای جمهوری اسلامی به جای مدرن سازی شیوه آبیاری صنعت کشاورزی، بهره برداری از منابع انرژیهای تجدید پذیر و کنار گذاشتن طرح برق هسته ای و ... بر سیاستهایی نادرست پای می فشارند زیرا رژیم ولایت فقیه و تمامی دولتهایی که از بیت رهبری تغذیه می کنند، سرشتی ضد زیست محیطی دارند.

برآمد

بحران زیست محیطی ریشه در سیاستهای غیر علمی و ضد ملی نظام استبدادی حاکم دارد که میهن ما را با معضلات ناگوار و خطرناکی چون، کمبود آب، آلودگی هوا، گسترش بیابانها، تخریب جنگلها و تالابها، خشکسالی و از بین رفتن صنعت کشاورزی روبرو ساخته و سبب تشدید فقر، تنگدستی، مرگ و میر، بیکاری و ... گردیده است. این در حالیست که تداوم زندگی انسان که ماحصل تکامل طولانی و پیچیده زندگی گیاهی و حیوانی می باشد، با حفاظت از طبیعت و گنجینه های آن درهم تنیده است. از همین رو، هر گونه آسیبی که متوجه محیط زیست و گونه های جاندار دیگر گردد، خسارتهای جبران ناپذیر و غیرقابل برگشتی بر هستی انسان وارد می سازد.

مارکس در کتاب "ایدیولوژی آلمانی" در همین رابطه می گوید: "انسان جزیی از طبیعت است و طبیعت بنیاد هستی اوست. انسان به واسطه نیازهایش که باید آنها را از طریق طبیعت برطرف نماید، در یک وابستگی بنیادین نسبت به آن قرار دارد و با طبیعت تا زمانی که زنده است، در یک رابطه دایمی قرار دارد. بنابراین، طبیعت در واقع ادامه اندام انسان یا "عضو ناپیوسته" اندام انسانی است که از این لحاظ نه تنها زندگی فیزیکی و جسمانی او، بلکه حتی زندگی معنوی اش نیز به آن وابسته است. انسان یک "روح ناب" نیست که چشمی و بدنی را برای تجلی این روح یا بیان آن روح قرار داده باشند، بلکه سراسر ماده و در همه اعمال خود تابع قوانین ماده است."

زحمتکشان و مدافعان عدالت و دوستداران محیط زیست میهن ما در مقابل یورش همه جانبه اکولوژیستی ارتجاع راهی جز تشدید مبارزه ای بس دشوار ندارند. تردیدی نیست که با بالا رفتن آگاهی طبقاتی و سازماندهی مبارزه ای منسجم و مستقل، متشکل از اقشار تحت ستم می شود بر قدرت ویرانگران محیط زیست لگام زد و عامل پایه ای بحران زیست محیطی، یعنی ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن را به عقب راند و از آنها خلع قدرت کرد.

پانویس:

1. Nuclear power and water scarcity, By Sue Wareham and Jim Green - Science

Alert, Friday, 26 October 2007

واژگان بی هویت و وارثان بی کرامت

امید برهانی

در شیزوفرنیا فرآیندهای فکری و شناختی بیمار مختل شده و پاسخگویی عاطفی وی تضعیف می شود. توهمات شنیداری عجیب و تفکر و تکلم آشفته پدیدار می شوند و فرد به واژه سازی (نئولوژیسم) روی می آورد؛ واژگانی که هیچ گونه تناسب و قرابتی با فرهنگ و زبان مادری وی ندارند. سبب شناسی روانی این پدیده، انفکاک شخصیت و تجزا و پارگی لایه های نهاد، خود و فرا خود است که در سیر تکامل خود، بیمار را به گونه ای از خودبیگانگی دچار می کند و او را با ادبیات و واژگانی دیگرگونه، به اثبات خویش و چالش با پیرامون برمی انگیزاند.

نزد هگل از خودبیگانگی پدیده ای خاص است که بر خلاف سایر پدیده های عام، فرآیند تحول شناخت (یعنی برون تراوی، عینیت یابی، شیئی شدگی و شیئی زدگی که در تمام تحول شناخت وجود دارند) فقط در لحظه و مرحله ی معینی از این فرآیند پدیدار می گردد و در مراحل بعد از میان می رود. از این رو، از خود بیگانگی را می توان پدیده ای پاتولوژیک و در واقع گونه ای بیماری شناخت دانست.

ویژگیهای اصلی از خودبیگانگی عبارتند از: جدایی، استیلا، پرستش نمونه ی بارز از خودبیگانگی در پدیدار شناسی هگل دولت است که در آغاز روح و جوهر ملت است، اما از آن جدا می شود، بر آن مستولی و فرمانروا می گردد و سرانجام مورد پرستش قرار می گیرد. نمونه ی دیگر مذهب و ایدیولوژی ست که محصول اندیشه انسانی ست اما از انسان جدا می شود، بر انسان مستولی می شود و دست آخر به عنوان اصول مافوق انسانی پرستیده می شود. به مدد همین تعاریف و مثالها می توان به ترمینولوژی و ادبیات یک دولت ایدیولوژیک همچون جمهوری اسلامی و زیرپاره های آن در بستر پدیدار شناختی اش نظر افکند.

بانی این رژیم بیگانه با عرف سیاسی - بین المللی زمانه خود، در نخستین جملات شیزوفرنیک و آلوده به توهم رسالت خود خطاب به ملتی گفت: "ما شما را به مقام انسانیت می رسانیم!"

سوی ادبیات سیاسی پاتولوژیک و غریب این حاکمیت از جمله صدور انقلاب، امام، دفاع مقدس، امت، مدیریت جهان، اقتصاد مقاومتی، سال پیامبر عظیم الشان، اصولگرایی، اصلاح طلبی و ... در عرصه معنا و اخلاق و مفاهیم انتزاعی هم نئولوژیسم همزاد و هم نهشت رژیم و زیرپاره های آن همچنان فعال و مولد بوده است. نگاهی به گردهمایی گروهی از اصلاح طلبان در روزهای آغازین شهریور با عنوان "احیای هویت و کرامت انسانی" موید ادعای نگارنده است.

چکیده محتوای این همنشینی که در دانشگاه مازندران و با شرکت نمایندگان شورای اصلاح طلبان، علی یونسی وزیر اطلاعات وقت و برخی از مدیران دولت خاتمی برگزار شد، تاکید بر موارد زیر است:

- از بین رفتن کرامت انسانی در دولتهای احمدی نژاد (مثال آن اخراج اساتید از دانشگاهها، فاجعه در اقتصاد و بن بست رابطه با جهان)

- نقش جوانان اصلاح طلب در گرم کردن تنور انتخابات ۹۲ (عین گفتار) و نادیده گرفته شدن آنها پس از انتخابات - حاکمیت تفکر، هدایت و پشتیبانی رهبران اصلاحات (به صراحت رفسنجانی، ناطق نوری و حسن خمینی!!! در کنار چهره های شاخص و دربند اعتراضات ۸۸)

- دستاوردهای دولت امید و اعتدال در پیشرفت مذاکرات هسته ای و بازگشت آرامش به جامعه و بازار - این که مشکل کشور افراط گرایی ست و اصولگرا و اصلاح طلب با هم انقلاب کردند و به جبهه رفتند و تک جناحی و حذف مذموم است

- این که دولت اعتدال باید در چنین نیروهای سیاسی دقت بیشتری به خرج داده و از به کار گیری عناصر افراطی بپرهیزد

می توان از دو منظر و رویکرد توأمان به بررسی تطبیقی فرم (عنوان) و محتوای این برنامه به عنوان نمونه ای از پدیده از خودبیگانگی زیر پاره های اصلاح طلبی و اصول گرایی در کلیت شیروفرنیک رژیم جمهوری اسلامی پرداخت (گرچه حجم نمونه در این جامعه آماری بسیار بالاست): یکی بررسی تاریخی دوران حیات نظام و دیگری بررسی مستقیم سخنان و عقاید اشخاص مورد اشاره در بالا.

معامله رژیم با کرامت انسانی در پنج دوره گوناگون از حیات خود

از منظر اول، اگر از سر اغماض یا انصاف بخواهیم برای چارودیواری جغرافیایی به نام جمهوری اسلامی هویت و کرامتی قایل شویم، ناگزیر از تن دادن به تقسیم بندی تاریخی زیر خواهیم بود:

دوره نخست: هویت عصر خمینیسیم که از درون هواپیمای بر زمین ننشسته و ابراز "هیچ" احساسی خمینی آغاز شده و گام اول آن اراده فرد به تشکیل دولت، "توی دهن" دولت وقت زدن، اعدامهای انقلابی، مرزبندی با نیروهای مترقی و چپ، پنهان شدن پشت نیروهای مذهبی و ارتجاعی و به فراندوم نمایشی گذاشتن شیوه ای از حکومت که مشابه و ما به ازایی در فرهنگ سیاسی و حکومتیهای رایج جهان نداشت و جز این، با برگه ی "آری" یا "نه"، عرصه را خالی از هر گزینه حکومتی آلترناتیو یا رقابتی دیگر کرد.

گام دوم هویت سازی، تحکیم مرزبندی و شروع تصفیه پایوران رژیم سلطنتی و دگرانیشان و مخالفان حکومت نوپدید از ادارات، ارتش، نفت و دانشگاه (در قالب انقلاب فرهنگی) بود.

با شروع جنگ، گام سوم در تثبیت این هویت جعلی با خلق تز "فتح قدس از راه کربلا"، رویارویی و سرکوب قیام خیابانی سال ۶۰ و اصرار بر ادامه جنگ که دستکم ضامن بقای یکی از طرفین فاشیست و توسعه طلب و بهانه ای برای شکنجه و کشتارهای بی رحمانه دهه ۶۰ شد.

با قوت گرفتن احتمال شکست نظامی از عراق و حمله مجاهدین و رفتن تا لب بام سرنگونی رژیم، با نوش جان کردن زهر قطعنامه در حقیقت گام پایانی، متزلزل و رو به عقب برداشته شد و هویت سرخورده، سوراخ شده و مستاصل، با قتل عام وحشیانه ۶۷ اوج "کرامت انسانی" خود را به نمایش جهانی گذاشت.

دوره دوم: هویت سیاسی عصر سازندگی با مترسک سازی رفسنجانی از خامنه ای، قدرت گیری تدریجی وی از طریق باج دهی سیاسی و اقتصادی به نهادهایی مثل سپاه و بنیادها و آغاز پنهانکارانه پروژه غنی سازی اتمی، طراحی و اجرای ترورهای برون مرزی، دسیسه برای قتل اعضای کانون نویسندگان، آغاز پروژه قتلهای زنجیره ای با کشتن سعیدی سیرجانی و ... و ساخت و نمایش برنامه ی "هویت" مشخص می گردد.

هویت اقتصادی این دوره با طرحهای به شدت لیبرالیستی استقراض از بانک جهانی و عملیاتی کردن فرمولهای صندوق بین المللی پول در جهت خصوصی سازی (و در واقع آقازاده سازی و یقه سفید سازی) صنایع و بخشهای اقتصادی، گریز از قانون اساسی در زمینه آموزش و بهداشت و درمان رایگان، کندی نزدیک به توقف بازسازی مناطق جنگ زده و آغاز رانت خواری و رانت دهی در قراردادهای نفتی، خودرو سازی، راه و ترابری، زمین خواری، سد سازی و تخریب محیط زیست رقم می خورد. ناگفته پیداست که این اعمال و برنامه های کارگزاران رژیم تا چه میزان "کرامت انسانی" را نشانه گرفتند.

دوره سوم: حکایت هویت عصر خاتمی که نوستالژی ناکام اصلاح طلبان و مایه ننگ و نفرت اصولگرایان است، با جان گرفتن مترسک خامنه ای و نمایش باند واقعی قدرت در پروژه های دادگاه کرباسچی، حمله به کوی دانشگاه تهران، بحران آفرینی ۹ روز یک بار، قتلهای زنجیره ای، ترور حجاریان و توقیف فله ای مطبوعات و انفعال رییس جمهور قانون گرای سابق و تدارکات چی بعدی از همان آغاز در هویت ذلالت و بی مایگی فرو افتاد و کرامت انسانی پایوران پارانویید نظام، خود را در اجساد کارد آجین شدن فروهرها و پرپر شدن امثال عزت ابراهیم نژاد به نمایش گذاشت.

دوره چهارم: و سر انجام قله ی هویت و گل سر سبد کرامت انسانی رژیم، دولتهای احمدی نژاد بود که در دو دوره انتصاب ننگین آن، هویت حماقت بار ارتجاع و پوپولیسم، خود را در هاله نور، خس و خاشاک، قطعنامه دان پاره شده و کاغذ پاره های تحریم جلوه کرد و کرامت گداپروانه رییس دولت را در ظرف هدفمندی (قطع) یارانه ها، سهام عدالت و خانه روی آب "مهر" ریخت. و البته این دوره مفتخر است که کرامت انسانی به سبک خامنه ای (سرکوب ۸۸ و کشتار در خیابان، شکنجه و قتل در کهریزک، بازداشت و زندان مخالفان و حتی حبس باورمندان منتقد) را به ضمیمه بیوگرافی نامشروع سیاسی خود دارد.

دوره پنجم: و اما دولت اعتدال و امید از آنجایی که محصول فرآوری شده و غنی شده دقیقه نود تنور انتخابات ۹۲ است و در چند راهی اقتدارگرایی خامنه ای، موج سواری هاشمی، اصلاح طلبی کتک خورده و گریبان خاتمی و پوپولیسم برجها مانده از دولت احمدی نژاد معطل مانده، اصولا بی هویت ترین بخش تاریخ نظام نئولوژیست ولایت فقیه تا به امروز است و چون به برکت اقتصاد تحریم و عدم مشروعیت بین المللی و حقوق بشری دست و پایش بسته است، اساسا توان ابراز کرامت را هم ندارد. تا از این پس چه پیش آید!

تحلیلی بر گفتار و کردار گروه هدف این نوشته:

تقلیل و کوچک کردن سبزه کرامت انسانی تا حد بخشش اصول گرایانه و بازگرداندن اصلاح طلبان به زمین بازی قدرت، آن هم نه قدرت واقعی، بلکه در لباس قوه مجریه که حقیر ترین واحد قدرت سیاسی در رژیم جمهوری اسلامی ست و یا در نهایت در شکل مجلس که آن هم ثابت نموده که ویتترین ولایت و دموی در یوزگی و آستان بوسی خامنه ای ست و حیات و هویت خود را از او می گیرد، بیشتر به یک تراژدی شبیه است تا حتی یک طنز تلخ.

همینطور سکوت و رخوت مرگ آور جامعه ناشی از رکود اقتصادی و خشم فروخورده یا بی تفاوتی ناشی از رفتارهای سادیستی رژیم مثل اعدامهای علنی، برخورد با پوشش و آرایش زنان، تفکیک جنسیتی در ادارات، ممنوع کردن کار زنان در بعضی اماکن مثل کافی شاپ، محدودیت و فیلترینگ اینترنت و ... را نشان بازگشت آرامش به جامعه دانستن، تنها حماقت یا عدم صداقت گوینده را می رساند.

نشاندن افرادی چون هاشمی (عالیجناب سرخ پوش سابق) و ناطق نوری (گزینه ی اصلح اصول گرایان) و حسن خمینی (نواده ی ناخرسند محروم از میراث فتیشیسم پدر بزرگ) در جایگاه رهبران و مغزهای متفکر اصلاحات و همسنگ نمودن آنها با همراهان جنبش مردمی ۸۸ که گرچه خود از تبار و باورمندان همین نظام بودند اما دستکم شهامت ایستادن و پافشاری بر حق رای دهندگان به خود را داشتند و تاوانش را نیز دادند، اساسا دور از شرافت و کرامتی ست که اصلاح طلبان داستان ما در پی احیای آنند.

جای شگفتی ست که کسانی مثل یونسی از هم پیالگی و رفاقت گرمابه و گلستان با اصول گرایان و مذمومیت حذف یک جناح دم می زنند و سوم شخص غایبی به نام "افراط گرایان" را مقصر و مسوول همه بدبختیها می دانند. و یا شماری از اصلاح طلبان نزدیک به "آدمهای بالا" مثل ابطحی و عطریان فر اندکی پس از دیدن و چشیدن گوشه ای از کرامت حاکمیت اصولگرا (که از قضا مشکل مملکت هم نیستند) در جریان محاکمات پس از جنبش ۸۸ چنان دچار تحول روحی و توبه واقعی می شوند که به کلی هویت خیزش مردمی را زیر سوال برده و آن را یکسره "فتنه" و کاندیداهای مورد حمایت خود را "سران فتنه" می خوانند و هم از این راه، هویت اصلاح طلبانه و پای بندی خود به کرامت انسانی را به اثبات می رسانند.

این است مدعا و محتوای پارگانی از یک رژیم شیذوفرنیک که در پروسه ی از خودبیگانگی، مردم را تنور داغ کن خوانده (جدایی) و خود را وارثان شایسته قدرت دانسته (استیلا) و مصمم به احیای هویت و کرامت انسانی در جامعه است (پرستش).

گسترش فاشیسم مذهبی

شهره صابری

طوفان وحشتناک جنایات انواع احزاب فاشیستی در حال درنوردیدن کل جهان است. ظهور داعش، پا گرفتن حزب فاشیستی دموکرات سوئد، فاشیسم در اوکراین، پا گرفتن احزاب دست راستی در انگلستان، آلمان، اتریش و کشورهای دیگر از این دست است. جنایات هولناک داعش و عدم ایستادگی قطعی در برابر آن و اخیراً کسب ۱۰ درصدی آراء انتخابات سوئد توسط حزب دموکرات و سرکوب وحشیانه ی مردم معترض به فاشیسم، موجی است که جهان را با فاجعه رو در رو می کند. در سوئد حزب دموکرات که پیش از این چندان نیرویی نداشت، اکنون صاحب ۲ کرسی در پارلمان اروپا شده است. تقارن ظهور داعش و پاگرفتن احزاب دست راستی در اروپا حامل پیام مهمی از سوی بنیانهای نظام سرمایه داری است. تحلیل این جنبشها که در نهایت نیروی آنها متکی بر یک چیز است با در نظر گرفتن بحرانهای نظام سرمایه داری به اوضاع کنونی راه می برد.

فاشیسم همواره با بحرانهای نظام سرمایه داری که ناشی از تناقضات عمیق آن است بروز پیدا کرده است. یکدستی فرهنگی، محدودیت و ممنوعیت تخطی از نظم و قواعد نظام سرمایه داری، نیروهای نامتجانس را همچون ناخودآگاه سرکوب شده ی انسان به خفا رانده است. جامعه ی طبقاتی شرایط را برای شکل گیری جنبشهای فاشیستی مهیا کرده است. نیروهای نظامی ملی که همراه با انزجار طبقات گسسته شده از یکدیگر، گسترش پیدا می کنند پاسخی آمرانه به خطر رو به رشد طبقه ی کارگر هستند. رشد فاشیسم باید نشانه ای از عمق تناقضات نظام سرمایه داری باشد. با تصریح به این که نهایتاً زیر بنای جامعه روبنای آن را مشروط می کند و انواع جنبشهای اجتماعی باید در کلیت نظام بررسی شوند؛ از هم گسیختگی اجتماعی ناشی از این بحران و نبود جنبشی بالنده و مترقی، اوضاع را خطرناک تر از پیش می کند. این وضعیت چگونگی جذب نیروهای ناراضی به سوی مجموعه های سرکوب گرانه را روشن می کند. رهبران این جنبشها اغلب دارای سوابق انواع جرم هستند. سوابق رهبران و اعضای اصلی این جنبشها نشان دهنده ی از هم گسیختگیهای اجتماعی و از تبعات فرد گرایی است. روابط اعضا با رهبران بر پایه ی نمادها و احساسات است. رهبران این جنبشها بیشتر از محرومان و کارگران عضو گیری کرده و ادعای رفع نیازها و بهبود اوضاع محرومان را دارند.

در این جنبشها عدم آگاهی طبقاتی گردش از چپ به راست را سبب می شود و ادعای دفاع از محرومان با قدرت گرفتن این احزاب به سرکوب محرومان منجر می شود. در شرایط بحرانی اخیر در نظام سرمایه داری با افول جنبشهای چپ، آنتی تز راستین در برابر سربرآوردن فاشیسم موجود نیست. در دهه ۱۹۳۰ دو انقلاب متخاصم با یکدیگر و متخاصم با نظم موجود در جامعه در حال شکلگیری بود. هم اکنون یک طرف این جنبشها یعنی جنبشهای چپگرا بسیار ضعیف و عملاً در عرصه حضور ندارند که باعث بالا رفتن برد فاجعه می شود. عدم حضور احزاب چپ در عرصه ی مبارزه در برابر نابرابریها، ظهور فاشیسم را سبب شده است. عدم آگاهی و عدم وجود جنبشهای اجتماعی رادیکال، جذب سرکوب شدگان را با استفاده از احساسات باعث شده است.

جنبشهای فاشیستی مذهبی مانند داعش که تعداد عمده ای از اعضای آن از جوامع عقلگرا هستند، نشان دهنده ی فرهنگی است که پرورده ی ذهن بورژوا- سرمایه دار است و نامتجانس را به حاشیه می راند. فرهنگی به دور از خرد. سرمایه داری که تنها متوجه سودآوری است، بیگانگان با این نظم را به حاشیه می راند و سرکوب شدگانی که هیچ گاه جدی گرفته نشده بودند اعضای این جنبشها می شوند که کورکورانه و با احساسات شدید مجذوب رهبران اخراج شده از جامعه می شوند و به انواع جنایات هولناک بی پرده دست می زنند. در این میان فعالیت احزاب چپ و رادیکال و تلاش در مسیر تشکل و آگاهی طبقاتی تنها دفع کننده ی خطر فاشیسم است.

چالشهای معلمان در شهریور ماه

فرنگیس بایقره

محمد داوری آزاد شد

ایلنا، ۱۸ شهریور - محمد داوری، عضو "سازمان معلمان ایران" که در تاریخ ۱۷ شهریور ۸۸ بازداشت شده بود، از زندان اوین آزاد شد.

آقای داوری از فعالان صنفی معلمان است که به دلیل شرکت در تجمع صنفی فرهنگیان مقابل مجلس در سال ۸۵ و به اتهام افشای جنایات کهریزک در سال ۸۸، در مجموع پنج سال حبس را تحمل کرد.

او در دادگاههای جداگانه ای که برای رسیدگی به اتهامات سیاسی و صنفی اش برگزار شده بود، به ترتیب به پنج و یک سال حبس محکوم شده بود.

آقای داوری روز دوشنبه ۱۶ شهریور بعد از گذراندن ۵ سال حبس و به دلیل تجمیع احکامش از زندان اوین آزاد شده است.

گزارشی از حرکت‌های اعتراضی مربیان پیش دبستانی

روز دوشنبه ۱۰ شهریور بیش از هزار تن از مربیان پیش دبستانی مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. بر اساس آمار منتشر شده حدود ۳۰ هزار مربی پیش دبستانی در کشور چشم انتظار برگزاری آزمون استخدامی مربیان پیش دبستانی بودند تا بتوانند پس از سالها تدریس وارد آموزش و پرورش شوند. به گزارش فارس، آموزش و پرورش قرار بود در ۱۷ مردادماه آزمون استخدامی مربیان دبستانی را برگزار کند اما این موضوع محقق نشد.

روز سه شنبه ۱۱ شهریور تجمع هزار تن از مربیان پیش دبستانی در مقابل نهاد ریاست جمهوری وارد سومین روز شد. به گزارش تسنیم، آزمون استخدامی مربیان پیش دبستانی و نیروهای شرکتی را می‌توان یکی از خبرسازترین اخبار آموزش و پرورش در طول ماههای اخیر عنوان کرد.

روز سه شنبه ۱۱ شهریور، تعدادی از مربیان پیش دبستانی مدارس دولتی شهرستان بجنورد در حرکتی اعتراض آمیز مقابل اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی تجمع کردند. به گزارش اترک نیوز، حاضران در این تجمع دلیل اعتراض خود را بلا تکلیفی و برگزار نشدن آزمون استخدامی معلمان پیش دبستانی عنوان کردند.

روز چهارشنبه ۱۹ شهریور، چند صد تن از مربیان پیش دبستانی برای چهارمین روز متوالی در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان یا سر دادن شعارهایی نظیر «دولت تدبیر و امید، کو تدبیر کو امید؟»، «نیروی بازنشسته، به جای ما نشسته»، «می‌گن وزیر عادل، چرا ز ما غافل؟»، «نه آزمون نه تبصره، استخدام حق منه» و «مربی می میرد توهین نمی پذیرد»، به بیش از دو سال بلا تکلیفی خود برای استخدام در وزارت آموزش و پرورش اعتراض کردند. معترضان حدود ۳۰ هزار مربی پیش دبستانی کل کشور را نمایندگی می‌کنند.



ILNA

Iranian Labour News Agency

در چهارمین روز تجمع متوالی مربیان پیش دبستانی، آنها ابتدا در مقابل نهاد ریاست جمهوری و سپس در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند.

روز پنجشنبه ۲۰ شهریور ماموران حراست وزارت آموزش و پرورش با شماری از مربیان پیش دبستانی حاضر در تجمعات با تلفن تماس گرفتند و آنان را به دلیل شرکت در این تجمعات بازخواست کردند و به آنان گفتند دیگر نباید به تهران بیایند. مربیان پیش دبستانی صبح روز سه شنبه ۲۵ شهریور بار دیگر مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان به خلف وعده وزارت آموزش و پرورش در لغو بخشنامه اخراج مربیان پیش دبستانی اعتراض کردند. اجرای قانون تعیین تکلیف مربیان پیش دبستانی و تخصیص ردیف بودجه برای استخدام از دیگر خواسته‌های معترضان است. به گزارش خبرگزاری خانه ملت، روز یکشنبه ۳۰ شهریور، جمعی از مربیان پیش دبستانی برای تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود بار دیگر جلوی درب مجلس تجمع کردند.

جایگاه آموزش پیش دبستانی و مربیان آن

حقوق معلم و کارگر، ۲۳ شهریور، نسرین هزاره مقدم - در روزهای گذشته، معلمان پیش دبستانی از شهرهای دور و از گوشه و کنار کشور به تهران آمدند تا پیگیر وضعیت شغلی خود باشند. آنها چند روز پیاپی در مقابل نهادهای دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش و ساختمان ریاست جمهوری تجمع کردند. در طول این تجمعات به آنها توهین شد، آنها را بی سواد خطاب کردند و حراست آموزش و پرورش تلاش کرد با تماسهای تلفنی تهدید آمیز آنها را متفرق کند. همه این بی اعتنائیها و توهینها در حالی انجام شد که این مربیان تنها یک پرسش و یک درخواست داشتند: چرا مصوبه ای که برای استخدام آنها به تصویب رسیده، هرگز اجرایی نشده است؟

با بلند شدن صدای دادخواهی این مربیان که در عین بر عهده داشتن وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین در حساس ترین و تاثیرگذارترین سالهای عمر، از حقوق شغلی خود محرومند و در شرایطی که این فریاد دادخواهی بی پاسخ مانده است، سری زدم به سایتها و منابع سازمانها و نهادهای بین المللی تا ببینم موقعیت این مربیان و شغل حساس آنها بر مبنای معیارهای جهانی چگونه تعریف می شود و ما چقدر با این جایگاه فاصله داریم.

سازمان جهانی آموزش (ای، آی) که مرجع خوبی برای مسایل و دغدغه های آموزشی است، سیاستهای زیر را به عنوان کلیدهای راهبردی در زمینه آموزش پیش دبستانی تعریف کرده و به اعضای خود توصیه می کند:

- آموزش پیش دبستانی باید با بودجه دولتی تامین گردد و بدون هیچ گونه تبعیض کمی و کیفی در اختیار همه کودکان باشد

- رفاه مربیان پیش دبستانی و ارتقای شغلی و آموزشی آنها باید در برنامه کاری وزارت آموزش و پرورش کشورها گنجانده شود

- مربیان پیش دبستانی باید در بدنه و در لایه های مدیریتی اتحادیه ها و سندیکاهای آموزشی حضور داشته باشند و حمایت از حقوق آنها بایستی در برنامه کاری این نهادهای صنفی باشد

حمایت و پشتیبانی از شاغلان این رده، علاوه بر سازمان جهانی آموزش، در برنامه کاری سازمانهایی مانند یونسکو، یونیسف و سازمان جهانی همکاری و توسعه اقتصادی نیز قرار دارد. با این شرح و توصیفات، در مقایسه با جهان پیشرفته، جایگاه مربیان پیش دبستانی در ایران بسیار پایین است. دولت وظیفه دارد به سرعت برای حل مشکلات این قشر آموزشی چاره ای بیندیشد و به نابسامانی اوضاع آنها با تخصیص بودجه مناسب خاتمه دهد. از طرفی این مربیان باید بتوانند به بدنه انجمنها و نهادهای صنفی معلمان بپیوندند و در اتحاد باقی معلمان که آنها هم مشکلات معیشتی بسیاری دارند، برای به دست آوردن حقوق قانونی خود مبارزه کنند. این، راه را برای چانه زنی متحد و پر قدرت با مقامات دولتی و قانونگزاری باز خواهد کرد. در این زمینه هر تلاشی که انجام دهیم و هر قدر به طور جمعی درخواست کنیم، باز هم کم است. تامین یک زندگی شایسته و سزاوار برای معلمان یعنی آینده ای شاد و روشن برای ایران.

آموزش و پرورش: امکان افزایش حقوق نداریم

ایسنا، ۲۹ شهریور - معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به پرسشی مبنی بر برنامه های آموزش و پرورش برای افزایش حقوق و مزایای فرهنگیان اظهار کرد: "تا زمانی که ساختار نیروی انسانی خود را اصلاح نکنیم، براساس مقررات موجود امکان افزایش حقوق نداریم."

سیدمحمد بطحایی افزود: "قانون ظرفیتهایی را برای افزایش حقوق معین کرده است، اما در قانون آمده است که این افزایش باید از محل اصلاح ساختار انجام شود." بطحایی با اشاره به اینکه باید شرایط موجود را هم در نظر گرفت گفت: "نمی توانیم برای نیرویی که شش تا هشت ساعت سرکلاس می رود و مابقی را در دفتر مدرسه است، افزایش حقوقی داشته باشیم. از سوی دیگر، کسی که نهایت همکاری را با سیاستهای دولت دارد، تمام ساعتهای موظفی اش پر شده و در منطقه ای که نیاز داریم می رود و کار می کند هم باید انگیزشهای لازم را ایجاد کنیم."

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه حقوق فرهنگیان به طور میانگین یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است، گفت: "این مبلغ بسیار اندک است. معلم باید بدون دغدغه به کار اصلی اش بپردازد. البته اکنون براساس قانون هماهنگ خدمات کشوری خصوصا در آموزش و پرورش سایر پرداختی چون هزینه غذا، ایاب و ذهاب را نداریم و فقط حقوق است."

جداسازی دانش آموزان بر اساس مبلغ پرداختی والدین

ایسنا، ۲۹ شهریور - یک مدرسه ابتدایی در تهران اقدام به تفکیک دانش آموزان در کلاسهای هوشمند و غیرهوشمند بر مبنای پرداخت یا عدم پرداخت کمک مالی والدین برای هوشمندسازی کلاسها کرده است.

دبستان پسرانه ای واقع در منطقه ۵ تهران اقدام به تفکیک کلاسهای درس به دو نوع هوشمند و غیرهوشمند (عادی) کرده که بر این اساس، دانش آموزانی که هزینه هوشمندسازی کلاسها از سوی والدین آنها پرداخت نشده باشد، در کلاسهای عادی تحصیل خواهند کرد.

بنا بر این گزارش، کلاسهای هوشمند در این دبستان تنها مجهز به ویدیو پروژکتور و تخته هوشمند است که این نوع تخته، تصویر پروژکتور یا نمایشگر را لمس می کند و با قرار گرفتن در محیط ویندوز می تواند بدون استفاده از صفحه کلید و ماوس و تنها با لمس کردن به مدیریت تخته پرداخت.

یکی از والدین دانش آموزان این دبستان می گوید: "از والدین هر دانش آموز برای تحصیل در این کلاسهای هوشمند، مبلغ ۲۳۰ هزار تومان دریافت شده است."

یکی دیگر از والدین که حاضر به پرداخت چنین هزینه ای نشده، می افزاید: "مدیر مدرسه به صراحت به یکی از والدین گفته است از تفکیک کلاسهای درس به دو نوع هوشمند و عادی به عنوان ابزاری استفاده کرده که بتواند خانواده ها را وادار به پرداخت هزینه هوشمندسازی کلاسها کند تا به این ترتیب بتواند کل مدرسه را هوشمند کند."

بنا بر اظهارات برخی از والدین، مدیر مدرسه با این بهانه که آموزش و پرورش مجوز دریافت کمکهای مردمی برای هوشمندسازی کلاسهای درس را به مدیران مدارس صادر کرده، دست به چنین اقدام تبعیض آمیزی در میان دانش آموزان این مدرسه زده است.

مدیر این مدرسه با تاکید بر اینکه هیچ اجباری برای پرداخت هزینه کلاسهای هوشمند وجود ندارد، می گوید: "درست نیست خانواده هایی که علاقه مند هستند، فرزندانشان از امکانات بهتری استفاده کنند، به پای کسانی که تمایل به این کار ندارند، بسوزند."

وی در واکنش به این سوال که آیا با توجه به حساسیت و شرایط سنی دانش آموزان در مقطع ابتدایی، تفکیک کلاسها به این شکل باعث تضعیف روحیه آنها نمی شود، این گونه پاسخ می دهد: "مطمین باشید اگر هم چنین اتفاقی بیفتد، این والدین هستند که بر ذهن دانش آموزان تاثیر می گذارند و ما در شروع مدارس سعی خواهیم کرد، که تمام این مسایل را به دانش آموزان توضیح دهیم."

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۱۰۹ حرکت اعتراضی

*جمعی از کارگران کارخانه الیاف خاوران پارسین با ارسال نامه‌ای نسبت به عدم توجه مدیران این کارخانه به پرداخت مطالبات قانونی شان انتقاد کردند. به گزارش روز شنبه ۱ شهریور ایلنا، در نامه کارگران کارخانه الیاف خاوران نیشابور آمده است؛ کارفرمای چینی این کارخانه بدون در نظر گرفتن مطالبات قانونی کارگران، از پرداخت برخی مطالبات مربوط به ایام تعطیلات و مرخصی خوداری می‌کند.

*جمعی از کارگران بازنشسته نساجی قائمشهر روز شنبه ۱ شهریور در مقابل استانداری مازندران تحصن کردند. به گزارش ایسنا، تجمع‌کنندگان خواستار حقوق و معوقه سالهای گذشته خود شدند.

*روز یکشنبه ۲ شهریور، حدود ۳۰۰ تن در اعتراض به عدم تحویل به موقع مسکن مهر پردیس در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از تجمع‌کنندگان گفت: در ابتدا قرار بود مسکن مهر پردیس ظرف مدت ۱۸ ماه تحویل داده شود اما هم اکنون بعد از گذشت ۳۰ ماه تحویل نداده‌اند.

*به گزارش همبستگی ملی، جمعی از کارکنان کارگاه‌های لوله‌سازی تهران روز دوشنبه ۳ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق عقب افتاده در مقابل وزارت کار تجمع کردند.

*کارکنان اداره برق کرج روز دوشنبه ۳ شهریور دست به اعتصاب چند ساعته زدند. به گزارش همبستگی ملی، آنها به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق عقب افتاده اعتراض کردند.

*به گزارش همبستگی ملی، کارگران اخراجی گروه صنعتی فلات کوه‌رنگ روز دوشنبه ۳ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق عقب افتاده به همراه خانواده‌هایشان در مقابل سازمان تامین اجتماعی رژیم در فرخ‌شهر تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۴ شهریور، همزمان با ورود وزیر صنعت به رشت کارگران ایران برک تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران ایران برک در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق از ده روز پیش دست از کار کشیده بودند، همزمان با ورود وزیر صنعت، معدن و تجارت به شهر صنعتی رشت با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه خواستند صدای اعتراضشان را به گوش وزیر برسانند.

*کارگران پروفیل ساوه روز سه شنبه ۴ شهریور به خاطر این که کارفرما به وعده خود عمل نکرد، دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این وضعیت و روحیه بالای کارگران برای ادامه اعتصاب، کارفرمای پروفیل ساوه ناچار شد بعد از ظهر روز چهارشنبه یک ماه از دستمزد معوقه این کارگران را به حساب شان واریز کند و بدین ترتیب کارگران پروفیل ساوه با تحقق خواست شان به اعتصاب خود پایان دادند.

*روز چهارشنبه ۵ شهریور، بیش از ۲۷۰ تن از کارگران سد گلورد نکا در اعتراض به عدم حقوق دریافتی دست به اعتصاب زدند. به گزارش نکا آنلاین، این اعتصاب در پی عدم دریافت دستمزد و حقوق دریافتی طی چهار و نیم ماه در محل احداث سد گلورد صورت گرفت.

*به گزارش دانا، در حالی که بیش از یک سال از برگزاری آزمون استخدامی وزارت نفت می‌گذرد، روز شنبه ۸ شهریور دومین تجمع معترضان نسبت به این آزمون در مقابل وزارت نفت در خیابان طالقانی برگزار شد.

*روز دوشنبه ۱۰ شهریور پذیرفته شدگان آزمون استخدامی همراه با خانواده برخی از آنان برای سومین روز متوالی در برابر وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش فارس، پذیرفته شدگان آزمون استخدامی وزارت نفت دلیل حرکت اعتراضی خود را رفتار غیرقانونی وزارت نفت در تغییر یک شبه حد نصاب نمره مصاحبه و حذف شدن تعداد زیادی از رتبه‌های برتر آزمون از فرآیند استخدام اعلام کردند.

*روز دوشنبه ۱۰ شهریور، کارگران مرکز مخابرات فجر یاسوج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق ۴ ماهه خود برای دومین روز متوالی در این مرکز تجمع کردند. به گزارش صبح زاگرس از یاسوج، این کارگران نسبت به عدم دریافت مطالباتشان از سوی پیمانکار این مرکز مخابراتی اعتراض کردند.

*بیش از ۱۵۰ تن از کارگران اخراجی فولاد مبارکه اصفهان روز یکشنبه ۹ شهریور مقابل دفتر مرکزی این شرکت در اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش سازمان مجاهدین خلق، آنها که بیشتر تکنسینهای تحصیل کرده و دوره دیده با سابقه بالای ۷ سال هستند به اخراج خود و استخدام افراد جدید اعتراض کردند.

*کارگران پتروشیمی فجر روز دوشنبه ۱۰ شهریور در اعتراض به این شرایط کاری خود اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا، با گذشت بیش از دو سال از تبدیل قرارداد شماری از کارگران پتروشیمی فجر از پیمانی به مستقیم نه تنها حقوق دریافتی آنها افزایش نیافته، بلکه این کارگران از برخی مزایا نیز محروم شده‌اند.

کارگران معترض می‌گویند اگر قرارداد مستقیم هستند چرا لباسهای شرکت پیمانکاری رامپکو را بر تن می‌کنند و برای این شرکت کار می‌کنند و اگر زیر نظر رامپکو هستند، چرا از مزایایی که این شرکت پیمانکاری به کارگران می‌دهد، محروم هستند؟

*از روز شنبه ۱ شهریور کارگران و کارکنان کارخانه واگن پارس اعتصاب کردند. به گزارش ایسنا، این اعتصاب در روز سه شنبه ۱۱ شهریور وارد یازدهمین روز خود شد.

اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و مزایای کارکنان، عدم مدیریت صحیح و نامنظم بودن پرداخت حقوق از جمله دلایلی است که کارگران را مجبور به اعتصاب کرده است. وزارت صنایع نیز با آزاد کردن واردات واگن، تولید واگن را کم کرده و در نهایت موجب بیکاری و عدم به کارگیری تمامی ظرفیت تولید می‌شود.

*روز سه شنبه ۱۱ شهریور تعدادی از کارگران شهرداری زابل در مقابل فرمانداری ویژه زابل دست به تحصن و اجتماع زدند. به گزارش اوشیدا، یکی از کارگران حاضر در تجمع، عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران شهرداری زابل را علت این تجمع عنوان کرد و گفت: ما نیاز به درآمد داریم و اگر چند ماه حقوقمان را دریافت نکنیم با مشکلات مالی برای اداره زندگی مواجه می‌شویم.

*صبح روز چهارشنبه ۱۲ شهریور، تعدادی از کارگران کارخانه ماشین لنت سمنان به همراه خانواده‌های شان در اعتراض به اخراج و مطالبات حقوقی معوقه در مقابل فرمانداری شهرستان سمنان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارفرمای این واحد تولیدی در اول شهریور، ۲۲ تن از کارگران قرار دادی کارخانه را به دلیل آنکه در مقابل تعهد نامه اجباری پیش از امضای قرارداد مقاومت کرده بودند را اخراج کرد.

کارفرما در این نامه حق اعتراض از کارگران برای مطالبات شان را محدود کرده و از کارگران می خواهد این تعهد نامه را امضاء کنند و به آن پایبند باشند. در جریان این تجمع، تعدادی از کارگران رسمی کارخانه به همراه خانواده های شان، معترضان را همراهی کرده و خواستار دیدار با فرماندار شدند.

* کارگران نگیین سبز خاورمیانه در روز شنبه ۱۵ شهریور در مقابل اداره کل بنادر و کشتیرانی اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علت این تجمع، اعتراض به تعویق ۳ ماه حقوق و محاسبه نشدن ۸ ماه بیمه است. بیش از ۱۰۰ نفر از کارگرانی که از قبل در استخدام نگیین سبز خاورمیانه بودند، ۳۶ ماه در فهرست بیمه تامین اجتماعی کارفرما قرار نگرفته اند. لازم به یادآوری است، شرکت مهندسی و خدمات دریایی نگیین سبز خاورمیانه فعالیت خود را از سال ۱۳۸۳ آغاز کرده و با سرمایه گذاری کلان صندوق بازنشستگی سازمان بنادر و کشتیرانی، به عنوان با سابقه ترین مجری لایروبی کشور به حساب می آید.

* کارگران کارخانه سامان کاشی بروجرد در روز شنبه ۱۵ شهریور در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران سامان کاشی در این تجمع خواستار دریافت مطالبات شان شدند. نماینده کارگران بایبان اینکه مطالبات کارگران به ۳ حقوق و بیمه در ماههای خرداد، تیر و مرداد سال جاری مربوط می شود، اظهار داشت: با آنکه مسئولان استانی به مشکلات کارگران کارخانه سامان کاشی واقف هستند، اگر امروز هم به خواسته کارگران اهمیتی داده نشود ناچار خواهیم بود برای احقاق حقوق صنفی خود به تجمعاتمان ادامه دهیم.

* به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، تعدادی از اعضای تعاونی مسکن صنایع و معدن تهران در اعتراض به عدم واگذاری زمینهای شان در هشتگرد و همچنین انحلال مجمع برگزاری مشترک اداره کل تعاون با این تعاونی، در روز شنبه ۱۵ شهریور در مقابل اداره کل تعاونی استان تهران تجمع کردند.

* کارگران خدماتی شهرداری زابل در روز چهارشنبه ۱۲ شهریور در مقابل فرمانداری و چند نهادهای اداری منطقه زابل تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل تجمع اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق است که در مقابل مسئولان مربوطه وعده پیگیری مطالبات کارگران را دادند.

* روز یکشنبه ۱۶ شهریور، کارگران معدن زغال سنگ البرز غربی همزمان با سفر استاندار گیلان و هیات همراه به منطقه عمارلو در مقابل درب ورودی معدن تجمع کردند و خواستار دریافت دو ماه حقوق معوقه خود شدند. به گزارش ایلنا، کارگران منتظرند موضوع لغو انحلال معدن البرز غربی بر اساس مصوبه اخیر شورای تامین استان گیلان به کارفرما ابلاغ شود.

* روز یکشنبه ۱۶ شهریور، کارگران مخابرات راه دور شیراز در مقابل استانداری فارس در در خیابان زند تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش سازمان نجاهدین خلق، کارگران با سردادن شعارهایی چون «معیشت و منزلت حق مسلم ماست» و «حق و حقوق کارگر پرداخت باید گردد»، خشم خود را از پرداخت نشدن مطالبات و وضعیت بد معیشتی ابراز کردند.

* جمعی از پذیرفته شدگان آزمون استخدامی نفت در روز یکشنبه ۱۶ شهریور، در مقابل ستاد مناطق نفت خیز جنوب، در اتوبان آزادگان اهواز، تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند. به گزارش تسنیم، تجمع کنندگان خواستار حل مشکل استخدام خود از سوی وزیر نفت شدند. تجمع کنندگان پلاکاردهایی با عناوین «تخلف در آزمون استخدامی نفت» و «۲۶۷۶ نفر کجایند» در دست داشتند.

*صبح روز دوشنبه ۱۷ شهریور جمعی از کارگران ساوه در اعتراض به عملکرد اتحادیه اسکان (اتحادیه مرکزی تعاونی‌های مسکن کارگران ایران) در مقابل فرمانداری ساوه و زرنديه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران با تجمع در مقابل فرمانداری ساوه خواستار خاتمه بلا تکلیفی ۶ ساله شان در تحویل مسکن شدند.

*تعدادی از کارگران با سابقه ایران برک رشت که ۷ ماه پیش از این واحد بازنشسته شدند و هنوز نتوانسته اند سنوات پایان خدمت خود را از کارفرما دریافت کنند، صبح روز سه شنبه ۱۸ شهریور در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، میزان مطالبات هر یک از کارگران از ۱۶ تا ۲۰ میلیون تومان است.

*کارگران کارخانه قند کارون در شهر کرد روز سه شنبه ۱۸ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق عقب افتاده خود در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع و تحصن کردند. به گزارش همبستگی ملی، کارگران اعلام کردند تا زمانی که حقوق خود را دریافت نکنند به اعتراض و تحصن خود ادامه خواهند داد.

*اعتصاب کارگران واگن پارس در اراک که از روز شنبه ۱ شهریور آغاز شد در روز چهارشنبه ۱۹ شهریور وارد نوزدهمین روز خود شد. به گزارش ایسنا، کارگران و کارکنان اعتصاب کننده خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و مزایای کارکنان، مدیریت صحیح و منظم بودن پرداخت حقوق خود شدند.

واگن پارس اراک با حدود ۹۰۰ تن پرسنل، قدمتی حدود ۴۰ سال و مساحتی حدود ۳۳ هکتار به عنوان یک شرکت مادر در حوزه صنعت ریلی دارد.

در حال حاضر برخی شرکتهای حمل و نقل ریلی به جای اینکه به بخش تولید کشور رونق بخشد، واگنهای دست دوم و از کار افتاده را وارد می کنند و با کمی تغییرات و زیباسازی جهت استفاده به خطوط ریلی سرازیر می کنند.

*صبح روز شنبه ۲۲ شهریور، کارگران کارخانه پروفیل ساوه دست از کار کشیدند و در پی بی توجهی کارفرما به خواستههای شان از ساعت ۳ بعد از ظهر اقدام به برپائی تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری ساوه کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، دادستان ساوه، مسئولان نیروی انتظامی و اداره کار در محل تجمع کارگران حاضر شدند. بر اساس توافق قبلی کارگران و کارفرمای کارخانه پروفیل ساوه قرار بود ۲۰ شهریور یک ماه از پنج ماه دستمزد معوقه کارگران پرداخت شود.

روز یکشنبه ۲۳ شهریور کارگران از ساعات اولیه صبح اعتصاب شان را در محل کار خود آغاز کردند ولی در همین حین ۴ نفر از کارگرانی که دیروز در تجمع مقابل فرمانداری حضور داشتند با تاکید دستور از جانب دادستانی از ورودشان به شرکت ممانعت به عمل آمد و اخراج شدند.

به گزارش روز دوشنبه ۲۴ شهریور اتحادیه آزاد کارگران ایران، علیرغم جلوگیری از ورود چهار کارگر اعتصابی پروفیل ساوه به کارخانه و عزم کارفرما برای اخراج آنان و همچنین اجبار و تهدید کارگران واحد گالوانیزه برای راه اندازی این بخش، اعتصاب کارگران این کارخانه همچنان ادامه دارد.

به دنبال چهار روز اعتصاب کارگران پروفیل ساوه و تلاشهای کارفرما و دادستانی ساوه برای درهم شکستن این اعتصاب، روز سه شنبه ۲۵ شهریور دستمزد کارگران به حساب شان واریز شد و پس از وعده مساعد مدیریت کارخانه مبنی بر بازگشت به کار ۴ تن از کارگران اخراجی، آنان به اعتصاب خود پایان دادند.

*با ورود به نیمه دوم شهریور بالغ بر ۷۰ تن از کارگران کارخانه نکا سفال در اعتراض به عدم دریافت حقوق دست به اعتصاب زدند. به گزارش نکا آنلاین، کارگران کارخانه نکا سفال روز ۱۵ شهریور به علت عدم دریافت حقوق و دستمزد

ماه‌های تیر، مرداد و بخشی از معوقات خرداد اعتصاب کردند. این دومین اعتصاب در میان کارخانجات و کارگاه‌های اطراف نکا در شهریور ماه امسال است.

کارخانه نکا سفال یکی از کارخانجات بزرگ شرق مازندران در تولید سفال بوده و تعداد قابل توجهی از کارگران در آن مشغول به کارند.

*کارگران کارخانه «نورد و لوله صفا» در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی و بیمه ای خود صبح روز یکشنبه ۲۳ شهریور در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا در این واحد صنعتی نزدیک به هزار کارگر مشغول به کارند که دستمزد ماه‌های خرداد، تیر و مرداد سال جاری را دریافت نکرده‌اند. در پی این تجمع مدیریت کارخانه به کارگران وعده داد که تا پایان هفته حقوق ماه خرداد را پرداخت خواهد کرد.

*ساکنان شهرک زیتون، در شمال شرق تهران، در روز یکشنبه ۲۳ شهریور در مقابل سازمان صدا و سیما تجمع کردند. به گزارش ایسنا، تجمع کنندگان در پلاکاردهای شان این شهرک را «غزه ایران» می نامیدند و به شهرداری و استانداری تهران نسبت به تخریب خانه‌های شان و هم‌چنین بیرون ریختن اثاثیه منزل شان معترض بودند.

*به گزارش همبستگی ملی، کارگران شرکت گازرسانی تابان گاز لردگان در استان چهار محال و بختیاری روز دوشنبه ۲۴ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق عقب افتاده در مقابل دفترترین شرکت در لردگان تجمع کردند.

*جمعی از کارگران قراردادی سیمان لوشان در استان گیلان، روز دوشنبه ۲۴ شهریور با سفر به تهران در اعتراض به بلا تکلیفی ۵۵ نفر از همکاران شان در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض که در این تجمع اعتراضی حضور داشت گفت: مشکلات کارگران سیمان لوشان از مرداد ماه سال ۹۲ زمانی آغاز شد که دولت وقت به بهانه های مختلف این واحد صنعتی را تعطیل اعلام کرد. به گفته وی، کارگران برای باز گشایی کارخانه و بازگشت به کار، تجمعات متعددی را در مقابل نهادهای مختلف دولتی در استان گیلان برگزار کردند که تا به امروز نتیجه ای نداشته است.

به گزارش روز سه شنبه ۲۵ شهریور ایلنا، کارگران سیمان با وعده پی گیری از جانب مدیرعامل این سازمان، تهران را به مقصد شهرستان ترک کردند.

*شعبه ۱۰۳ بیدادگاه عمومی (جزایی) بندر خمینی ۴ کارگر پتروشیمی رازی را به تحمل شش ماه حبس و پنجاه ضربه شلاق محکوم کرد. به گزارش روز دوشنبه ۲۴ شهریور ایلنا، این حکم در پی شکایت مدیر عامل شرکت پتروشیمی رازی از این کارگران به اتهام «اخلال در نظم» و «توهین و تهدید» صادر شده است. به گزارش ایلنا، ی ک فعال کارگری محکومیت کارگران پتروشیمی رازی را برخلاف مقاوله نامه های سازمان جهانی کار اعلام کرد.

*روز سه شنبه ۲۵ شهریور کارگران معدن ذغال سنگ البرز غربی واقع در روستای سنگرود (استان گیلان) در اعتراض به تعویق ۲ ماه حقوق دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی تونل شماره ۹ این معدن تجمع کرده‌اند. به گزارش ایلنا، با وجود آنکه کارگران در چندین نوبت از مسئولان استانی و شهرستانی خواسته بودند به مشکلات این معدن رسیدگی شود، اما آنان نسبت به این موضوع بی توجهی کرده و سکوت آنان موجب گسترش اعتراضات کارگری در این معدن شد. عصر روز سه شنبه اعتصاب و تجمع کارگران با وعده مدیر عامل برای پرداخت مطالبات آنان موقتا پایان یافت.

*جمعی از کارگزاران و نیروهای شرکت محور مراکز روستایی گیلان روز سه شنبه ۲۵ شهریور در مقابل ساختمان مرکزی استان واقع در خیابان گلزار رشت تجمع نمودند.

به گزارش ۸ دی نیوز، نیروی شرکتی از سراسر استان گیلان در مقابل اداره کل مخابرات گیلان تجمع کردند و با سردادن شعار «قرارداد مستقیم حق مسلم ماست»، خواستار حقوق قانونی خود شدند. این تجمع روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ادامه پیدا کرد.

*کارگران بخش خدمات و وسایل نقلیه شهرداری زابل برای دومین بار در ماه جاری در اعتراض به دریافت نکردن چندین ماه حقوق در روز یکشنبه ۳۰ شهریور در مقابل ساختمان شهرداری زابل تجمع کردند. به گزارش ایلنا، شهردار زابل با حضور در جمع معترضان، قول داد که حقوق یک ماه کارگران را صبح روز بعد پرداخت کند.

*کارگران شرکت نیلی گستر در شهر کرد که یکی از پیمانکاران بخش ساختمانی استان چهارمحال و بختیاری است، روز یکشنبه ۳۰ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق عقب افتاده در مقابل دفتر این شرکت واقع در خیابان مولوی شهرکرد تجمع کردند. به گزارش همبستگی ملی، کارگران گفتند تا حقوق آنها پرداخت نشود سر کار باز نخواهند گشت.

*کارگران مجتمع پتروشیمی کارون به دنبال عدم دریافت سنوات کاری سال ۹۲ خود صبح روز شنبه ۲۹ شهریور اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند و پس از دریافت وعده پرداخت تا روز سه شنبه اول مهر موقتاً به اعتراض خود خاتمه دادند. به گزارش ایلنا، با اتمام قرارداد پیمانکاری شرکت سنا اندیشه در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۹۳ این شرکت از پرداخت سنوات کاری سال ۱۳۹۲ کارگران خودداری کرد.

*کارگران معدن البرز غربی (سنگرود) صبح روز دوشنبه ۳۱ شهریور، در واکنش به لغو نشدن موضوع انحلال شرکت زغال سنگ البرز غربی با وجود تعهدات قبلی به کارگران و همچنین تعویق بیش از ۲ ماه حقوق، بار دیگر تولید را متوقف کرده و در مقابل ساختمان اداری این واحد معدنی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این حرکت اعتراضی پس از پنج روز وقفه در برپایی تجمعات اعتراضی برگزار شد.

*صبح روز دوشنبه ۳۱ شهریور جمعی از کارگران پیمانی قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم دریافت بیش از ۴ ماه حقوق در مقابل ساختمان مرکزی قطار شهری اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، شرکت کیسون پیمانکار ساخت قطار شهری اهواز حدود ۹۰۰ کارگر پیمانی دارد که از اردیبهشت ماه سال جاری حقوق نگرفته اند.

*روز دوشنبه ۳۱ شهریور تجمع اعتراضی کارگران اخراجی دانشگاه ایلام وارد دومین روز متوالی خود شد. کارگران در دومین روز متوالی ضمن تحصن در ساختمان مرکزی دانشگاه ایلام، ضمن اعتراض خواهان رسیدگی مسئولان دانشگاه به این موضوع شدند.

*کارگران کارخانه کاشی «گیلانا» در اعتراض به عدم پرداخت ۱۶ ماه از دستمزد خود در روز سه شنبه ۲۵ شهریور در مقابل فرمانداری شهرستان رودبار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارخانه کاشی گیلانا که در شهر منجیل واقع است سابقه طولانی در تولید کاشی دارد، اما از چند سال پیش به دلیل مشکلات مدیریتی این کارخانه برای پرداخت مطالبات کارگران و سایر هزینه های تولید با مشکلاتی مواجه شده است.

کارگران این واحد تولیدی پس از دو روز تجمع، روز پنجشنبه ۲۷ شهریور در واکنش به بی توجهی به اعتراضات شان با حضور در داخل کارخانه تولید را متوقف کردند.

روز شنبه ۲۹ شهریور، اعتصاب کارگران «گیلانا» وارد چهارمین روز شد و در پنجمین روز اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا، ۸ کارگر به پلیس امنیت احضار شدند. در روز دوشنبه ۳۱ شهریور حرکت اعتراضی کارگران وارد ششمین روز شد و ۸ تن از کارگران بازداشتی با اتحاد و همبستگی کارگران آزاد شدند.

اعتصاب ۱۶ روزه کارگران معدن سنگ آهن بافق و پیروزی کارگران

روز شنبه ۱ شهریور در حالی که اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن بافق وارد پنجمین روز شد، پلیس حوالی ساعت ۲ صبح، ۵ کارگر معدن سنگ آهن بافق را بازداشت کرد. به گزارش ایلنا، پلیس این ۵ کارگر را در خانه شخصی خودشان بازداشت کرد.

براساس این گزارش، اگر چه یگان ویژه پلیس از معدن سنگ آهن بافق خارج شده است اما هنوز در شهرستان حضور دارند. همزمان روز شنبه تجمع و تخریب خانواده های کارگران بازداشتی معدن بافق مقابل دفتر کارفرما و فرمانداری آغاز شد. به گزارش روز یکشنبه ۲ شهریور ایلنا، در حالی که منابع خبری شمار کارگران بازداشت شده معدن سنگ آهن بافق را ۷ نفر اعلام کرده بودند، نامه کارفرمای معدن به شورای تامین بافق نشان می دهد شمار کارگران بازداشت شده به ۹ نفر رسیده است.

روز دوشنبه ۳ شهریور کارگران و خانواده های کارگران بازداشتی معدن سنگ آهن بافق در هفتمین روز از شروع دور دوم اعتصابات خود همچنان در مقابل فرمانداری تجمع کرده اند. به گزارش ایلنا در جریان تجمع یکشنبه شب، جمعی از اهالی شهر خانواده های بازداشت شدگان را همراهی کردند، همچنین پنج عضو شورای اسلامی شهر بافق نیز در جمع معترضان حاضر شدند.

روز سه شنبه ۴ شهریور، خانواده های کارگران بازداشتی معدن سنگ آهن بافق در هشتمین روز از اعتصاب حدود ۵ هزار کارگر این معدن همچنان مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علاوه بر خانواده های کارگران بازداشتی، مردم شهر به تنوع در جمع این خانواده ها حاضر می شوند و آنان را همراهی می کنند.

اعتصاب و تحصن کارگران معدن سنگ بافق روز چهارشنبه ۵ شهریور وارد نهمین روز متوالی اش شد. همزمان شماری از کارگران و خانواده های کارگران بازداشتی مقابل فرمانداری تجمع کرده اند.

تحصن پیشین حدود ۵ هزار کارگر معدن بافق در تاریخ ۲۷ اردیبهشت امسال آغاز شد و به مدت ۳۹ روز طول کشید. روز شنبه ۸ شهریور اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن وارد دوازدهمین روز متوالی شد. به گزارش ایلنا، روابط عمومی معدن سنگ آهن بافق اعلام کرد گه چای، قند و آب یخ کارگران متحصن در معدن از امروز قطع می شود.

همزمان در این روز شورای تامین استان یزد با حضور چند مقام دولتی و امنیتی از تهران، به قصد بررسی اعتراضات صنفی کارگران معدن بافق تشکیل جلسه داد.

روز دوشنبه ۱۰ شهریور اعتصاب معدنچیان بافق وارد چهاردهمین روز خود شد. به گزارش ایلنا جلسه یکشنبه شب شورای تامین این شهرستان بدون نتیجه خاصی پایان یافت. جلسه شورای تامین با حضور معاون سیاسی - امنیتی استاندار یزد، فرمانده نیروی انتظامی استان، فرمانده تیپ الغدیر سپاه استان، اعضای شورای اسلامی شهرستان بافق و نمایندگان کارگران تشکیل جلسه داد اما این جلسه بدون نتیجه خاصی پایان یافت. بر اساس این گزارش، آزادی ۸ کارگر بازداشتی معدن سنگ آهن بافق به پایان اعتصاب کارگران این معدن منوط شده است.

در همین روز غلامحسین محسنی اژه ای در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا مبنی بر آخرین وضعیت هشت کارگر بازداشت شده معدن بافق گفت: ما یک بحث اعتراض، انتقاد و یک اقدامات خلاف قانون داریم که این موارد را باید از یکدیگر تفکیک کنیم. اگر کسی اعتراضی دارد باید آن را به طور قانونی مطرح کند و آنچه را که مدعی است حق است به اثبات برساند و آن مساله را از طریق مراجع صحیح پیگیری کند.

اگر کسی که اعتراض دارد به خیابان آمده و عبور و مرور را مختل کند موجب ایجاد ترافیک و مسائل و مشکلات دیگری می‌شود. از این رو نمی‌توان قابل قبول دانست که هر کسی که اعتراض دارد خیابان را ببندد. این مساله خلاف قانون بوده و حتماً با آن برخورد می‌شود.

روز سه شنبه ۱۱ شهریور در پانزدهمین روز متوالی اعتصاب حدود ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق، معاون سیاسی و امنیتی استاندار یزد با لیستی از مطالبات کارگران متحصن راهی مرکز استان شد. به گزارش ایلنا، این مقام امنیتی رژیم در جلسه ۴ ساعته با خانواده‌های کارگران زندانی بر آزادی ۸ کارگر بازداشتی با قید وثیقه و بعد از پایان اعتصاب تاکید کرد، اما خانواده‌های کارگران بازداشتی زیر بار این پیش شرطها نرفتند. همزمان در شامگاه روز سه شنبه دو تن از کارگران زندانی آزاد شدند.

روز چهارشنبه ۱۲ شهریور، در شانزدهمین روز اعتصاب معدنچیان بافق خانواده‌های بازداشت شدگان در معدن حاضر شدند و در جمع کارگران بر پایان اعتصاب بعد از آزادی ۶ کارگر بازداشتی دیگر تاکید کردند.

به گزارش ایلنا، علی رغم وعده مقامهای دولتی و امنیتی به کارگران معدن بافق مبنی بر لغو خصوصی سازی این معدن، رئیس سازمان خصوصی سازی گفته است که: «واگذاری معدن سنگ آهن بافق قطعی است و امکان لغو آن وجود ندارد». مقامات دولتی و امنیتی در مذاکرات با کارگران اعتصابی معدن سنگ آهن بافق گفته بودند خصوصی سازی معدن لغو شده است و ۱۵ درصد از سهام این معدن نیز تا ۴ ماه آینده به شهرستان بافق واگذار می‌شود. وعده‌هایی که با تایید نماینده کارگران همراه بود. در نتیجه این مذاکرات، ماشینهای معدن بافق پس از ۱۶ روز روشن شد، اما کارگران تاکید کردند که تولید به محض حضور ۶ کارگر بازداشتی در بافق آغاز خواهند شد. به دنبال خواست متحد کارگران در بعد از ظهر چهارشنبه ۶ کارگر بازداشتی از زندان «خلد برین» یزد آزاد شد و راهی شهرستان بافق شدند.

در جریان این اعتصاب پلیس آقایان «امیر حسین کارگران»، «علی صبری»، «محمدحسن تشکری»، «علی محمد تشکری»، «کاظم کارگران»، «رضا دهستانی»، «رضا خواجه‌زاده»، «ایرانی» و «جلیل کمالی» از کارگران معدن سنگ آهن بافق را در پی شکایت کارفرما بازداشت کرده بود.

حرکتهای اعتراضی علیه تخریب محیط زیست



✳حامیان محیط زیست در اصفهان روز پنج شنبه ۶ شهریور تجمع بزرگی در کنار سی و سه پل در اعتراض به ادامه خشک بودن زاینده رود و مشکل آب در این استان برگزار کردند. به گزارش ایسنا، شرکت کنندگان

شعارهایی مانند «زاینده رود من کو؟» در دست داشتند.

*به دعوت فعالان محیط زیست اهوازی، تجمع اعتراضی شهروندان این شهر با حضور صدها تن در حمایت از رود کارون و مخالفت با انتقال آب آن به شهرهای دیگر که می تواند حیات این رود را تهدید کند، در روز پنجشنبه ۱۳ در محل کتابخانه مرکزی اهواز برگزار شد. به گزارش هرانا، فعالان محیط زیست با تشکیل زنجیره انسانی از سازمان فاو (FAO)، سازمان ملل متحد (UN) و گری لوئیس هماهنگ کننده آن سازمان در ایران خواستند تا با توجه ویژه به وضعیت این رود، برای متوقف کردن روند آب برداری از آن تلاش نمایند. تجمع کنندگان با در دست داشتن شعارهایی به زبان انگلیسی، عربی و فارسی از سازمانهای بین المللی خواستند تا برای مقابله با خشکاندن رودخانه ها و به خصوص رود کارون و تالابها تلاش کنند.



*روز شنبه ۱۵ شهریور، گروهی از حامیان محیط زیست در اعتراض به وضعیت نامناسب حفاظتی پارک ملی گلستان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان نسبت به بی توجهی مسئولان دولتی به آتش سوزیهای مکرر در پارک ملی گلستان و عبور جاده ترانزیت و کشته شدن پی در پی حیوانات اعتراض کرده و خواهان رسیدگی فوری به این حوادث شدند.

در چند ماه گذشته، حداقل هفت آتش سوزی، حدود هزار هکتار از اراضی پارک ملی گلستان، نخستین پارک ملی ایران را نابود کرده است. در شش ماهه گذشته ۳ قلابه پلنگ نیز در اثر برخورد با خودروهای این مسیر تلف و در طول یک سال گذشته حداقل ۱۵۰ گونه از انواع جانوران مختلف در این جاده کشته شده اند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

استرالیا: تبعیض جنسیتی در عرصه مشاغل حرفه ای

اسوشیتدپرس، ۷ آگوست ۲۰۱۴ - مردان در استرالیا به سبب برخورداری از مشاغل حرفه ای، دو برابر زنان از جنسیت خود خرسندند. به گزارش سال ۲۰۱۴ "وست پک"، ۲۲ درصد از مردانی که در عرصه مشاغل حرفه ای فعالند، از داشتن کروموزمهای مردانه احساس رضایت می کنند. این در حالیست که تنها ۹ درصد از زنان در شرایط شغلی برابر با مردان مزبور، از زن بودن شان شادمانند.

پرفسور "لین گرین"، محقق مسایل اجتماعی در دانشگاه "ان اس دلبیو"، ابراز می دارد که با اینکه تعداد زنان استرالیایی دارای تحصیلات دانشگاهی بیشتر از مردان است، شمار زنانی که در مشاغل حرفه ای به کار مشغولند، کمتر از مردان است. وی اضافه می کند که برخی علت این پدیده را مسوولیت بیشتر زنان در فعالیتهای خانگی و پرورش کودکان می دانند که نادرست است. زیرا تحقیقات بالا از مردان و زنانی صورت پذیرفته که در ساعات مشخص و معینی در روز به کار مشغولند. بر پایه آمار دولتی، از میان هزار زن و مرد، ۵۵ درصد از زنان معتقدند که می باید مسوولیت و فعالیت بیشتری نسبت به مردان داشته باشند تا حقوق و دستمزدی برابر با مردان همکار خود دریافت کنند. افزون بر این، بیش از ۴۳ درصد از مردان از وضعیت بغرنجی که زنان باوجود برخورداری از مدارک تحصیلی ممتاز دانشگاهی جهت حفظ فعالیت اقتصادی شان با آن روبرو هستند، باخبرند. میزان قابل توجه ای از زنان (۴۶ درصد) و ۳۲ درصد از مردان ابراز می دارند که اندیشه و فرهنگ مردسالارانه بر عرصه فعالیتهای اقتصادی حاکم است.

تحقیقات این گزارش، از بین زنان و مردان با مدرک تحصیلی و شغلی برابر بین سنهای ۲۵ تا ۶۵ سال انجام گرفته که درآمدی بیش از ۸۵ هزار دلار در سال دارند.

صف آراییی مادران مهاجر در آمریکا

شبکه خبری زنان، ۹ آگوست ۲۰۱۴ - مادران مهاجری که بدون اجازه اقامت در کشور آمریکا زندگی می کنند، برای تصویب لایحه اصلاحات قانون مهاجرت آمریکا، در نیویورک راهپیمایی کردند. آنان از رییس جمهور آمریکا خواستند تا با استفاده از قدرت سیاسی خویش، اصلاحات ناگزیر و بایسته را در قانون مهاجرت آمریکا اجرایی سازد. پیش از این، اوپاما در یک سخنرانی در ماه آگوست اظهار داشته بود که قانون مهاجرت آمریکا را حتی بدون موافقت کنگره به تصویب خواهد رساند. با این حال روند تصویب اصلاحات مزبور تا کنون به دلیل مخالفت برخی از اعضای حزب جمهوریخواه در کنگره به تاخیر افتاده است. تصویب این اصلاحات تاثیر مثبتی در زندگی مهاجران، به ویژه از جنبه تسهیل اخذ اجازه اقامت و کاهش اخراج آنان دارد.

وال مارت و اعتصاب زنان کارگر دارای فرزند

کارگران سوسیالیست، ۴ ژوین ۲۰۱۴ - زنان کارگر دارای فرزند "وال مارت" در بیست ایالت آمریکا در هفته اول ماه ژوین در یک حرکت همبسته سراسری، برای جلب توجه همگان به دستمزد پایین و عدم رعایت حقوق و حرمت شان از سوی مدیریت خرده فروش غول پیکر، وال مارت، اعتصاب کردند.

اعتصاب کنندگان، کارگر و مادرانی هستند که در مقایسه با دیگر کارگران وال مارت، به دلیل دستمزد پایین و ساعات متغیر کاری، در شرایط بسیار وخیمی زندگی را سپری می کنند. بسیاری از کارگران وال مارت به عنوان کارگر تمام وقت در نظر گرفته می شوند، اما چهل ساعت کار در هفته تنها نصیب تعداد بسیار اندکی از متقاضیان می گردد. "سازمان احترام در وال مارت" وضعیت کارگران زن دارای فرزند، به ویژه اگر در روزهای گوناگون، ساعات و نوبت کاری متغیر و نه بصورت تمام وقت کار کنند را بسیار مشقت بار توصیف می کند. عدم ساعات کار کافی، مزایای کاری و دستمزد بسیار

پایین سبب می شود تا کارگران مزبور دوچندان استنثار شوند. از یکسو، بار پرستاری و نگهداری از کودکان را بر دوش دارند و از دیگر سو، به دلیل ساعت کار متغییر و دستمزد پایین قادر نباشند مهد کودک مناسبی برای فرزندان شان فراهم سازند. میانگین دستمزد یک کارگر وال مارت برابر با ۸,۸۰ دلار در ساعت است. وال مارت مدعی است که حداقل ۲۵ هزار دلار در سال به کارگران تمام وقت خود پرداخت می کند.

زنان کارگر وال مارت قبل از بارداری نیز با تبعیض وحشیانه ای روبرو هستند. آنها به هنگام بارداری به دلیل اصرار پزشک مبنی بر عدم انجام فعالیتهای سنگین فیزیکی، به جای مشمول ساعات و شرایط کاری مناسب شدن، مجبور به کاهش ساعات کاری یا مرخصی اجباری از تنها منبع درآمد خود می شوند. برخی از کارگران زن به تشکیل گروهی به نام "احترام به حقوق کارگران زن باردار یا مادران" مبادرت ورزیدند. این تشکل، بعد از مبارزه ای طولانی علیه تبعیض مزبور، به تغییر برخی سیاستهای ضد کارگری وال مارت پیرامون رعایت حقوق زنان باردار به طوری که به جای ترک اجباری کار، از ساعات کاری مناسب برخوردار گردند، نایل شد. موقعیت مادران کارگر وال مارت به مراتب بسیار بغرنج تر از مادران کارگر شرکتهای دیگر است. مادران کارگر وال مارت کمی بیش از ۷۲ درصد از میزان دستمزد کارگران نیمه وقت و دستمزدی پایین تر از حداقل حقوق قانونی دریافت می کنند و ۹۰ درصد کارگران خانگی را تشکیل می دهند. از این رو، مسایلی چون حقوق زنان، حقوق زنان کارگر، برچیدن تبعیض جنسیتی در پرداخت دستمزد، کمک جهت نگهداری از فرزندان کارگران زن و رعایت وضعیت ایشان هنگام بارداری از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

خانواده "والتن"، صاحبان وال مارت، با ثروتی برابر با ۱۴۰ میلیارد دلار جزو ده فرد ثروتمند جهان بشمار می آیند. وال مارت به طور غیرقانونی بیش از ۶۰ کارگر را در ماه ژانویه به دلیل اعتصاب اخراج کرد و تاکنون با درآمد سرسام آور سالانه، قادر به مقابله با شکایتهای کارگران در دادگاه شده است.

اعتصاب غذای پرستاران تامیل نادو

وبگاه اخبار کارگری، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۴ - ۴۵۰ پرستار بیمارستان دولتی "تامیل نادو"، یکی از ایالتهای هند، که اکثریت آنها زن هستند، در تاریخ ۸ سپتامبر جهت تامین امنیت شغلی، ترفیع بهنگام و افزایش تعداد پرسنل جهت پایان دادن به دوازده ساعت نوبت کاری دست به اعتصاب غذا زدند. نزدیک به ۴۵۰۰ پرستار در این بیمارستان و مراکز بهداشتی وابسته به آن به کار مشغولند. زنان بیشترین نیروی مولده مراکز بهداشتی مذکور را تشکیل می دهند.

سومین اعتصاب زنان کارگر مرکز بهداشت پاکستان

وبگاه اخبار کارگری، ۴ سپتامبر ۲۰۱۴ - کارگران مرکز بهداشت و سلامتی ناحیه "خیبر پختونخوا"، از ایالتهای مرزی شمال غربی کشور پاکستان، در طول شش هفته گذشته سه بار برای تامین امنیت شغلی اعتصاب کرده اند. بیش از هشتصد کارگر که بیشتر آنها زن هستند، با برگزاری نشستی در ششم سپتامبر پیرامون مسایل کارگری، حداقل دو بار به اعتصاب سراسری علیه عدم پرداخت دستمزد مبادرت ورزیده اند. دستمزد این کارگران هشت هزار روپیه برابر با هشتاد دلار آمریکا در ماه است که از حداقل دستمزد قانونی (دوازده هزار روپیه) برای کارگران تمام وقت، بسیار پایین تر است. افزون بر این، مدتهاست که پرداخت پاداش و مزایای دیگر نیز به این کارگران که بیشترین خدمات بهداشتی را به مناطق روستای و شهری پاکستان عرضه می دارند، به تعویق افتاده است.

مرگ و میر زنان کارگر ایالت نیوجرسی آمریکا

سایت اخبار کارگری، ۲ سپتامبر ۲۰۱۴ - به گزارش مندرج در وبگاه رسمی ایالت نیوجرسی، زنان کارگری که در فروشگاههای اغذیه فروشی "فست فوت" مانند مک دونالد و ... به طور نیمه وقت به کار مشغولند، به هنگام رانندگی از یک مکان کار به مکان دیگر، از فرط خستگی، تصادف می کنند و جان خود را از دست می دهند.

پنج درصد از نیروی کار آمریکا، ۷,۵ میلیون کارگر، به صورت نیمه وقت کار می کنند که جهت تامین نیازهای اولیه زندگی به شغل دوم و سوم و حتی چهارم محتاجند.

کارخانگی ارزشی که نادیده گرفته می شود

ایلنا، ۶ مهر ۱۳۹۳ - ارزش تولیدات خانگی زنان روستایی استان گیلان سالانه ۵۵ میلیون ریال با ارزش افزوده ای سالانه معادل ۳۵ میلیون ریال است. در واقع این مقدار، ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی استان گیلان را در سال ۸۸ تشکیل داده است.

جلوه جواهری، جامعه شناس، با انتقاد از نادیده گرفتن ارزش کارخانگی می گوید: "در کشور ما فعالیتهای تولیدی و خدماتی که دستمزدی به آنها تعلق نمی گیرد، در حسابهای ملی محاسبه نمی شوند و کارهای خانگی نیز از این مساله مجزا نیستند."

وی ادامه داد: در تعریف مرکز آمار ایران، خانه دار شخصی است که شاغل، بیکار، جویای کار و محصل نباشد، یعنی در این تعریف خانه داری شغل محسوب نشده و خانه داران در زمره جمعیت غیر فعال در نظر گرفته می شوند. در حالی که در بسیاری از کشورها با استفاده از برخی روشها، کار خانگی را در حسابهای ملی محاسبه کرده اند."

این جامعه شناس با اشاره به اینکه کار خانگی محدود به زنان شهری نیست، تاکید کرد: "در مورد زنان روستایی کار خانگی بسیار پیچیده تر است و طیف گسترده ای از فعالیتهای را در بر می گیرد. زن روستایی علاوه بر نگهداری از فرزندان و رسیدگی به امور خانه، فعالیتهایی همچون تهیه مواد غذایی، دامداری، شیر دوشی، پشم زنی، کشاورزی و ... انجام می دهد."

وی در پاسخ به اینکه برخی اعتقاد دارند که حق بیمه زنان خانه دار باید از سوی همسران شان پرداخت شود، گفت: "در حال حاضر اغلب مسایل مالی که وارد مسایل خانگی شده همچون مهریه و ارث، دلیل بسیاری از طلاقها و درگیریهای خانوادگی است و قطعاً افزودن مساله اقتصادی دیگری به خانواده باعث پیچیدگی روابط خانوادگی و افزایش اختلافات خواهد شد. بنابراین این وظیفه بهتر است بر دوش دولت قرار گیرد."

اعتصاب پرسنل بهداشتی یونان علیه سیاست خصوصی سازی

رویترا، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۴ - پرسنل یکی از بزرگترین بیمارستانهای کشور یونان، شامل پزشکان و پرستاران که بخش قابل توجه ای از آنان را زنان تشکیل می دهند، به مدت یک هفته علیه طرحی در راستای روند خصوصی سازی فعالیتهای بهداشتی اعتصاب کردند.

تصویب طرح مزبور نه تنها تاثیرات منفی بر تمامی سیستم پرداخت دستمزد، حقوق بازنشستگی و بیکاری کارگران می گذارد، بلکه تعداد بیشتری از بیمارستانهای کشور را به طور کلی به بخش خصوصی واگذار خواهد ساخت. این اعتصاب توسط اتحادیه بیمارستان "پیرائوس" و "اتحادیه پرستاران و کارگران" و بخشهای دیگر سازماندهی شده است و شرکت کنندگان در آن همچنین در برابر مجلس یونان تجمعاتی برگزار کرده اند.

تداوم اعتصاب زنان آموزگار شمال و شرق دارفور

اخبار زنان، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴ - آموزگاران مدارس شرق "دارفور" در سودان با سه هفته اعتصاب به عدم پرداخت دستمزدشان اعتراض کردند.

اتحادیه آموزگاران اعلام کرده است که تا هنگام پرداخت حقوق معوقه به اعتصاب ادامه خواهد داد. این، در حالیست که وزیر دارایی از دیدار با رهبران اتحادیه ها خودداری ورزیده است.

اتحادیه آموزگاران شرق دارفور خواستار پیوستن آموزگاران مدارس دیگر به اعتصاب شده است. دولت، اعتصاب را غیرقانونی می داند و آموزگاران را به اخراج از کار تهدید کرده است.

نرخ بیکاری زنان جوان در ۱۹ استان کشور، بالای ۴۰ درصد است

ایرنا، ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۳ - در حالی که نرخ بیکاری زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله در کشور ۴۳,۴ درصد است، ۱۹ استان کشور هم با نرخ بیکاری بالای ۴۰ درصد زنان جوان روبرو هستند. هم اکنون استان چهارمحال بختیاری با ۸۴,۴ درصد بالاترین نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله را به خود اختصاص داده و این در حالی است که ۱۰ استان کشور دارای نرخ بیکاری ۵۰ و بیش از ۵۰ درصد هستند. بالا بودن نرخ بیکاری زنان جوان در حالی است که نرخ بیکاری زنان در کل کشور بیش از دو برابر مردان است، به طوری که بیکاری زنان ۱۹,۴ و مردان ۹ درصد در بهار امسال بوده است. لیلی دانشمند، یکی از فعالان بخش خصوصی در کارپایی، گفت: "بیشتر کارفرمایان تمایل دارند که به علت برخی از مرخصیها نظیر مرخصی زایمان که برای زنان در نظر گرفته شده، از نیروی کار مردان استفاده کنند." وی افزود: "کارفرمایان حتی در بسیاری از موارد وقتی که کارجوی زن با داشتن سابقه کار و کارجوی مرد بدون سابقه کار تقاضای شغل دارند، استخدام مردان بی سابقه را بر زنان دارای سابقه کار ترجیح می دهند." نزدیک به ۸۰ درصد خروجیهای دانشگاهها را زنان تشکیل می دهند و این در حالی است که در بازار کار چنین تقاضایی برای جذب زنان وجود ندارد. افزون بر این، نرخ بیکاری بیش از ۵۰ درصد در استانهای کشور نشان دهنده شرایط نابهنجار بازار کار برای زنان است.

دستگیری کارگران شرکتهای اغذیه فروشی شرکت کننده در اعتراضات سازمان یافته سراسر آمریکا

اسوشیتدپرس، ۶ سپتامبر ۲۰۱۴ - صدها تن از کارگران شرکتهای اغذیه فروشی زنجیره ای مانند "مک دونالد"، "برگر کینگ" و ... به دلیل شرکت در راهپیمایی سازمان یافته در ۱۵۰ شهر آمریکا توسط پلیس دستگیر شدند. اکثریت این کارگران زن هستند که اصلاح شرایط کاری و ۱۵ دلار بمثابه حداقل دستمزد را طلب می کنند. حداقل دستمزد قانونی کارگران مزبور برابر با ۷ دلار و ۲۵ سنت آمریکاست که از سال ۲۰۰۹ افزایش نیافته و در پایین ترین سطح، طی دهه های متمادی ثابت مانده است. شهرهای نیویورک، شیکاگو، دیترویت و بسیاری دیگر از شهرهای بزرگ آمریکا شاهد خشم زنان کارگری گشت که در وضعیت بسیار وخیم معیشتی بسر می برند. اکثریت اعتراضات کارگری طی دو سال گذشته در آمریکا توسط اتحادیه های شرکتهای اغذیه فروشی مزبور سازماندهی شده است که بیشتر کارگانش زن هستند. افزوده بر این، اکثریت اعضای اتحادیه "اس ای آی یو" نیز کارگران زنی هستند که در شرکتهای موسوم به "فست فود" به کار مشغولند.

اعتصاب زنان کارگران صنعت بافندگی مصر در شش کارخانه

اهرام نیوز آنلاین، ۲۹ آگوست ۲۰۱۴ - نزدیک به ۲۰۰۰ کارگر زن و مرد صنعت بافندگی با اعتصاب در شش کارخانه مصر، تولیدات صنعت مزبور را به نصف رساندند. قول و قرارهای مسوولان مبنی بر پرداخت پاداش و افزایش دستمزد کارگران از ماه ژوئن تا کنون اجرایی نگردیده و کارفرمایان به طور مرتب از تهیه و تدارک امکانات ترابری برای کارگران سر باز زده اند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

اخبار کارورزان پرستاری و سلامت

امید برهانی

مدیران پرستاری بیمارستانها با نظر پرستاران انتخاب شوند

خبرگزاری مهر، ۹ شهریور - عضو شورای عالی نظام پرستاری انتخاب مدیران پرستاری را مهمترین چالش و مشکل پرستاران عنوان کرد و گفت: "نظر سنجیها نشان می دهد که مدیران پرستاری بیمارستانها مورد وثوق پرستاران زیر مجموعه خود نیستند و رضایت از این مدیران به شدت کم است." محمد شریفی مقدم اظهار داشت: "متأسفانه به علت موجود نبودن شاخصهای لازم، در حال حاضر مدیران پرستاری بر اساس سلاقی روسای بیمارستانها منصوب می شوند و از همین رو، مدیران پرستاری کمتر در مسیر تامین منافع بیماران و پرستاران حرکت می کنند."

شریفی مقدم با پیشنهاد به معاون پرستاری وزارت بهداشت و سازمان نظام پرستاری برای احراز شرایط مدیران پرستاری تاکید کرد: "به نظر می رسد که مدیران پرستاری می بایست بر اساس نظر و رای پرستاران انتخاب شوند. برای اولین بار این رویه در بیمارستان روزبه تهران حاکم شده و رییس بیمارستان با تفویض اختیارات خود، مدیر پرستاری را بر اساس رای پرستاران گزینش کرده است که جا دارد از وی تشکر کرد."

راهکار وزارت بهداشت برای تامین کمبود پرستار در بیمارستانها

خبرگزاری مهر، ۱۸ شهریور - وزیر بهداشت با اشاره به کمبود کادر پرستاری در مراکز درمانی کشور، از بکارگیری دانشجویان ترم آخر پرستاری و نیروهای شرکتی در بیمارستانها خبر داد. سید حسن هاشمی با بیان این مطلب که کمبود کادر پرستاری در بیمارستانها یک واقعیت است که نمی توان آن را منکر شد گفت: "آنچه در حال حاضر می توان به عنوان راهکاری برای رفع کمبود کادر پرستاری در بیمارستانها مورد توجه قرار داد، استفاده از پرستاران طرحی و دانشجویان سال آخر پرستاری است." وی ادامه داد: "به همین منظور، مقرر شده پرستارانی که در حال گذراندن طرح هستند با دریافتهای منطقی به کار خود ادامه دهند و هشت هزار دانشجوی پرستاری که ترمهای پایانی را می گذرانند، در بیمارستانها جذب کرد. همچنین یک تعدادی را چون اجازه استخدام نبود، مجبور شدیم در قالب شرکتی بکار گیریم." هاشمی با عنوان این مطلب که وزارت بهداشت نسبت به مسایل و مشکلات پرستاری بی اعتنا نیست، گفت: "بزودی خبرهای خوشی برای پرستاران خواهیم داشت که امیدواریم با اعلام و اجرای آنها، رضایت نسبی پرستاران تامین شود."

افزایش ۲ برابری رشد اعتیاد در زنان: دیگر زمان انکار گذشته است

خبرگزاری فارس، ۱۹ شهریور - معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده گفت: "نرخ رشد اعتیاد در زنان بیشتر از مردان است و از ۵ درصد در سال ۸۵، به ۱۰ درصد در سال ۹۰ افزایش یافته است." شهیندخت مولاوردی در هشتمین کنگره بین المللی دانش اعتیاد در مرکز همایشهای رازی اظهار داشت: "زنان جزو نخستین قربانیان انحرافات اجتماعی هستند و اعتیاد یکی از مهمترین این آسیبها است. افزایش اعتیاد در زنان به واقعیتی تلخ و انکارناپذیر تبدیل شده است و امروز نمی توان استراتژی انکار را در پیش گیریم و از کنار این مساله بگذریم." وی ادامه داد: "واقعیت این است که اعتیاد زنان، وابسته به جریان اعتیاد در کشور است و نمی توانیم آن را مجزا از سیاستهای کلی در این زمینه در نظر گیریم. حدود ۷۰ درصد زنان معتاد به واسطه اعتیاد همسران خود و فشار، ترس و همدردی با آنها اقدام به توزیع یا مصرف موادمخدر می کنند. همچنین حدود ۶۰ درصد از زنان زندانی با جرایمی که در ارتباط مستقیم با موادمخدر است درگیر هستند."

وی افزود: "موضوع پنهانی بودن اعتیاد زنان نسبت به مردان یکی از موانع درمان آنها است و موجب می شود زنان از بیم نگاه اجتماع نتوانند به فرایند بهبودی تن دهند."

مولاوودی تاکید کرد: "هرچند ۱۰ درصد معتادان زن هستند، اما در این زمینه دو واقعیت وجود دارد: رشد اعتیاد در زنان سریع تر از مردان است و در این رابطه با پدیده ای تلسکوپی مواجهیم. همچنین زنان از نقش محوری در تربیت فرزندان برخوردارند و درگیری آنها با اعتیاد فرزندان را با مخاطراتی مواجه می کند. تحقیقات نشان می دهند که آسیب پذیری فرزندان که مادر مبتلا به اعتیاد دارند، بیشتر از پدران مبتلا به اعتیاد است."

وی اضافه کرد: "کشیده شدن دامنه اعتیاد از حاشیه نشینی به باشگاههای ورزشی و آرایشگاهها واقعیتی است که گرچه از نظر کمی قابل ملاحظه نیست، اما نمی توان از آن عبور کرد. همچنین دختران جوان دانشجوی و تحصیلکرده به ویژه به سوو مصرف محرکها و قرصها گرایش نشان می دهند."

وضعیت شیوع سرطان در ایران

خبرگزاری مهر، ۱۹ شهریور - ثبت سالانه ۹۰ هزار مورد جدید از ابتلا به سرطان در کشور و مرگ و میر ۵۵ هزار مبتلا به سرطان، حکایت از این واقعیت دارد که شیوع سرطان در ایران نگران کننده است. اما معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت معتقد است که بکار بردن اصطلاح "سونامی سرطان" برای نشان دادن عمق نگرانی از شیوع این بیماری در کشور درست نیست.

متخصصان حوزه سلامت معتقدند که شیوع سرطان در ایران نگران کننده است و اگر وضع به همین شکل ادامه یابد، موارد مرگ و میر ناشی از ابتلا به سرطان نیز سرعت خواهد گرفت. این در حالی است که هنوز آمار دقیق و مستندی از موارد ابتلا به سرطان در کشور نداریم و آنچه اعلام می شود، آمارهای تخمینی است که با آمارهای واقعی، فاصله دارد.

در همین حال، رضا ملک زاده معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، می گوید: "متأسفانه سرطان در کشورهای در حال توسعه معمولاً دیر تشخیص داده می شود. برای همین میزان مرگ و میر بالاتر است."

مجلس در سال ۶۸، نظام سلامت را به ثبت آمار سرطانها در کشور موظف کرد و در آن سال، آمار بیماران مبتلا به سرطان، حدود ۱۱ هزار نفر اعلام شد ولی در سال ۸۸ که آخرین آمار رسمی ثبت سرطان در کشور اعلام شد، تعداد بیماران مبتلا به سرطان به حدود ۷۰ هزار نفر رسید. این در حالی است که آمار واقعی سرطان در سال ۶۸ بین ۴۵ تا ۵۰ هزار مورد بود و در سال ۷۵ هم کارشناسان معتقد بودند آمار واقعی ثبت سرطان بیش از ۵ برابر آمارهای رسمی بود.

همچنین در سال ۷۹ نیز فقط ۳۰ درصد آمارهای ثبت سرطان واقعی بود و به ۷۰ درصد از سرطانهای ثبت نشده در این سال اشاره ای نشده بود. در حال حاضر نیز گفته می شود سالانه حدود ۹۰ هزار مورد جدید ابتلا به سرطان جدید در کشور داریم و پیش بینی می شود که حدود ۴۰۰ هزار بیمار مبتلا به سرطان در ایران زندگی می کنند.

ایرج حریرچی، معاون مدیریت منابع انسانی و توسعه وزارت بهداشت، پیش بینی کرده است که موارد ابتلا به سرطان در ایران طی ۱۵ تا ۲۰ سال آینده دو برابر خواهد شد.

در همین حال دکتر علی اکبر سیاری، معاون بهداشت وزارت بهداشت، کشنده ترین سرطان در کشور را سرطان معده عنوان کرد و افزود: "سرطان ریه، پستان، روده بزرگ، معده و پروستات پنج سرطان شایع کشور هستند."

کنفرانس احکام شرعی پرستاری برگزار می شود

پایگاه اطلاع رسانی نظام پرستاری، ۲۹ شهریور - کنفرانس احکام پرستاری با امتیاز بازآموزی برای پرستاران ۴ آبان در تهران برگزار می شود.

این کنفرانس علمی یکروزه توسط دانشگاه علوم پزشکی تهران با هدف شناخت جایگاه پرستاری در اسلام، ضرورت فراگیری احکام شرعی، ضمانتها، دیات، خدمت به بیماران، وجود افراد آگاه به مسایل شرعی در محیطهای بیمارستانی و درمانی و ایجاد زمینه برای پاسخگویی به شبهات و سوالات پرستاران در بیمارستان امام خمینی تهران برگزار می شود.

مباحث این کنفرانس شامل ضرورت فراگیری احکام شرعی در محیطهای درمانی، ارزش خدمت به بیمار، احکام عبادات مانند وضوی جبیره، نحوه معاونت و نیاب از بیماران در وضو، تیمم، نماز و روزه، احکام آموزش و تحقیقات پزشکی، احکام حضور بر بالین محضر، مس میت، احکام تشریح میت و پیوند اعضا، احکام اتونازی، مرگ مغزی و تسریع در مرگ، احکام نجاسات با توجه به محیطهای درمانی، احکام داروها و



فراورده های خونی، احکام مماثل (معاینه، تزریق، لمس و نگاه بدن غیر همجنس و...)، احکام تلقیح مصنوعی، اجاره رحم، سقط جنین، احکام جراحیهای زیبایی، احکام ضمان و دیات در لطمات وارده بر بیمار است. این کنفرانس برای گروه پرستاری دارای ۳ امتیاز بازآموزی است.

اضافه کاری تحمیلی به پرستاران موجب افزایش خطا می شود

ایلنا، سه شنبه ۱۱ شهریور _ دبیر کل خانه پرستار با بیان اینکه اضافه کاری تحمیلی به پرستاران باعث افزایش خطای پرستار می شود، گفت: خیلی از آسیبهایی که به بیماران وارد می شود، ناشی از کمبود کادر پرستاری است. محمد شریف مقدم در مورد کمبود نیروی کار پرستار اظهار داشت: کمبود نیروی انسانی در بخش پرستاری موضوعی است که در گذشته وجود داشته اما به تدریج حادث شده به طوری که اگر به ده سال پیش برگردیم متوجه می شویم که در گذشته تا این اندازه با کمبود نیروی پرستار مواجه نبوده ایم. شریف مقدم همچنین یادآور شد: بسیاری از افرادی که فارغ التحصیل رشته پرستاری هستند به این دلیل که حرفه پرستاری طاقت فرسا است و در اکثر مواقع با بیماران مبتلا به ایدز، هپاتیت، سل و بیماریهای واگیر دیگر در ارتباط است، جذب این حرفه نمی شوند.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com



لغو ناگهانی چهارمین دوره

جایزه شعر زنان ایران

سخنگوی جایزه شعر زنان (خورشید) از تعطیلی این جایزه در چهارمین دوره آن خبر داد.

علیرضا بهنام علت برگزار نشدن این دوره از جایزه خورشید را "مشکل پیدا کردن مکان برگزاری و تبلیغات برای آن" عنوان کرد و گفت: "پس از سه دوره برگزاری جایزه شعر زنان

(خورشید) و پس از صحبت‌هایی که با دوستان در هیات امنای این جایزه داشتیم، تصمیم بر این شد که فعلا این جایزه فراخوان نداشته باشد و تا وقتی که شرایط برای برگزاری جایزه فراهم نشود، تعطیل شود."

ماه گذشته فراخوانی برای شرکت در چهارمین دوره این جایزه انتشار یافته بود و نام دبیر و اعضای هیات داوران آن نیز که همگی از میان زنان شاعر، پژوهشگر و منتقد انتخاب شده بودند، اعلام گردیده بود.

جایزه خورشید در سال ۱۳۸۷ به منظور تشویق زنان شاعر و برجسته کردن حضورشان در عرصه شعر بنیان گذاشته شد. این جایزه شامل تندیس، لوح تقدیر و جایزه نقدی است. جایزه شعر زنان ایران (خورشید) در دوره های قبل به کتابهای "می خواهم بچه هایم را قورت بدهم" - سروده رویا زرین، "با خودم حرف می زنم" - سروده روجا چمنکار و "مشق آبها را می نویسم" - سروده نسیم جعفری تعلق گرفته است.

ممنوعیت برگزاری هر گونه مراسم تحت نام صادق هدایت

برادرزاده صادق هدایت گفت: از سال ۱۳۸۴ اجازه برگزاری مراسم بزرگداشت صادق هدایت را نداریم و این روند همچنان هم ادامه دارد.

جهانگیر هدایت با بیان اینکه امسال سیزدهمین دوره جایزه داستان کوتاه صادق هدایت برگزار می شود، درباره علت برگزار نشدن مراسمی برای این جایزه گفت: "برای برگزاری مراسم بزرگداشت و حتی مراسم پایانی جایزه صادق هدایت که مصادف با روز تولد او یعنی ۲۸ بهمن ماه است، شخصا به سازمان فرهنگی - هنری شهرداری و سازمانهای دولتی رفته ام، نامه نگاری کرده ام و تقاضای اختصاص سالن کرده ام، اما هیچکدام از آنها اجازه برگزاری مراسم تحت عنوان صادق هدایت را به ما نمی دهند."

وی ادامه داد: "خانه هنرمندان مساله نداشتن جا را بهانه می کند، در صورتی که من هر سال سه ماه زودتر برای برگزاری مراسم جایزه صادق هدایت با آنها نامه نگاری می کنم ولی جواب آنها همان است که بود. وقتی من این برخوردها را می بینم، می فهمم که آنها راست نمی گویند."

هدایت در ادامه درباره اینکه آیا در طول یک سال اخیر و با توجه به تغییر دولت تلاشی برای برپایی مراسمی برای این نویسندگان صورت گرفته است یا نه، اظهار کرد: "خانه هنرمندان هنوز زیر نظر همان آقایانی اداره می شود که در دوره احمدی نژاد حضور داشتند. مراکز دولتی دیگر نیز در جواب ما می گویند باید بررسی کنیم و مثل همیشه ظاهراً پس از کسب تکلیف از مقامات بالاتر جوابی به ما نمی دهند."

ثروتمندترین نویسندگان جهان

مجله اقتصادی "فوربز" فهرست پردرآمدترین نویسندگان جهان طی ۱۲ ماه گذشته را اعلام کرد. در فهرست پردرآمدترین نویسندگان جهان که از سوی این مجله منتشر شد، "جیمز پترسون"، رمان نویس معروف با ۹۰ میلیون دلار افزایش درآمد طی یک سال گذشته مقام نخست را کسب کرد. این نویسنده آثار تریلر که دو سال پیش نیز چنین رتبه ای را از آن خود کرده بود، در سال ۲۰۱۳ جایگاهش را به "ای.ال. جیمز"، نویسنده انگلیسی مجموعه رمانهای پرفروش "۵۰ طیف خاکستری" واگذار کرده بود. جیمز سال گذشته ۹۵ میلیون دلار به سرمایه اش افزود، اما امسال این رقم به ۱۰ میلیون دلار تنزل پیدا کرد و وی را تا جایگاه یازدهم پایین آورد. فوربز این آمار را براساس ارقامی که موسسه معتبر "نیلسن" از فروش کتابهای چاپی، دیجیتالی و صوتی این نویسندگان به دست آورده، ارائه می کند.

جیمز پترسون به عنوان پردرآمدترین نویسنده دنیا به طور میانگین سالی ۱۴ کتاب منتشر می کند. اختلاف فاحش او با "دن براون"، نفر دوم این فهرست، ۶۲ میلیون دلار است. نویسنده کتابهای "رمز داوینچی"، "نماد گمشده"، "فرشتگان و شیاطین" و "دوزخ"، ثروت خود را ۲۸ میلیون دلار افزایش داده است. نام "نورا رابرتز" که لقب ملکه کتابهای دیجیتالی را یدک می کشد، با ۲۳ میلیون دلار افزایش سرمایه در رتبه سوم دیده می شود. رتبه چهارم به "دنیل استیل" تعلق دارد که در سال گذشته ۲۲ میلیون دلار به دست آورده است. "ژانت ایوانویچ" (۲۰ میلیون دلار) هم پنجمین رتبه را در فهرست فوربز دارد. "جف کینی"، "ورونیکا راث"، "جان گریشام" و "استفن کینگ" هریک با ۱۷ میلیون دلار در ردیف ششم قرار دارند. "سوزان کالینز" با ۱۶ میلیون دلار افزایش سرمایه رتبه هفتم را کسب کرده و پس از او "جی.کی. رولینگ"، هشتمین نویسنده جهان در فهرست پردرآمدترینها معرفی شد.

وزارت ارشاد به نمایشنامه بهرام بیضایی مجوز نشر نداد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایشنامه "جانا بلا دور" اثر بهرام بیضایی مجوز نشر نداد. به گفته شهلا لاهیجی، مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، بیضایی تصمیم دارد این نمایش را در خارج از ایران منتشر کند.

وی گفت: "متأسفانه توضیحات ما برای مسوولان اداره کتاب درباره این کتاب کاری از پیش نبرد و با ذهنیت خودشان آن را تفسیر کردند و همین هم باعث شد تا مجوز انتشار پیدا نکند."

نمایشنامه "جانا بلا دور" که سال گذشته در دانشگاه "استنفورد" آمریکا با کارگردانی بیضایی به صحنه رفت، نمایشی سمبلیک براساس اسطوره های ایرانی است. این نمایش که بصورت سایه بازی اجرا شد، به جنگ و آمیختن چهار عنصر اصلی طبیعت یعنی آب، باد، خاک و آتش می پردازد.

لاهیجی با بیان اینکه بیضایی برای نشان دادن این جنگ، لباس انسانی به تن عناصر کرده است و در قالب شخصیت‌های ملموس آنها را توصیف کرده، می گوید: "قهرمانان، چهره های اسطوره ای و سمبلیک هستند که در قالب اسطوره ای قرار گرفتند و برای باورپذیرتر شدن، نام انسانی دارند. مثلاً یکی شده جانا و دیگری بلا دور. اما اینها اصل انسانی ندارند و بیشتر سمبلیک هستند به همین دلیل روابط شان هم همین طور سمبلیک است. مانند اسطوره هایی چون آناهیتا که وجود انسانی ندارد، اما نماد آب پاک است و چهره ای انسانی می گیرد."

تاسیس مدرسه داستان نویسی برای اجرای منویات ادبی رهبر

یک موسسه فرهنگی به نام "شهرستان ادب" در تهران، مدرسه رمان نویسی اش را مبتنی بر خواسته های رهبر افتتاح کرد. شخصی به نام علی اصغر عزتی پاک مسوولیت این مدرسه نوبنیاد را به عهده دارد. او می گوید که مدرسه مورد نظر با توجه به رهنمودهای رهبری برای پرورش نیروهای هنرمند انقلابی تأسیس شده است. وی توضیح داد: "این مدرسه با



هدف استعدادیابی و پرورش نویسندگان ملی در تراز انقلاب اسلامی از سراسر کشور و نیز تولید رمان با کیفیت قابل دفاع تشکیل می شود."

علی محمد مودب، مدیرعامل موسسه مزبور نیز ابراز امیدواری کرده که با این تمهیدات در عرصه رمان نویسی کشور خلاقیت‌های تازه ای ایجاد شود. وی عضو کمیته فرهنگی ستاد انتخاباتی سعید جلیلی بوده است.

سه نویسنده هم برای تربیت دیگر

نویسندگان در جهت مورد نظر به استخدام این موسسه درآمدند: حمید رضا شاه آبادی، محمد حسن شهسواری و بلقیس سلیمانی.

برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان

خلاصه ای از گزارش اکبر معصوم بیگی: پس از نزدیک به هفت سال ممانعت جدی و پیگیر نیروهای امنیتی و وزارت ارشاد، پنجمین مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران در دوره سوم بی اعتنا به همه تهدیدها و اراغها برگزار شد. در میان



مدعوین، چهره های ادبی و فرهنگی بسیار به چشم می خوردند، از جمله علی باباچاهی، سید علی صالحی، بنفشه حجازی، فرشته ساری، فریبا وفی، محمدرضا باطنی، ایرج کابلی و ... حضوری دلگرم کننده داشتند. در عین حال که حضور چهره های جوان ادبی عضو کانون نیز بسیار چشمگیر بود. در این جلسه، ده عضو هیات دبیران، دو تن بازرس، یک تن منشی، و یک صندوقدار با رای مخفی اعضا انتخاب شدند.

جلسه مجمع عمومی به ریاست سنی آقای پرویز بابایی کار خود را آغاز کرد. وی با یادکرد نام جان باختگان راه آزادی، محمد مختاری و محمدجعفر پوپنده و دیگر جان باختگان کانون و آزادی بیان و قلم و با اظهار تاسف از درگذشت عضو برجسته کانون نویسندگان ایران، سیمین بهبهانی، گفت: "امروز قرار بود ریاست سنی بر عهده بانوی غزل ایران باشد، اما مرگ ستمکار مجال نداد تا ما شاهد حضور پرعطوفت او باشیم."

پرویز بابایی سپس از حاضران در مجلس درخواست کرد که به احترام جان باختگان و درگذشتگان کانون از جا برخیزند و یک دقیقه سکوت کنند.

پس از خواندن پیامها و رایه گزارش عملکرد شش ساله هیات دبیران، انتخابات برای تعیین هیات دبیران، بازرسان، منشی و صندوقدار انجام گرفت که در نتیجه فرخنده حاجی زاده، ناصر زرافشان و اکبر معصوم بیگی به عنوان هیات ریسه و رضا خندان مهابادی، حسن اصغری، علی اشرف درویشیان، مهدی غبرایی، بکتاش آبتین به عنوان اعضای اصلی هیات دبیران انتخاب شدند.

رخشان بنی اعتماد برنده بهترین فیلمنامه جشنواره ونیز

رخشان بنی اعتماد، جایزه بهترین فیلمنامه هفتاد و یکمین جشنواره فیلم ونیز را برای فیلم "قصه‌ها" از آن خود کرد. این فیلم که شخصیت‌های آن از طبقه کارگر هستند، روایت تلخ و صریح امروزه است.

بنی اعتماد در تازه‌ترین ساخته خود از طریق پیگیری گذران شخصیت فیلم‌های پیشین خود از جمله "گیلان"، "روسی آبی"، "زیر پوست شهر" و "خارج از محدوده" در سایه رویدادهای پس از انتخابات سال ۸۸ به نمایش زندگی مردم ایران و مشکلاتی نظیر فقر و بیکاری می‌پردازد.

فیلم از قصه‌های مختلفی درباره این شخصیت‌ها تشکیل شده که گاه به شکل ظریفی با هم برخورد می‌کنند، اما وجه مشترک همه آنها مشکلاتی است که به ویژه از نظر اقتصادی همه آنها را در تنگنا قرار داده است.

پرداخت فیلم به شدت رئالیستی است و فیلمساز سعی دارد به عنوان یک ناظر، محیط اطرافش را با دوربین اش ثبت کند. از این روست که فیلمساز درون فیلم (حبیب رضایی) در واقع نقش خود بنی اعتماد را بازی می‌کند که سعی دارد با دوربین اش حقیقت زندگی مردم را به تصویر کشد و با موانعی روبروست. این تلاش برای ثبت رئالیستی در سکانس اتوبوس و دوربین روشن این فیلمساز که تمام حرف‌های کارگران معترض را ثبت می‌کند، به اوج می‌رسد.

در مراسم پایانی جشنواره ونیز که شنبه شب ۱۵ شهریور در تالار "سالاگرانده" کاخ سینما در "لیدو" ونیز برگزار شد، هیات داوران به ریاست "الکساندر دسپلات"، شیرطایی بهترین فیلم را به "روی اندرسون"، فیلمساز سوئدی برای فیلم "کبوتری که روی شاخه نشسته انعکاس وجود است" تقدیم کرد. این فیلم که برنده بهترین فیلم جشنواره شد، با سه کمدی شروع می‌شود و به نوعی با به سخره گرفتن مرگ به زندگی می‌رسد.

حمله رییس بسیج به جشنواره فیلم کن

محمد رضا نقدی، رییس بسیج، در پیامی به یک مراسم دولتی که تحت عنوان "جشنواره بین‌المللی مقاومت" برگزار می‌شود، جشنواره کن و جایزه اسکار را "خفاشان شب پرست" نامید و خواهان "ایستادن" در مقابل آنها شد.

وی گفت: "امروز سینمای مقاومت در مقابل لشکر انبوه خفاشان شب پرست هالیوود، اسکار، کن و امثال آن بایستد که جملگی حامی طراز اول و توجیه‌گر جنایات رژیم کودک کش صهیونیستی هستند."

وی با هشدار نسبت به "جایزه‌های رنگارنگ شیاطین"، وظیفه "سینمای مقاومت" را "نبیین رمز موفقیت پیروزی انقلاب اسلامی و کیمیای رهبری ولایت" و مقایسه آن با "جبهه‌های ناآرام و آشفته خالی از نور ولایت" تعیین کرد.

انتقاد وزیر ارشاد از دادن مجوز ساخت "قصه‌ها"

علی جنتی، وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی به شدت از فیلم "قصه‌ها"، ساخته رخشان بنی اعتماد انتقاد کرد و گفت این فیلم اجازه نداشته است که در جشنواره ونیز شرکت کند.

به گزارش خبرگزاری فارس، علی جنتی با حمله به رخشان بنی اعتماد تاکید کرد: "گاهی فیلمساز با پرداختن به مشکلات و نارساییها و ناهنجاریهای درون جامعه، آن را به خارج از مرزهای کشور و جامعه منتقل و منعکس می‌کند که این برخورد بسیار جدی را می‌طلبد."

"قصه‌ها" قرار است پس از اکران در ونیز، در چند جشنواره بین‌المللی دیگر از جمله در آلمان، بریتانیا و کانادا نیز به نمایش درآید.

علی جنتی تاکید کرد: "باید با فیلمسازی که عالماً و عامداً دست روی نقاط ضعف جامعه می‌گذارد و به خارج از کشور منتقل می‌کند برخورد قطعی شود. در جامعه ما سوژه‌های قوی و مثبت بسیار زیادی وجود دارد که باید به آنها پرداخت."

وزیر ارشاد افزود: "الان داریم بحث می کنیم این فیلم نامناسبی است و چرا در صحنه بین المللی حضور پیدا می کند. بنده سوالم این است که چرا این فیلم مجوز ساخت گرفت و بر روی ساختن اش نظارت نشد؟" پس از بازتاب گستره سخنان جنتی، یک معاون وی مدعی شد که گفته های او درست منتقل نشده است. حجت الله ایوبی افزود که منظور جنتی فیلم خاصی نبوده است. با این حال وزیر ارشاد تاکنون حاضر به تصحیح سخنانش نشده است.

موسیقی

سازندگان ویدیو 'هپی' به حبس و شلاق تعلیقی محکوم شدند

اعضای سازنده ویدیو "هپی" در ایران به جز یک نفر، به صورت غیر رسمی در دادگاه به شش ماه حبس و ۹۱ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شدند.

ریحانه طراوتی، یکی دیگر از اعضای این گروه نیز به ۱۲ ماه حبس و ۹۱ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شده است. عوامل سازنده ویدیو کلیپ "هپی" در روز ۱۸ شهریور ماه در دادگاهی به ریاست قاضی حیدری، متهم به "مشارکت در ساخت کلیپ مبتذل" و "روابط نامشروع" شدند. در جلسه دادگاه تمامی عوامل "هپی" به همراه پنج وکیل خود حضور داشتند.

بر اساس این گزارش، ریحانه طراوتی علاوه بر دو اتهامی که برای همه اعضای گروه مشترک بوده، به "داشتن مشروبات الکلی در منزل شخصی" و "بارگذاری و پخش کلیپ در شبکه یوتیوب" متهم شده است. وکلای این جوانان در دادگاه به اتهام "داشتن روابط نامشروع" اعتراض کردند. آنها همچنین از "برخورد خشن پلیس و هجوم به آپارتمان عوامل تهیه این ویدیو در زمان دستگیری" انتقاد کرده و خواستار پاسخگویی دادگاه به اعتراضهای خود در این موارد شدند.

در نسخه ایرانی ویدیوی هپی چند دختر و پسر نشان داده می شود که با آهنگ "هپی" "فرل ویلیامز"، سازنده و خواننده آمریکایی این آهنگ، در کوچه های تهران و روی پشت بام در حال رقصیدن هستند. این ویدیو تاکنون دهها هزار بیننده داشته است و سرنوشت سازندگان و دست اندرکاران آن نه تنها در رسانه های داخلی و بین المللی بازتاب گسترده ای داشته، بلکه واکنش بسیاری از افراد سرشناس از جمله فرل ویلیامز را در پی داشته است.

شهرت جهانی ارکستر سمفونیک کینشازا با نوازندگان بومی

جمهوری دموکراتیک کنگو با وجودی که به خاطر سالها جنگ و فقر ویران شده ولی صاحب اولین ارکستر سمفونیک است که تمام اعضای آن سیاهپوستان بومی هستند. این ارکستر که کار خود را از یک گروه کوچک موسیقی با سازهای ساده و دست ساز شروع کرده، اکنون شهرت و اعتبار جهانی پیدا کرده است.

این ارکستر از طریق یک فیلم مستند آلمانی که در مورد فعالیتهای آن ساخته شد، در سال ۲۰۱۰ به شهرت جهانی رسید و سال گذشته انجمن سلطنتی موسیقی فیلارمونیک بریتانیا آن را به عضویت افتخاری پذیرفت؛ ستایش کم نظیری که در گذشته فقط به آهنگسازان بزرگی مثل مندلسون، واگنر و برامس اعطا شده است.

"آرمان دیانگیندا"، رهبر ارکستر کینشازا، در سال ۱۹۹۴ پس از دادن شغل قبلی خود که خلبانی برای خطوط مسافربری بود، ارکستر سمفونیک "کیمبانگیست" را در شهر "کینشازا" تشکیل داد. این ارکستر بخشی از فعالیتهای کلیسای کیمبانگیست است که توسط "سایمون کیمبانگو"، پدر بزرگ آرمان تاسیس شد. پدر بزرگ او که توسط قدرت استعماری بلژیک ۳۰ سال زندانی شد و بالاخره در زندان درگذشت، برای بسیاری از مردم در کنگو و به خصوص شهر کینشازا همچون یک منجی و یا شهید دیده می شود و مورد ستایش است.

در آغاز فعالیت این ارکستر، ۱۲ نوازنده ویولون آن مجبور بودند به طور نوبتی از ۵ ویولون موجود استفاده کنند و هر نوازنده پس از ۲۰ دقیقه، ویولون را به نوازنده بعدی می داد. برخی از آلات موسیقی را از بازار دست دوم در چین تهیه کردند و برخی دیگر را مجبور بودند خودشان بسازند. ارکستر سمفونیک کینشازا در حال حاضر در سفر در انگلستان است و قرار است در شهرهای منچستر، لندن، کاردیف و بریستول برنامه اجرا کند.

اندی و فرهاد دریا سفیران صلح شدند



اندی و فرهاد دریا در کنار چهل خواننده شناخته شده برای اجرای برنامه به جشنواره "مستر پیس" دعوت شدند. این جشنواره یکی از بزرگترین برنامه های اجتماعی و تفریحی است که سالانه در هلند برگزار می شود و از چهار سال پیش فعالیت خود را شروع کرده است.

سازمان دهندگان "مستر پیس" هدف آن را تبلیغ صلح در سطح جهانی از طریق تولید و اجرای ترانه های ضد جنگ معرفی می کنند. روز یکشنبه ۲۱ سپتامبر، برابر با روز جهانی صلح، برنامه های این جشنواره شروع خواهد شد و هنرمندان شرکت کننده در ستایش صلح و نکوهش جنگ آواز خواهند خواند.

فرهاد دریا، خواننده افغانستانی مقیم آمریکا و اندی هر دو از سفیران صلح این جشنواره هستند و تحت شعار "نلسون باش" ترانه اجرا خواهند کرد؛ این شعار عمومی جشنواره است که به پاس تلاشهای نلسون ماندلا و فعالیت های صلح جویانه او انتخاب شده است.

ترانه ای که اندی انتخاب کرده، همراه با "میساکارا"، خواننده سوپرانو و لبنانی

تبار، اجرا خواهد شد. این ترانه در وصف صلح و دوستی و همزیستی سروده شده و تنها بعد از اتمام این جشنواره به طور عمومی پخش خواهد شد. میساکارا مقیم آمریکاست و اجرای "من چه دانم؟" از غزل های مولوی را با زبان فارسی در کارنامه خود دارد.

نمایشگاه



آی وی وی در زندان آلکاتراز

"آی وی وی"، هنرمند معترض و فعال سیاسی چینی، نمایشگاهی را شامل چهره ۱۷۶ فعال سیاسی در زندان "آلکاتراز" برپا کرده است.

زندان آلکاتراز که روزی از بدنام ترین و مخوف ترین زندانهای جهان بود، میزبان نمایشگاهی از تابلوهای ۱۷۶ چهره تبعیدی سیاسی است که با استفاده از ۱/۲ میلیون قطعه لگو توسط آی وی وی خلق شده است.

در میان چهره هایی که تصویر آنها با استفاده از قطعات لگو در زندان آلکاتراز به نمایش درآمده می توان به "نلسون ماندلا"، رهبر فقید آفریقای جنوبی و "ادوارد اسنودن"، افشاگر اسناد جاسوسی آژانس امنیت ملی آمریکا اشاره کرد. آی وی وی خود نیز به دلیل انتقادات صریح از دولت چین در سال ۲۰۱۱ برای مدت ۸۱ روز زندانی شد.

جزیره آلکاتراز در مرکز خلیج سانفرانسیسکو در کالیفرنیا واقع شده و تا سالها پیش به‌عنوان یک محدوده نظامی شناخته شده بود و پس از آن نیز امن‌ترین زندان در جهان به‌شمار می‌رفت. اما امروزه این جزیره با نظارت آژانس پارکهای ملی آمریکا، به مکانی تاریخی تبدیل شده و به‌عنوان بخشی از جاذبه‌های توریستی این ایالت در معرض دید همگان قرار دارد.

یک کاریکاتوریست در حرمسرای سلطنتی

نمایش نقاشیهای بزرگمهر حسین پور و مجسمه‌های علیرضا میراسدالله، با عنوان "یک کاریکاتوریست در حرمسرای سلطنتی" بعدازظهر پنجشنبه ۲۷ شهریورماه (۱۸ سپتامبر) به دعوت گالری "نیکولا فلامل" در شهر پاریس آغاز شد. نقاشیهای حسین پور راوی زنان حرمسرای ناصرالدین شاه است و مجسمه‌های میراسدالله راوی زنان فتحعلی شاه قاجار. نقاشیهای حسین پور برگرفته از تصاویر زنان ناصرالدین شاه است که "قرار نبود که هرگز کسی آنها را ببیند". در نقاشیهای این کارتونیست، زنان با سری پوشیده و پاهای عریان به تصویر کشیده شده‌اند؛ ترکیبی از حجاب اسلامی و



ایرانی آن زمان و لباسهای فرانسوی که نظر پادشاه ایران را در سفری که به پاریس داشت، به خود جلب کرده بود. یکی از ویژگیهای برخی از نقاشیهای حسین پور، ترکیب زمان گذشته و حال است. در یکی از تابلوها، ناصرالدین شاه به همراه زنان خود "سلفی" گرفته یا در نقاشی دیگری، بینی یکی از زنان عمل زیبایی شده است. در کنار تابلوهای نقاشی حسین پور، زنان دیگری از حرمسرای دیگر نیز حضور دارند. مجسمه‌هایی که زنان را با چادر نشان می‌دهد اما زیر آن عریان هستند. مجسمه‌های علیرضا میراسدالله، هنرمند و روزنامه‌نگار در نمایشگاه به شکلی چیده شده که فتحعلی شاه پشت سر زنان ایستاده است. او می‌گوید که در ساختن این مجسمه‌ها از "دفرماسیون" در چهره‌ها پرهیز کرده است: "در ساختن مجسمه‌ها، از ایجاد دماغ، گوش و دندانهای گنده پرهیز کردم. دفرماسیون زمانی جواب می‌دهد که قصه شما خیلی پررنگ نیست و می‌خواهید به وسیله کاراکترها و آدمکها، مخاطبان را بخندانید. اما وقتی قصه به اندازه کافی طنز دارد، اگر شما بتوانید فقط چیزی را که نمایشگر آن شخصیت است بسازید، کافی است."

”در ما نفس صبح بهاران جاریست“

م . وحیدی (م . صبح)

از آتش و خون پرنده پرواز گرفت
از عطر صبا افاقی آواز گرفت
رقصید خیال نسترن در شب سرد
گلبانگ طلوع دمیدن آغاز گرفت

×

در ما نفس صبح بهاران جاریست
آواز زلال و سبز باران جاریست
در خون و رگ و ریشه و در ساقه ما
آهنگ خیال صد هزاران جاریست

×

ای دوست بیا باده عصیان بزنیم
در خانه شب سر به طغیان بزنیم
در دشت پر از حادثه جولان بدهیم
تا صبح سحر نعره به توفان بزنیم

×

ای از قدمت خاک وطن خرم و شاد!
وی از نفست بهار آزادی بزاد!
بازاً که طلوع بامداد سحری
مژگان نگاه، فرش قدمهای تو باد!

×

از ماه رخت عشق چو باران ریزد
و از کام لبت قند فراوان ریزد*
از نام تو بشکفته همه خاک وطن
مهرت به دل امیدواران ریزد

×

باغیم و پر از جوانه و لبخندیم
دشتیم پر از ترانه پیوندیم
مرغان گشوده بال آزادی و عشق
در صبح افق رها ز قید و بندیم

*اشاره به این بیت مولانا؛

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

قاضی تحقیق ضد تروریسم دادسرای پاریس

منع تعقیب در پرونده ۱۷ ژوئن را صادر و این پرونده ننگین را مختومه اعلام کرد

عدالت پیروز شد، زد و بند و شیطان سازی شکست خورد، حقانیت مقاومت ایران مهر خورد. سرکوب مقاومت ایران توجهات را از تروریسم واقعی منحرف و بهترین فرصتها را به بنیادگرایان داد.

روز سه شنبه ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر) قاضی تحقیق ضد تروریسم دادسرای پاریس با صدور دستور منع تعقیب، پرونده ننگینی را که از ۱۴ سال پیش در معامله با رژیم آخوندی علیه مجاهدین و مقاومت ایران گشوده شده بود برای همیشه مختومه اعلام کرد. پرونده‌ی که با اتهام مسخره تروریسم و تأمین مالی تروریسم شروع شده و در قدمهای بعد در فقدان هرگونه سند در مورد تروریسم به اتهامهای مالی مانند پولشویی و تقلب منحرف شد. حال قضاییه فرانسه تصریح می کند هیچ دلیلی برای اتهامهای مالی نیز وجود ندارد، هیچ نشانه‌ی مبنی بر پولشویی، تقلب، جعل و ... در این پرونده دیده نمی شود. به این ترتیب به رغم پمپاژ شهادتهای دروغ و اطلاعات ساختگی از سوی رژیم آخوندی و مزدوران، بطلان کلیه اتهامها علیه مقاومت ایران مهر تأیید خورد.

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، تصمیم قضاییه فرانسه را پیروزی عدالت و مقاومت بر زد و بند و معامله، شکست شیطان سازی و اذعان به مشروعیت مقاومت علیه فاشیسم دینی توصیف کرد و آن را به مردم ایران، اعضا و هواداران مقاومت در هر کجا که هستند و به رزم آوران آزادی در زندان لیبرتی تبریک گفت. وی تأکید کرد: این پرونده ننگین از روز نخست در پی یک زد و بند ننگین با فاشیسم مذهبی تشکیل شده بود و هدف آن «منهدم» کردن مقاومت عادلانه و دموکراتیک مردم ایران برای سرنگونی رژیم آخوندی بود. رژیمی که پدرخوانده تروریسم و بنیادگرایی در جهان امروز است.

وی افزود در روز ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، ۱۳۰۰ پلیس به بهانه سخیف تروریسم به دفاتر شورای ملی مقاومت و منازل خانواده های شهیدان حمله ور شدند و به دستگیری گسترده، تخریب اموال و اماکن مقاومت، ضرب و جرح افراد حتی پدران و مادران سالخورده و ضبط اموال مقاومت و افراد و تبعید بسیاری از پناهندگان و اعمال کنترلهای قضایی سنگین مبادرت کردند. حال قضاییه فرانسه اذعان می کند مقاومت مجاهدین چه به صورت ارتش آزادیبخش ملی ایران و چه عملیات مجاهدین در داخل ایران یک مقاومت مشروع بوده و مشمول تروریسم نمی شود.

این حمله در هنگام سفر وزیر خارجه وقت فرانسه به تهران برنامه ریزی شده بود و یک قرارداد تجاری بزرگ بین رژیم ایران و فرانسه پشتوانه آن بود. ارگانهای مختلف رژیم ایران از جمله وزارت خارجه، وزارت اطلاعات، دفتر ریاست جمهوری و سفارت ملایان در ارتباط تنگاتنگ با سرویسهای فرانسوی به پرونده سازی پرداختند و شورای عالی امنیت رژیم به دستور رئیس جمهور آخوندها هزینه کلان آن را تأمین می کرد.

اما با وجود همه اینها و به رغم ضبط همه اسناد و مدارک دفاتر شورا و شنوهای طولانی مدت مکالمات این دفاتر و مسئولان مقاومت و درخواستهای رسمی مقامات وقت فرانسه از کشورهای دیگر برای دادن اطلاعات علیه مقاومت ایران، هیچ سندی علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت به دست نیامد. برای جبران فضاقت فقدان مدارک، وزارت اطلاعات در هماهنگی با یک سرویس فرانسوی هفت مأمور شناخته شده خود را به عنوان شاهد به صحنه فرستاد. آنها دهها جلسه به طور هدایت شده مورد بازپرسی قرار گرفتند تا مقاومت را به سکت، تروریسم، سرکوب کردها و شیعیان در عراق، قتلهای مشکوک، پولشویی، اختلاس، تقلب و شکنجه و قتل اعضای خود متهم کنند.

خانم رجوی افزود: به خدمت گرفتن عوامل اطلاعات برای شهادت دادن علیه مقاومت ایرانی به راستی شرم آور است و مانند به کار گرفتن فرانسویهایی است که با گشتاپوی هیتلر برای شهادت دادن علیه مقاومت و مقاومتین فرانسه همکاری می کردند.

وی تأکید کرد: صدور دستور منع تعقیب، پروژه شیطان سازی رژیم آخوندی علیه مقاومت را نیز با یک شکست سنگین و جبران ناپذیر مواجه کرد و یک بار دیگر اثبات شد که تمامی دعاوی این رژیم که در طول سه دهه بلاوقفه و با هزینه های کلان و از طریق مزدوران و لابیهای رنگارنگ خود در سراسر جهان به ویژه در اروپا و آمریکا علیه مجاهدین و مقاومت ایران پمپاژ می کند، مطلقاً دروغ است.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت برخی از عواقب و ضایعات این پرونده، از جمله اعمال محدودیتهای گوناگون مالی و سیاسی برای مقاومت و هدر دادن انرژیها و امکانات آن و فراهم کردن توجیه برای اعدام و سرکوب اعضا و هواداران مجاهدین در داخل ایران و قتل عام مجاهدان در اشرف و لیبرتی در عراق، را بر شمرده و گفت: اما آنچه مهمتر است اینکه این پرونده توجهات را از مبارزه علیه تروریسم منحرف کرد. به جای ایستادگی در برابر رژیمی که در سه دهه بذر تروریسم را چه در شکل حزب الشیطان و چه القاعده و داعش در خاورمیانه و آفریقا پاشیده است، آلترناتیو آن یعنی شورای ملی مقاومت را سرکوب کردند و سازمان مجاهدین که یک اسلام دموکراتیک و بردبار را نمایندگی می کند و آنتی تز و پاد زهر فرهنگی و ایدئولوژیک بنیادگرایی است را به بند کشیدند. این سیاست غلط تا آنجا به بنیادگرایی میدان داد که امروز به سربازگیری در اروپا روی آورده است.

خانم رجوی نتیجه گیری کرد امروز پرونده بی بسته می شود، ولی پرونده دیگری باز خواهد شد. قرار گرفتن مجرمان واقعی در مقابل عدالت، کسانی که این معامله کثیف را انجام دادند، دستور دستگیریها را صادر کردند، قضایه فرانسه را بازچه مطامع سیاسی و اقتصادی خود قرار دادند و باعث از دست رفتن جانها شدند.

لازم به یادآوری است که در یورش ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، ۱۶۴ نفر دستگیر شدند که پس از مدت کوتاهی همه آنها آزاد شدند و ۲۴ نفر تحت پیگرد قضایی قرار گرفتند. پس از تجسس دفاتر شورای ملی مقاومت که هیچ عنصر غیر قانونی در آن یافت نشد رئیس وقت د.اس.ت در مقابل این واقعیت گفت ما سلاحی به دست نیاوردیم ولی آنها را «منهدم» کردیم. قاضی تحقیق در نفی اتهام تروریسم علیه سازمان مجاهدین تصریح می کند: «باید گفت که شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران همگی یک تشکل جمعی را تشکیل می دهند که هدف آن سرنگون کردن رژیم حاکم بر ایران است». وی سپس تأکید می کند بر اساس «تحقیقات قضایی» شیوه های مقاومت برای رسیدن به این هدف «یا سیاسی بوده اند (مانند تبلیغات، جلب توجهات، لابی کردن، استفاده از اهرمهای مختلف)» یا «با استفاده از یک ارتش واقعی، ارتش آزادیبخش ملی ایران» و «یا دربرگیرنده عملیات نظامی داخل ایران است که توسط سازمان مجاهدین خلق ایران به عهده گرفته شده است» و «در پرونده سندی دال بر عمل مسلحانه بی که غیر نظامیان را به طور عمدی مورد هدف قرار داده باشد، وجود ندارد».

قاضی می افزاید: داده های پرونده «اجازه نمی دهد تهاجمات نظامی با اعمال تروریستی یکی محسوب شود. در حقوق فرانسه یک تهاجم نظامی که منجر به نبرد مسلحانه میان نظامیان شود، نمی تواند به عنوان تروریسم توصیف شود».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۶ شهریور ۱۳۹۳ (۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴)

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

در گذشت ۲۱ امین مجاهد خلق در اثر محاصره ضد انسانی پزشکی در لیبرتی

ساعت یک و بیست دقیقه بامداد امروز، ۲۷ شهریور ۱۳۹۳ مجاهد خلق تقی عباسیان، یکی از ساکنان کمپ لیبرتی که از



بیماری قلبی و بیماری خطرناک MND رنج می برد، در اثر محاصره ضد انسانی پزشکی لیبرتی و عدم دسترسی به خدمات پزشکی در کلینیک عراقی لیبرتی جان باخت. او از سه دهه پیش در صفوف مجاهدین خلق ایران برای سرنگونی فاشیسم دینی حاکم بر ایران و استقرار دموکراسی و حقوق بشر مبارزه می کرد.

به این ترتیب از سال ۲۰۰۹ به این سو و پس از اینکه آمریکا حفاظت اشرف را به نیروهای عراقی تحویل داد، ۲۱ تن از مجاهدان اشرف و لیبرتی، در اثر محاصره پزشکی در گذشته اند. شمار دیگری از بیماران نیز که از بیماریهای صعب العلاج رنج می برند به خاطر این محاصره جنایتکارانه در وضعیت خطرناکی بسر می برند.

تقی عباسیان که مانند دیگر ساکنان لیبرتی هم فرد حفاظت شده طبق قانون پناهندگی و هم حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو بود، با موانع بیشماری در معالجات پزشکی مواجه بود. در ۸ آوریل ۲۰۱۴ به دفتر حقوق بشر یونامی نوشت «من که قبلاً دچار سکت قلبی شده واز درد شدید قلب و بی حسی اعضای بدن رنج می برم و نیمه فلج هستم روز ۷ آوریل پس از یک ماه برای آزمایش MRI به

بغداد رفتم. قرار بود با دوآمبولانس به بغداد برویم استخبارات آمبولانس دوم را حذف کرد و ما به طور فشرده با یک آمبولانس رفتیم. شکنجه وادیت از همان ابتدا شروع شد. در بیمارستان مأمور استخبارات حتی اجازه نداد من مشکلاتم را به طور کامل به پزشک متخصص توضیح دهم.

علی رغم اینکه پزشک گفت باید این بیمار بستری و انژیوگرافی شود و یک سری آزمایشات انجام دهد، مأمور مزبور مانع بستری کردن من شد... باتوجه به وضعیت سلامتی ام من استخبارات عراق به طور مشخص سرگرد احمد و مأموران زیردست اش را مسئول عواقب آن می دانم...»

محاصره جنایتکارانه پزشکی با انتقال ساکنان به لیبرتی ابعاد وخیم تری پیدا کرد. در حالی که کلینک عراقی از تجهیزات اولیه برای موارد اورژانس نیز برخوردار نیست، نیروهای مالکی از انتقال تجهیزاتاتی که ساکنان در اشرف به هزینه خودشان تهیه کرده بودند، جلوگیری می کنند.

مقاومت ایران با تاکید بر تعهدات مکتوب و مکرر دولت آمریکا و ملل متحد نسبت به امنیت و سلامت ساکنان لیبرتی، به اقدام فوری برای پایان دادن به این محاصره جنایتکارانه و دسترسی آزادانه ساکنان به خدمات پزشکی در عراق فرا می خواند و یادآوری می کند این اقدامات نقض آشکار و وخیم معاهدات بین المللی و از مصادیق جنایت علیه بشریت می باشد و مسئولان آن بایستی مواخذه شوند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۷ شهریور ۱۳۹۳ (۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴)

جنگ امیرها

هانا وتیگ - جانگل ولت

برگردان: بابک

در لیبی آشوب جنگ شبه نظامیان، به یک جنگ نیابتی با جبهه های روشن و پدرخوانده های به خوبی قابل شناسایی فرا روییده است. دربارهای خلیج فارس در اینجا اختلافات شان را به حساب خود و بدون کسب توافق آمریکا حل می کنند. تا زمان کوتاهی پیش از این درگیریها در لیبی به کلی درهم و گنگ به نظر می رسید. در سراسر کشور هرکس علیه دیگری می جنگید، پارلمان قدرت عمل را به کلی از دست داده بود و شبه نظامیان حتی گهگاه به آنجا هم یورش می بردند و میان نمایندگان وحشت می پراکندند. به طور دایم نخست وزیر عوض می شد و ۲۵۰ هزار نفر از کشور گریختند. در کنار تعداد زیادی شبه نظامیان متعلق به قبایل، اسلامگراها نیز حضور منحوس خود را دارند. بیش از همه شبه نظامیان نزدیک به القاعده موسوم به "انصار الشریعه" به وحشت پراکنی در میان مردم مشغولند، مکانهای مقدس دیگر باوران را تخریب می کنند و انقلابیون سکولاری که جنبش علیه قذافی را آغاز کردند را به قتل می رسانند. پیوستن به شبه نظامیان اسلامگرا زمانی شدت یافت که در مصر ژنرال عبدالفتاح السیسی قدرت را در دست گرفت و پیگرد شدید اعضای اخوان المسلمین را در دستور کار گذاشت. بسیاری از آنها به کشور همسایه، لیبی، گریختند و در آنجا دیگر لباس اسلامگراهای میانه رو را از تن بدر کرده و به جهادیه‌ها پیوستند.

در ابتدای سال جاری ژنرال شورشی "خلیفه حفتر" اعلام کرد که قصد ایجاد ائتلافی علیه ترور اسلامی دارد. او در این کار موفق شد و زیر پرچم "عملیات کرامت" همه شبه نظامیانی که خواهان جنگ با اسلامگراها بودند و از جمله شبه نظامیان نیرومند "زنتان" که در سال ۲۰۱۱ سهم مهمی در آزاد سازی تریپولی داشتند را متحد کرد. با اینحال، پس از آنکه "عملیات کرامت" در اوایل سال و تابستان چند منطقه را از چنگ اسلامگراها بیرون کشید، شبه نظامیان اسلامگرا از نو خود را سازمان دادند. آنها هم ائتلافی به وجود آوردند که خود را "فجر لیبی" می خواند و از میانه روها تا گروههای نزدیک به القاعده را در برمی گرفت و شبه نظامیان "مصراة" هم بخشی از آن بودند. آنها می گویند که با ضدانقلاب می جنگند و ژنرال حفتر را متهم می کنند که قصد ایجاد یک دیکتاتوری نظامی در لیبی به سبک ژنرال السیسی در مصر را دارد. در حقیقت نیز حفتر کمکهای مهمی از مصر و امارات متحده عربی می گیرد. گفته می شود که امارات در مصر هم کمپین علیه اخوان المسلمین را با کمک مالی هنگفت، حمایت و هماهنگ کرده و به این ترتیب کمک کرده تا ژنرال السیسی به قدرت برسد.

بمبارانهای هوایی

از میانه اوت نیروی هوایی امارات متحده عربی مواضع اسلامگراها را در پایتخت لیبی، تریپولی، بمباران می کند و در ابتدای سپتامبر نیز به دومین شهر بزرگ این کشور، بنغازی، حمله کرده است. بنا به گفته مقامهای آمریکایی، نیروهای ویژه امارات از ماهها پیش با حمایت مصریها در حال عملیات در مناطق مرزی بین مصر و لیبی هستند. آنها در نزدیکی شهر "درنا"، یک اردوگاه اسلامگراها را منهدم کردند.

همین مقامات به نیویورک تایمز گفتند که واشنگتن به دلیل این حملات هوایی از شدت عصبانیت در حال انفجار است. به نظر می رسد که امارات و حامی آن، عربستان سعودی، آمریکا را در جریان حملات مزبور نگذاشته اند. قدرتهای خلیج درگیریهای لیبی را مساله داخلی خود تلقی می کنند که برای حل و فصل آن نه به مشاوره با ابرقدرت آمریکا و نه به "جامعه جهانی" نیاز دارند. این در حالی است که آنها در قلمرو لیبی علیه شیخ نشین قطر گام برمی دارند.

قطر به همراه ترکیه در سراسر منطقه از شعبه های اخوان المسلمین و اسلامگرایان شبیه آن پشتیبانی می کند. این یک واقعیت شناخته شده و آشکار است. جبهه گیری یاد شده در لیبی به معنای ارسال انبوه سلاح از قطر برای شبه نظامیان اخوان المسلمین در ائتلاف "فجر لیبی" و به این ترتیب، برای جهادیه های انصار الشریعه می باشد. نام قطر به همین ترتیب همواره به عنوان تامین کننده مالی گروه های جهادیه مانند القاعده و "دولت اسلامی" برده می شود. به تازگی وزیر توسعه آلمان، "گرد مولر"، در یک مصاحبه با شبکه دوم تلویزیون این کشور به این رابطه اشاره کرد. می توان حدس زد که مقام رسمی مزبور برای ابراز چنین ادعایی در باره یک کشور دوست آلمان، بی گمان مدارک مستندی در اختیار دارد. بدون نگاه به اسناد محرمانه هم می توان دید که هواداران القاعده در تویتر فراخوان کمک مالی به سازمان های خیریه قطری می دهند. اسناد محرمانه از این دست پشت درهای بسته مورد بحث قرار می گیرد و در آنجا - "شورای همکاری های خلیج" برای مثال - سالهاست که بازار مشاجره داغ است.

توافق شکننده

از یکسال پیش نزاع بر سر حمایت قطر از اسلامگراها بالا گرفته است. در ماه مارس، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین سفیران خود را از قطر فراخواندند. آنها همچنین تهدید به اعمال مجازات های اقتصادی کردند و حتی به طور ضمنی امکان حمله نظامی را به میان آوردند.

باوجود آنکه عربستان و تا حدودی امارات خود دارای یک سیستم محافظه کار افراطی بنیاد شده بر پایه شریعت هستند، از هیچکس بیشتر از اسلامگراها هراس ندارند. در گذشته این رابطه به گونه دیگری بود. در دهه هشتاد عربستان به اخوان المسلمین مصر پناه می داد. اما زمان عوض شده و محاسبه حاکمان در خلیج فارس کاملاً واقع بینانه است: از نظر داخلی در حال حاضر فقط اسلامگراها می توانند برای دستگاه استبدادی آنها خطرناک باشند.

البته در خلیج فارس چند گروه حقوق بشری وجود دارد، اما ایده های آنها برخلاف شمال آفریقا یا شرق مدیترانه، هیچ جذبه ای برای جامعه عمیقاً محافظه کار ندارد. از آنجا که رفاه نفتی به تدریج رنگ می بازد، نارضایتی در میان مردم بیشتر از گذشته شکل می گیرد و اسلامگراها می دانند که چگونه آن را جهت دهند. نگرانی هایی از این نوع را شیخ قطر نباید داشته باشد. او به عنوان حاکم کشوری که بالاترین درآمد سرانه جهان را دارد، مهار ۲۵۰ هزار زیردست خود را به خوبی در مشت دارد.

آخر اوت امسال "شورای همکاری های خلیج" دوباره توافق کرد که یک استراتژی برای اتحاد تدوین کند. شرکت کنندگان وعده دادند که سفرها به زودی کار خود را دوباره از سر خواهند گرفت. پیرویه های "دولت اسلامی" در عراق و سوریه، زنگ خطر را با صدای بلند برای حاکمان خلیج فارس به صدا درآورده و در این نقطه آنها باید دوباره کنار یکدیگر بایستند. حتی شیخ قطر هم می داند که با این هیولا نباید بازی کند.

جبهه های تشکیل شده در لیبی اما بیانگر آن است که اختلافها هنوز کنار گذاشته نشده. شبه نظامیان اسلامگرا به گونه فوق العاده ای تسلیح شده و سازمان یافته اند. در میانه اوت، شبه نظامیان زنتان، فرودگان تریپولی را با وجود حملات هوایی امارات به تصرف خود درآوردند و از این هنگام شهر را نیز کنترل می کنند. دولت و پارلمان به "طبرق" در شرق کشور عقب نشسته اند؛ جایی که در کنترل ژنرال حفتر قرار دارد. اسلامگراها اکنون در حال تشکیل یک دولت موازی هستند. آنها پارلمان تازه انتخاب شده را به رسمیت نمی شناسند. اسلامگراها در این نهاد فقط یک اقلیت کوچک را تشکیل می دهند. رقم دقیق کرسی های آنها معلوم نیست، چون در انتخابات فعلی نه احزاب بلکه فقط افراد مستقل می توانستند انتخاب بشوند.

انتخابات پارلمانی

در اولین انتخابات پارلمان بعد از سرنگونی معمر قذافی دوسوم کرسیها را مستقلاً به دست آوردند. به وسیله این قانون، تلاش می شد نفوذ احزاب اسلامگراها محدود و از شکل گیری سناریوهایی مانند مصر و تونس جلوگیری شود. در

کشورهای مزبور طی دوره هایی، اسلامگراها بر دولت تسلط یافتند. اکنون به نظر می رسد به این هدف دست یافته شده باشد. همزمان این بدان معناست که ساختار قبیلہ ای تحکیم می یابد و اراده و برنامه سیاسی خارج از خواست قبایل به هیچ عنوان نمی تواند شکل گیرد، زیرا به طور معمول مستقلها را روسای قبایل کاندیدا می کنند که البته هیچ زنی نیز در میان آنها نیست.

ساختار سیاسی، وابستگی دولت به ژنرال هفتار و حمایت قوی امارات و مصر، نشانه هایی است که از حرکت رویدادها به سوی راه حل مصری حکایت دارد، مشروط به آنکه قطر به طور واقعی دست از حمایت از اسلامگراها بردارد. با این حال اسلامگراها منابع مالی دیگری هم دارند و همزمان از پشتیبانی یک نیروی مهم تاثیر گذار یعنی مفتی لیبی نیز برخوردارند. اولین دولت لیبی، تحت تاثیر موضعگیری "صادق الغریانی" علیه قذافی، برای او پستی بدون هرگونه کنترل ایجاد کرد. او به طور مادام العمر مفتی است، دولت نمی تواند وی را برکنار کند، مصونیت دارد و شورای فتوایی هم وجود ندارد که مجبور باشد تصمیماتش را با آن مشاوره کند.

غیرانی از همان ابتدا به مداخله در سیاست پرداخت، او به تفسیر مصوبات دولت می نشست، توصیه انتخاباتی می کرد، فراخوان تظاهرات می داد و دیگر تظاهرکنندگان را کافر می نامید. برای یک مفتی این یک رفتار نامناسب به حساب می آید. بسیاری از لیبیاییها هم همین داوری را دارند و برای او در شبکه های اجتماعی لطیفه می سازند. بخش دیگری هم هستند که توصیه های او را به گوش می گیرند. چندی پیش غیرانی در برنامه تلویزیونی اش، پیروزی اسلامگراها را جشن گرفت و مردم را به گسترش شورش علیه دولت فراخواند. جالب اینجاست که او در هنگام این نطق جنگی، در بریتانیا بسر می برد.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

زنگ شروع جدال بر سر جانشینی خامنه ای به صدا درآمد

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۲ شهریور

مجلس فرمایشی خبرگان برای یک نشست دو روزه تشکیل جلسه داده است. با اینکه انتظار نمی رود این گردهمایی دربرگیرنده تغییری در روال کار کلیشه ای ارگان دست نشانده آقای خامنه ای باشد، با این حال دستکم موضوع تعیین ریاست آن، تنوع ناخواسته ای را به دستور کار تشریفاتی خبرگان تحمیل کرده است.

نزدیک به چهارسال پس از آنکه آیت الله مهدوی کنی با صندلی چرخدار به جایگاه ریاست مجلس خبرگان هُل داده شد تا پُست محبوب آقای رفسنجانی را اشغال کند، اکنون کُهولت سن او را بدون اُمید به یاری هرگونه وسیله کُمکی، از میدان بازی قُدرت به بیرون رانده است.

هر گاه توازن قُوا در دستگاه قُدرت همچون بُرش زمانی ۱۳۸۹ به گونه یکجانبه به سود باند ولی فقیه می بود، خالی شدن و پُر کردن این صندلی نیز موجبی برای نگرانی آن به حساب نمی آمد. در سال ۱۳۹۳ اما آقای خامنه ای و همدستانش یک باند سیاسی ورشکسته هستند که تهاجُم آنها در داخل برای تصرف یکپارچه قُدرت به گونه خیره کننده ای ناکام مانده و تهاجُم خارجی شان به فلج اقتصادی و سُسستی "قهرمانانه" مُنتهی شده است. براین اساس بدیهی است که جاگذاری ریاست خبرگان دیگر از مجرای یک پروسه نرم و بدون دست انداز گذر نکند.

با این همه، اهمیت کُنترل دوره کنونی مجلس خبرگان به گونه مُستقیم ربطی به آرایش موجود در دستگاه قُدرت و صحنه شکل گرفته بر پایه آن ندارد؛ حساسیت دو طرف اصلی را بسا بیشتر چشم انداز پس از "رهبر" کنونی برمی انگیزد. کسب

گُرسی ریاست خبرگان یک فاکتور جانبی است که می تواند راه ارایه پاسخ مطلوب به این پرسش را دوره ی ششم "خبرگان" هموار کند.

کشمکش بر سر تعیین جانشین آیت الله مهدوی کنی، همزمان می تواند وزن باندهای رقیب را در این ارگان شماره بیاندازد و به همراه آن فضای موجود زیر "خیمه نظام" را نیز عرضه کند. این امر در درجه نخست آقای خامنه ای و شرکا را در تنگنا قرار می دهد.

آنها برای حفظ هژمونی محکوم به برنده شدن در این زورآزمایی هستند، در حالی که جناح میانه چیزی برای باخت ندارد و می تواند بدون تغییر به سمت انتخابات مجلس خبرگان در اسفند ماه حرکت کند. باند ولی فقیه حتی اگر از انتخاب جانشین آقای کنی جلوگیری کرده و از آن طفره رود، باز یک شکست را به حساب خود ثبت کرده و از برهم خوردن توازن قوا به زیان خویش پرده برداشته است.

زنگ شروع جدال بر سر جانشینی آیت الله خامنه ای به صدا درآمده است، در انتها اما این ارگان توخالی "خبرگان رهبری" نیست که پایان درگیری را اعلام خواهد کرد.

تبریک به کارگران بافق، پیش بسوی همبستگی سراسری کارگران و تشکلهای مستقل آنان

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۵ شهریور

پس از ۱۶ روز، اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن شهرستان بافق و تحصن در مقابل فرمانداری که با حمایت خانواده های آنان، بسیاری از مردم شهر و همبستگی نهادهای کارگری همراه بود، به پایان رسید. علاوه بر آزادی تمامی نمایندگان بازداشت شده کارگران، مقامات دولتی و امنیتی اعلام کردند که خصوصی سازی معدن لغو شده و ۱۵ درصد از سهام آن نیز تا چهار ماه آینده به شهرستان بافق واگذار می شود. این پیروزی که با جدیت، همبستگی و مقاومت کارگران و حامیان آنان به دست آمد را به معدنچیان زحمتکش سنگ آهن شهرستان بافق تبریک می گوئیم.

پیرامون مطالبه اصلی کارگران که جلوگیری از خصوصی سازی بود، همچنان سخنان ضد و نقیضی گفته می شود. از یکسو، علی اشرف عبدالله پوری حسینی، رییس سازمان خصوصی سازی، ادعا می کند که خصوصی سازی این معدن به هیچ عنوان قابل لغو نیست و ۷۱ درصد از سهام معدن سال گذشته بابت رد دیون از طریق عرضه در بورس به فروش رفته و باقیمانده سهام نیز از طریق مزایده و توسط فرابورس در اردیبهشت ماه سال جاری به فروش قطعی رسیده است.

از سوی دیگر، محمدعلی طالبی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار یزد ادعا می کند که سازمان خصوصی سازی با اینکه زیر مجموعه دولت و وزارت اقتصاد به شمار می رود، با سیاستهای کلی دولت ناهماهنگ است. وی نسبت به "بروز نارضایتی میان کارگران معدن سنگ آهن بافق، التهاب آفرینی و دامن زدن به اعتراضات" ابراز نگرانی کرده و در این باره هشدار داده است.

هنوز مشخص نیست که تصمیم قطعی در این باره چه خواهد بود. سابقه سرمایه داران و حامیان آنان در دادن قول و وعده هایی که بیشتر با هدف فریب کارگران و پایان دادن به اعتراضات مطرح می شود، سیاه است. از این رو کارگران ضمن کسب نیرو از این پیروزی که حاصل جدیت و پافشاری خود و نیز حمایتهای وسیع از سوی مردم، سازمانها، گروه ها و نهادهای کارگری است، همچنان باید همبستگی و اتحاد را در مسیر مبارزه برای دستیابی قطعی به خواسته های خود حفظ کنند.

طبقه کارگر ایران به تجربه دریافته است که تنها با سازماندهی و تشکل یابی درونی و در پیوند با همبستگی سراسری این طبقه زحمتکش که درد مشترک و نیاز مشترک دارد، می تواند به پیروزی دست یابد و از این رو باید در تداوم و گسترش آن تلاش کند.

شهادای فدایی در مهر ماه

رفقای فدایی:



رفیق پروین فاطمی

چنگیز قبادی - محمدعی سالمی - سید نوزادی - حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلالی نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سمیعی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - ژیلای سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - زهرا بیدشهری - مصطفی رسولی - مهنوش ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی - زاهد سجادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بریری - علیرضا صفری - فریبا شفیعی - ایراهیم شریفی - علی حسن پور - محمد کس نزانی - غلامحسین وندادنژاد - پرویز عندلیبیان - مهدی خانزاده - خیرالله حسن وند - عبدالله یزدانی - علی محمدنژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شهسوار

شفیعی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن سبعت - حسن جان لنگرودی - کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،
 - ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک
- ۹ ساعت در این مجموعه
 قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار
 برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سروده‌های به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com
www.radiopishgam.com
www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 351 23 sept. 2014 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION